'RECORDAK' MICROFILM SERVICE

TITLE OF DOCUMENT FILMED

PERSIAN MANUSCRIPTS

PLACE OF ORIGIN INDIA OFFIC LIBRARY

PHOTOGRAPHED BY D L West DATE 18 2 55

KODAK LTD. RECORDAK DIVISION LONDON

RK 5152

'RECORDAK' MICROFILM SERVICE

TITLE OF DOCUMENT FILMED

PERSIAN MANUSCRIPTS

PLACE OF ORIGIN INDIA OFFIC LIBRARY

PHOTOGRAPHED BY D.L. West DATE 18 2 55

KODAK LTD. RECORDAK DIVISION LONDON

RK 5152

REEL 301

I N D I A O F F I C E L I B R A R Y

Persian manuscript: Ethé 525 = I.O.2100

LETTERS OF TĪPŪ SULṬĀN

Begins

ry [illegible]

Presented to Library by Col. C.
of Kirkpatrick
13 April 1881

CDR 7b
Letters
Printed
1857
261
262
1
235

Letters of Hyder Sultan

Vol. I

This Volume contains (chiefly
since the 6000 Letters which
Letters wrote by him in
the Persian character
of "Hyder Sultan" trans-
-lated by Bhuck Dass
Munshi — See Preface to
the Persian edition
the Translations & Engravings
in the Appendix of the Letters

Page 1

2108

هوالله

هشتم ماه جمادی سال جلوس نام راجه رام چندر بخشی هرکاره
که تعین تربت علیخان نموده مستحسن شد باید که منجمله هرکاره
های متعینه خود هرکاره های ناکاره را برطرف نموده عوض
انها هرکاره شایسته که از نوشته خواند بهره داشته
باشند نوکر و مامور دارند و موجب نوشته سابق بعد
رسیدن شیخ عمر سپاهدار به کنکی ورک یکاره ها وغیره
روانه نمایند

۲۴ ایزدی سال جلوس نام محمد غیاث پیش ازینجا
خطی بنام سودموجی هونسله نوشته دو هرکاره را با
یکدست خلعت فرستاده شده بود تا حال جوابش
موصول نگشت لهذا باز دو هرکاره را فرستاده شده
است باید که انهارا مخفی پیش سودموجی هونسله سوای
واسطه خود با خریطه موسومه نامبرده باید فرستاد و
ایمعنی بسیار مخفی باید داشت بعد دریافت مرضی نامبرده

شخصی را گاه گاهی پیش موعی الیه فرستاده مرضی او
خفیه بدریافت آورده سخنان تراشیده دوستی دارند
کفته منظر نشانده باشند زیاده چه

روز دوم ماه حیاضی سال ارل ۱۱۹۳ هجریه از دارالسلطنه
موسومه میرزا مهدی علی دارو غه فلنی نه مکرر عرضداشت
رسیده از نظر گذشت و کیفیت معروضه کاهی بوضوح
پیوست نوشته بودند که متصدیان تعلقه شما
آرام طلبی و نشستن در نکر قرار داده اهمال ما نزده
پانزده روز هست نوبت تبدان از وزنی نموده نمی
نشینند و عذر و حیله دیدن و شنیدن تعلقدار نکر
ساخته سوای امدن نکر حساب تیار نمی زنند ما و صفکه
یک متصدی کندری نویس موجب حکم حضور را بر
اضها نوشته جناب بکوتی تر سیاید مدعلوم
و موجب تعجب شد هرکاه متصدیان علاوه شما در
اختیار شما نباشند بواقعی تازیانه کاری نموده فهرست

وغیره کوانده مطلوبه حضور بموجب نوشته سابق زود زود
تیار کنانیده مفرستاده باشند

بپک

پروانه مرقومه تاریخ صدر رسیده موسومه مرزا انام دادی
پیش ازین پروانه مضمن بر بنکه حکم از حضور برای
معالجه اهلیانه شما فرستاده شد معالجه کنانیده معه
متعلق خود را بحضور رسانند صادر گردید بنکه تا حالت
تحریر طبیعت اهلیانه شما درست وصحت یافته باشد زود
معه متعلق عازم حضور شوند

سنه ۱۱۹۸

پروانه مرقومه بیست سیوم ماه ماضی سال اول الحق
از دارالسلطنت بین موسومه راجه رام چند عرضداشت
مرسله از نظر گذشت وکیفیت مرقومه بوضوح پیوست
قلمی بود که برای تیاری حساب مفصل وبهایت یک یک
تعلقه را دو سه ماه می باید حالا بحکام محصول تحصیل
زر است در موقت رسیدن سال بهوکان وغیره
موجب تخلل تحصیل خواهد شد معلوم وموجب تعجب گردید

حساب خام نزد متهوکان جمیع تعلقات تیار آید
باید که اولا از یک تعلقه ده نفر متهوک ده موضع را
طلبیده موافق حکم سابق حساب تیار کنانیده روانه
مواضع مذکور نماید که دوباره دیگر ده نفر متهوک دیگر
مواضع را طلب باید داشت بهمین طور متیاری
حساب همه تعلقات باید پرداخت زیاده چه

تاریخ غره ماه بیاضی سال اول بمشیر املاک متصدی
فرستادن مابور او متصدی را معه هرکاره انچه
بجمدر آباد وطلبیدن سوبهرا و معه هرکاره انچه
سابق بحضور
یا فتخار خان مضمون صدر

تاریخ صدر بمحمد اشرف دارد غه کوتی مصمن فرستادن
مبلغ چهار هزار روپیه برای خرچ مردم نوکهیات
دیگر مردم همراهی غلام محی الدین متوجه عمل کنجن کوت
بروانه مرقومه چهارم بیاضی سال اول سنه ۱۱۹۱ هجری

از مقام بتن موسومه تربیت علیخان عرضداشت
مرسله متضمن تکرار نمودن راجه رام چند در ماده
اجرا نمودن وجه طلب کج ساران سکاری قلعه
دیون ہلی و استدعای عنایت نامه تاکید شام
خود از نظر گذشت نام کج سازان قلعه مذکور که
بموجب تصدیق حاضر اند مفصل دریافته برلکارند
که موافق ان تصدیق علیحده از حضور خواهند رسید زیاده

چه

پروانه مرحومه شب پنجم ماه بیاسی سال اول جلوس همایون
از مقام بتن پروانه موسومه محمد غیاث خان خیرخواه که
سابق فرستاده بودند بکوربال رسیدند متعاقب
بحضور خواهند رسید دیگر اینجا خبر شامی که کلان
چهارشنبه نباشند خرید کرده بفرستند و بمصدماده
دنبه و بست و پنج من روغن نیز خرید کرده باید فرستاد
وبموجب نوشته سابق دو کس واقف کار توالد و

شاطل سجه های حجر را نوکر داشته روانه حضور باید
نمود برای عیوض شما میرکاظم وغیره داروغه
های دیگر را روانه انجا نموده شما را بحضور
طلب داشته شده است بفکر رسیده باشند بعد
رسیدن انها شما خود را بحضور رسانند زیاده

10

برواله مرقومه شب پنجم ماضی سال ازل شده هجری
موسومه میرکاظم وغیره داروغه شقط - بتجار شقط میگویند
واز امام تاکید کنانند هر دکی های خالی اسپان
فروختنی آورده در سرکار فروخته عیوض آن برنج
خرید کرده می برده باشند زیاده

برواله مرقومه حجم ماضی سال ازل موسومه غلام حسین
عامل سرکار اتین معروضداشت مرسله از نظر گذشت
وکیفیت مرقومه کماهی موضوح میوست انچه از درستادن
کوله های اهنی نوشته بودند معلوم شد کوله های مذبور

در بخارستیدن در سید بهم خواهند رسید در مادهٔ تصدیق
مردمان کنداچار بر قوم بود موضوع شد انچه تصدیق مردم
مقرر نمودن بود نموده سابق فرستاده شده موافق
آن موجودات مردم دیده کار خدمات از انها سکرفته
باشند زیاده

برداشته مرقوم سه دوازدهم ماه مباضی سال اول سنه ۱۲۹۸ هجری
ملحوظه تمیمت یکتیان در اصدام چند عرضه داشت سرسله
از نظر گذشت نوشته بود ذکر که فرنگی اسیر شده یامن کهات
سابق در دفتر یومیه می یافت الحال بکفیم بومیه بسبب
شهار ارث او مقرر در فن نشد اندازی کوله کرنال ادعاد
اراده اسلام اکر دین دار در ساده حکم حضور صادر شود
معلوم شد باید که نامبرده را بشرف اسلام در اورده بموجب
سابق در دفتر یومیه سید اده باشند دفن نه اندازی هم
کنانند در حضور ترکیب نشد اندازی کوله کرنال بعنوان
مقرر شده که اطفال ده یازده سال کوله کرنال بر فوک سنان

فرد و می آرند بموجب ترقیم خود یک خاکروب را در ماهه
ده دوازده قلم نوکر داشته برای جاروب کشی رنگ محل
و کهدی های دیوانی و احتشام مقرر و مامور نمایند
زیاده چه

---

13 پروانه مرقومه دوازدهم ماه بیاضی سال اول سنه الف
موسومه رست علیخان عرضداشت مرسله از نظر گذشت
و کیفیت مرقومه بوضوح پیوست نوشته بودند که
بروا کل کور تعلقه جگنور مبلغ بیست هزار هون پیش
کهولی لوا باشنده تعلقه مذکور بطریق امانت داشته
خوت شد و ایشان برای کشیده آوردن کهولی لوا
دو بهره جوانان پار روانه کرده اند معلوم و مستحسن شد
تا بهر که نامبرده را گیر در آورده کیفیت رزمذکور را در
یافت و اطلاع دهند زیاده چه

پروانه مرقومه ست نزدهم ماه بیاضی سال اول سنه الف هجری
از دارالسلطنت بنام موسومه محمد اشرف داروغه کهدی های دیوانی

5

کوله عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
گاهی بوضوح پیوست نوشته بودند که نرخ هونهای
کرک از نازار ما و کم چهارده فلم است چنانچه
چهارانه افزود نموده به پیاده های احشام وغیره رسانیدند
معلوم شد آنچه نرخ هونهای مذکور از نازارست بکفلم
افزود نموده سلازمان سرکار باید داد زیاده ازین
در نرخ افزود نمودن ضرورتیست چنانچه پیش ازین
مکرر در نیاده قلمی شد با وجود این کارندخودرای
شدن موجب تعجب

پردانه مرقومه نوزدهم ماه بیاضی سال اول سنه ۱۱۹۸ هجری
موسومه کورنر بتین رقیمه خیریت ضمیمه هرده کشتی
وصول شده مسرور و بر کیفیت مرقومه مطلع گردانیده
نوشته بودند که بنا لیداس بهوکار هودر بجهت
بسبب نرسیدن نامبرده بجهت ایجاد رنگان انجا
کوتاه میوی مرکور داد و سعد دارند سر اسیمه اند

نامبرده را معه سامان وسر انجام ان روانه نامبن کیات
نموده شود معلوم شد بموجب قرارداد صلح قبل از
وصول خطاان عوالیمرتبت همه مردم کرناتک وغیره را
حکم عام داده شد که هرکه بخوشی خاطر برفتن کرناتک
رضامند باشد برود ممانعت و مزاحمت از سرکار
نیست چنانچه بیشتر مردم روانه شده رفتند لیکن
رعیت سوال وجواب تمام نمانده است در میان نبود
وحال نامبرده از راه هوان اینی قریب چهارصد لکهون
قرض گرفته در خرچ خود آورده است چنانچه انجام
ساهوان با نامبرده کشن کشن لنبیار از دوشته
مینماید وهم فریاد دستگیر کار آورده بود عرض نامبرده
وروداد ساهوان نظر آمد چون بمد اخاطر داشت
کشتی اگر خرد باشد قرار نامدار مطور است مرکز
برخلاف ان بظهور نخواهد رسید هم بموجب
ترقیم ایشان تاکید بموکد نموده شد که هرکه بخوشی خاطر

برای روشن کردن تاکید رضامند باشد بود و مخالفت
ممانعت از سرکار هیچوجه نخواهد شد زیاده

پروانه مرحومه نوزدهم ماه مذکور سنه الموسومه موجب کومان
کورنر سیلجری رفیعه شریفه طراز چهره ارای وصول شده
مسرور و بر کیفیت مرقومه مطلع شود نوشته بودند که
در این روزها در ولایت فیمابین پادشاه فرانسیس و
انگریز صلح قرار یافته مکان بندر سیلجری در قبضه تصرف
فرانسیس قایم مانده معلوم و موجب تعجب و غلط گشت
باید که از کیفیت آمد آمد جهازات علاقه خود و موسی سفرین
که تا کجی رسیده است اطلاع دهند

پروانه بست و دویم ماه ماضی سال ارل سنه ۱۱۹۸ هجریه موسومه
شاه نورالله عرضی عثمان خان و بغره که متضمن رسیدن
بصره و از انجا روانه حضور پادشاه گردیدن رسیده
بود بجنس ملفوفست از رویش خواهند دریافت والی
بصره هم بمضمون درجواب خط سرکار نوشته فرستاد

که خاندکور و غیره را روانه بارگاه پادشاه فرمودند
در نصیرت ان رفعت نشان تعجیل نموده بموجب
نوشتجات پیش جهاز فخر المراکب را در دریا کج کنانیده
انچه مربوط نمودن باشد باید کرد انشاء الله

برروانه مرقومه دویم زاد احدی سال جلوس ۱۰۴۹ هجریه بموجب
محمد برهان الدین دو قطعه عرضداشت رسیده از نظر گذشت
وکیفیت مرقومه کماهی موضوح بموت انچه از براورد ن
ظروف مسی و برنج وغیره در کهوا و حوالی نمودن
آن بعامل وقا دار نوشته بودند معلوم شد ضرورت
مس و برنج در سرکار زیاده است باید که هرقدر
ظروف مذکور که در کهوا مرآیند برکا و ان گراه بار
کرده در دولت روانه حضور سازند همراه آن
دو هرکاره ذی هوش هرهند دکن نیز ظروف
مس از کهوا می برآرند چیزی الغرض ما نها باید دلو
واگر خبر آمدن جمیع مخالف زیاده معلوم شده باشد

۸۰۱

1213

باید کرمشا از قلعه مورچال برداشته معه اتواب کلان نزد بک
وبا روار رفته خود دانند ان شاء الله المستعان بتاریخ چهاردهم
ماه احمدی سال جلو ماهم کوچ نموده ودانجا میرسیم من بعد
انچه مناسب باشد بعمل آورده خواهد شد کوشش نکند کسی
بر سر برداشته نمی برد جایکه مصلحت دانید

برواته مرقومه سیوم جمادی الاول سنه ۱۲۹۶ امو سومنه شاه
شرف علی مجاور درگاه سید قلندر باک با میران حساب
حقایق ومعارف اگاه اسلمه الله تعالی بمقتضای اخلاق
دبزرگیها شبرک درگاه حضرت سید شرف علی قلندر باد
پامیران حساب قدس سره مصحح شیشه اب بامال
کنکا ویک دسته قلعکی که بصحبت یکباری شنکه
هرکاره که فرستاده بودند رسید مسرور گردانند
لازم که ان حقایق اگاه وقت خاص باعانت باطن
قدس سره اطن متوجه دعا باشند وهمیشه بدو کلمه
خیر تها یاد اور مها نمانند

۱۲۵۳

برداشت مرقومه بازدهم ذیحجه سنه حال حلو موسومه
میرقمرالدین علیخان عرضداشت مرسله متضمن رسیدن
شما به حکری و استدعای تنگ چقماق و باروت
وغیره از نظر گذشت و کیفیت مندرجه ان بمعلوم
بموت باروت و تنگ چقماق وغیره انچه مطلوب بود
باشد از نزد برهان الدین طلب دارند محمد علی سپه دار
هم معه جمعیت خود تا حال نزد شما رسیده باشد که
برداشت حضور تواتر و توالی صادر شده اند فوج متعلقه
شما را که به روانه شده است متعاقب ملحق فوج شما
شوند زیاده چه

علیخان

برداشت مرقومه بازدهم ذیحجه سنه حال حلو موسومه میرقمرالدین
بعرض رسید که تنها تابک داری می خواهد کتل کرب تا نهر
از مردم رشوت گرفته به پایین گذاشت میکند لهذا التعلم
می آید که انهر بان دو مرد آدمی باهوش را معه پیاده ها
اعتمادی هر یک کبری برای تبدیلیت و محافظت

/243

کتخدا بندگان مامور و مقرر نموده است سالیانه ماه تبدیل مردم
چوکی می نموده باشند

22 بر وارد آمر قومیت نمود و بعد از احوالپرسی حال [illegible] مامور
رعیت علیخان عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت
مندرجه موضوع بموجب نوشته بودند که زامراو سررشته دار
کند اجاره را که معمول داشته بر ماهه شصت هون نوکر
بود برای نوشتن حساب مفصل محالات مامور و سی
هون در ماهه او و نه هون در ماهه گماشته او از انجمله
بخصوصت باقی بماند دیگر بحضور نظر بصرورت امر و زده
مقرر نشد معلوم شد باید که زامراو سررشته دار
مذبور را معزول نموده گماشته بموجب شرح قاعده
سررشته داران کند اجاره در ماهه مقرر نموده برای
نوشتن حساب محالات مامور نمود امید امجد
هم نوشته شد که دنکت زاو سررشته دار را بحضور گماشته
موجب شرح سررشته داران محالات در ماهه مقرر نموده

برای نوشتن حساب مفصلی کند اجاره مقرر شد زیرا که
مکرر انکه چون حساب کند اجاره بنسبت محالات کم است
لهذا ایراد جمع مجدد و زیاده داشتن دهنک راو
با بخشدار کماشته و سرقوفی جعفر دکر نوشته شد و حساب
محالات زیاده است لهذا اوده نفر کماشته را مراد
مسلم داشته شد باید که مامور او مذبور را اوده نفر
کماشته برای نوشتن حساب محالات مقرر نمایند
زیاده بقلم آید

بر دوانه مرقومه را مذاید احدی سال جلو موسوم راجه
بنکت داو سررشته دار را اوده نفر کماشته برای
نوشتن حساب مفصلی کند اجاره مقرر کرده اند چون
حساب کند اجاره بنسبت محالات کم است لهذا نوشته
میشود که بجز کماشته کم کرده سررشته دارند کور را
با بخشدار کماشته بشرح سررشته داران محالات برای
نوشتن حساب کند اجاره مامور دلند زیاده بقلم آید

Afgh 1243
AD 1785

پروانه مرقومه هجدهم زائد احمدی سال جلوس سومنه مشتمل
حشمت و شوکت مرتبت سلمه آن حشمت مرتبت گفته
فرستاده بودند که زر خود و مه ساهوکار واجب الطلب
ست وصول کرده بفرستند بموجب ایمای ایشان
مبلغ ده هزار روپیه بهولی بمعرض وصول آورده
هندوی مبلغ مذکور بدوکان الکتی ذاس مرسلت
مبلغ مذکور گرفته اطلاع باید داد و همیشه بوصول خطوط
خیریت بنوط مسرور و روشناس دارند

پروانه مرقومه هجدهم زائد احمدی سال جلوس سومنه محمد علی
نوشته بودند که راو راستی میگویند که اگر تسخیر کنند
موقوف شود وکیل رسیدار نکند رجوع آورده است
چیزی کفایت سرکار و وصول جریمه و خوشنمای
درعالم خواهد شد معلوم کردید براو راستی ایشان
جواب باید گفت ما هم همین خیال داریم که هیچ تعالی
در ملک سرکار نموده است لاجرم بهم وجه مکتوب کرده تا او

AA 1213

باقیست برسانند تسخیر مکان نزکند موقوف کرده خواهد
مرقوم نمود که راه راستی میگویند که زر سالیانه نا نقد
طلبدار نمیشود دی ساهوکار اینجا قبول نخواهد شد معلوم
بیش ازین نوشته شد والحال نیز نوشته می شود که
نور محمد خان جیو از جمیع مراتب اینجا واقف هستند روانه
حضور نمایند زیاده چه مسطور کیفیت راستی و درستی
قول و فعل اینجا دیم در یابند خرچ و یافته فکران معمل خواهد
آنقدر زیاده چه

برداشته مرقومه نور دیم زاید احدی سال جلوس موسومه بدر الزمانخان
برطبق ترقیم ایشان برای مامور نمودن مزدوران جهت مرمت
قلعه موروی و ملکی بنام غلام محمد عامل کوربال مرقوم و ملفوف
برسانند و مزدوران را برای تعمیر ساختن قلعجات مذکور
مامور گردانند زیاده چه

برداشته مرقومه تاریخ صدر موسومه غلام محمد عامل کوربال از روی
عرضی بدر الزمانخان جیو ظاهر شد که قلعه موروی و ملکی

10

جا بی شکست یافته و مرمت طلب است لهذا نوشته میشود
که چند نفر دوران را برای تعمیر قلعجات مذکور مامور کرده
درست کرد انند زیاده چه

28

برواله نمره نامه صدر موسومه میر قمر الدین خان دو قطعه
عرضداشت مرسله محرره چهاردهم دیماه نزدهم زاید احمدی
سال جلوس مقدس رسیدن محمد علی سپه دار معه قشون
خود نزد شما از نظر گذشت و کیفیت معروضه کماهی
بوضوح پیوست انچه از خبره کی و شرارت مزبور استشعار
و وصول نوشتجات غلام حسین و غلام محی الدین قلعدار
لکهر بهت بینه ان نوشته بودند موضوع گردید هر چند
قلعه مذکور اتفاقا راه شما واقع است لیکن اندیشه انکه
انواب کلان همراه ایشان نیستند از تیمر نشود که در
تسخیر ان توقف و در روانگی بیشتر تخلل رو دهد لهذا
نوشته میشود که آن اقبال نشان معه فوج خود نزد یک
قلعه مذکور فرود آمده برعایت تسلط و ارهکمت عملی تسخیر آن

میتوانند شد بعمل باید آورد و الا راست روانه پیش باید کرد
و توقف نباید کرد زیاده چه

برروانه مرقومه بست و دویم زاید احمدی سال جلوس موسوم
برهان الدین عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت
مرقومه کماهی بوضوح پیوست نوشته بودند که تخفیف پیر
دیگاه انچه کرونی بود کرده فوج فیروزی را مستعد تنبیه
مخالف داشته اند و اگر جمعیت مخالف گران باید
مورچال برداشته اتواب کلان روانه دارد روا خواهند
نمود معلوم شد بهتر است [redacted] باید کرد و مهم خبر
کنران جمعیت مخالف [redacted] انچه مناسب و مصلحت وقت
باشد بمقتضای [redacted] زمین برسر زمین تجویز برسه
[redacted] انجا کاغذنویس شده کار مند باید کرد
[redacted] کیفیت فوج مخالف مفصل ظاهر شد انچه
[redacted] دارند که بر فوج سرکار لنگاه نمایند بر مهم شرط احتیاط
و خبرداری میکرده باشند حسب الرقم شما برروانه بنام

دلیر دلخان وغیره مرقوم است بقیکه لازمه مدعویت و
جانفشانها بظهور خواهند آورد و موافق حکم مه بانفاق
و صلاح یکدیگر کار بند خواهند گشت من بعد انچه در پرده
غیب بوده باشد جلوه گر خواهد شد زیاده

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه دلیر دلخان و سید حسن
و سید غفار سیه دار انچه در حکمنامه مندرج است موافق
ان تحریر و مصلحت یکدیگر کاغذ نوشته نظر بفضل
الهی داشته مستعد تقدیم مراسم مدعویت و جانفشانها
باید شد و بدون مشورت و صلاح یکدیگر بیکار نباید کرد
من بعد انچه در پرده غیب بوده باشد جلوه گر خواهد شد
در سیاده تامل و تهاون ضرور نیست زیاده

پروانه مرقومه بست و سیوم ذی الحجه سال جلوس موسوم
راجه رام خیر رود قطعه عرضداشت مرسله از نظر گذشت
و کیفیت مرقومه کماهی بوضوح پیوست نوشته بودند
که سکرد غزار نادر بهلتجی وغیره در تعلقات سرکار

بهم نمیرسد باید که برای خریدی شنکرف زر نقد فرستاده
از بنادر مذبور طلب باید نمود و روانه حضور باید کرد و جنس
در عیوض خریدی شنکرف فرستادن ضرورت نیست
قلمی بود که سررشته داران انهولی با غوای مردم دیگر
نالشات خود با نواع و اقسام مینویسند و آراده
دارند که شما را در مایه اعراضی حضور درارند معلوم شد
شما را بانک حکم نوشته داده شده موافق آن
بخاطر جمعی و اطمینان کلی سرگرم کارهای سرکار باشند
هر بهم اگر مردم نالش و شکوه شما خواهند نوشت
منظور و مقبول نخواهد شد ان را کاردان و
دولتخواه سرکار دانسته بخدمت عمده مامور نموده
ایم یقین است که لازمه فدویت و دولتخواهی سرکار
همچه باشد بظهور خواهند آورد و زیاده

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه میر قمرالدین خان عرضداشت
مرسله محتوی رسیدن شما موجب مسرت همراهی به کودبر

با عرضی ملفوفه از نظر گذشت و کیفیت مرقومه بوضوح پیوست
باید که معه جمعیت همراهی نزد برهان الدین رفته فرود آیند
و شب آنچه نوشتنی بود مفصل نگاشته شد از روی
خواهند دریافت فوج مخالف جز ولیست آنها چه باید
دارند که بر فوج سرکار نگاه نمایند زیاده

برادر مرقومه بیست و سیوم ذی الحجه سال جلوس موسومه
موسی سلمک کوهزاد رسید رهلچری رقیمه خدمت ضمیمه
چهره کشای وصول شده مسرور و بر کیفیت مرقومه مطلع
گردانیدند نوشته بودند که میوه باران نیدر هلچری برای خرید
اجناس در تعلقات سرکار آمده خرید کرده می برند
تعلقداران سلیم مانع و مزاحم شده نمی گذارند تاکید حضور در
باره گذاشت جنس مذکور بنام تعلقداران مزبور صادر
گردد معلوم شد بر طبق ترقیم ایشان تاکید نامه بنام
تعلقداران سلیم درباره گذاشت اجناس مطلوبه آن
رفعت مرتبت مرقوم و ملفوفه بر سانند و آینده

AM. 1213
AD. 1785

بیو باری علاقه خود را که برای خریدی جنس روانه تعلقه
سرکار خواهند کرد جنهی خود بنام تعلقدار مذبور خواه از
اردی و تلنگی نبوشته باشند که تعلقدار مسطور موافق
جنهی شما گذاشت جنس مطلوبه خواهد کرد چون درین
روزها مردم اغیار در ملک سرکار آمده از رعایا و غیره
قرض گرفته ها مجور حرکات لایعنی میشوند لهذا تقید
بعمل آمده همیشه بوصول خطوط خیریت منوط مسرور و
شادمان دارند زیاده چه

پروانه مرقومه بست و چهارم زاید احمدی سال جلوس موسوم
میرزا [illegible] عرضداشت مرسله مملو شکوه و شکایت
قشون محمد علی سپه دار از نظر گذشت و کیفیت مندرجه
بمضمون ظاهر گشت سپه دار مذکور هنوز ناواقف واز
کیفیت کار سرکار کما ینبغی اگهی ندارد لهذا با وجود بودن
در تبعاتی سامان و سرانجام قشون خود درست ندانسته
وسلسله ناکاره که خود با بعضی ظاهر کرده باید کرایان

نظر بوقت کار داشته تاکید نموده انچه سر انجام ضرور
کرده دالی بوده داده از سپه دارمذکور کار باید گرفت
فوج گریه تا کوتی رسیده است عنقریب ملحق شما میشود
می باید که شما انتظار رسیدن فوج مذکور نه نموده
راست روانه نرکند و از جمعیت سرکار ملحق شوند
سر انجام اهن وغیره که برای قشون سپه دار مذکور
خرید کرده و مانده ندیجا شد باز هم انچه سامان جنسی
اگر شکست و ریخت شده باشد درست کنانند نوشته
بودند که فوج مخالف شانزده هزار سوار و شانزده هزار
پیاده معه یکضرب توپ لمحه از قلعه نرکند فاصله
شا نزده کروه فرود آمده است مکشوف کردند بفضل
الهی جمعیتی که برای تسخیر قلعه مذکور مامور است انقدر سنگین
که اگر پنجاه هزار سوار مخالف باشند تنبه واقعی خواهند کرد
در بصورت انها چه یارا دارند که بر فوج سرکار نگاه
نمایند ان اقبال نشان زود تر معه جمعیت همراهی خود

ملحق فوج سرکار شوند و اگر فوج مخالف نمایان کرد و مانع
و صلاح یکدیگر نبشه واقعی نمانند زیاده چه تقدیم آید

پروانه مرقومه بست و چهارم زاید احمدی سال جلوس ۱۱ هجری
موسومه نرمت علی ان عرضداشت مرسله از نظر
گذشت و کیفیت مرقومه بوضوح پیوست اهلکاران
که بر کارهای قلاع مامور آند انها را با مور مامور محال
داشته اهلکاران دیگر که در کنداجار نوکر باشند
بطرف نموده سپرد راجه را مجندر سازند متصدی
رنگ محل که روپوش شده است عوضی او متصدی
هوشیار دیگر نوکر داشته پوشیدن حساب کارکاری
رنگ محل مامور سازند زیاده چه

پروانه مرقومه بست و چهارم زاید احمدی موسومه غلام رضا
تعلق انها مکمل عرضداشت مرسله از نظر گذشت و
کیفیت مرقومه بوضوح پیوست پروانه ماکید در باب
روانه ساختن علی رضا برادر نسقی عطا حسین خان موجب

سامان موسی الیه بحضور بنام قلعدار شد منکل ملفوف
است بقلعدار مذکور رسانده تاکید کرده علی رضا
رامعه همراسباب موسی الیه روانه حضور کنانند
زیاده چه

بروانه مرقومه بست و چهارم شهر زابد احدی سال جلوس
دارالسلطنه موسوم راجه رام چندر دو قطعه عرضداشت
مرسله از نظر گذشت و کیفیت مندرجه بوضوح پیوست
کهند ولی و خریطه ها و رومال ها بجهت دفاتر و لاکه
بنابر مهر کردن بر خریطه ها و غیره و بوریه ها برای کچهری
و پاره ها بجهت داشتن دفاتر و غیره چند اشیای
ضروری بقدر مطلوب خرید کرده باشند نوشته
بودند که برای نسبت چبه رایچی کسی از همفومان را
که در نیملک نیستند از پائین کهات طلبیدن ضرور
بموجب فرو ملفوفه راهداری مردم شادی جهت آمد
و رفت غایت شود معلوم شد راهداری مردم شادی

که از پائین کهات به بنگلور خواهند آمد ملفوظست باید که
کسی از همعومان خود را طلبداشته شادی صبه مذکور
کند و او را از نزد خود نگاهدارند باز به پائین کهات روانه
کردن چه ضرور اگر اینمعنی ممکن نباشد کسی از همعومان
خود را در همین ملک تلاش کرده با صبه تاجی
منسوب کرده شادی باید نمود زیاده چه

پروانه مرقومه تاریخ صدر سوسومه محمد شفیع عرضداشت
رسیده از نظر گذشت و کیفیت مرقومه بوضوح پیوست
نوشته بودند که عامل و قلعدار کوزپال باهم متفق
شده ساهوان و رعایای تعلقه شما را که بکوزپال
میروند در بهره داشته اند اینمعنی معلوم شد باید
که ساهوان و تجار سقط تاکید نمایند که بکوزپال
نروند قلمی بود که تجار سقط اراده رسیدن منجر
میباشند عامل و قلعدار مذکور مانع میشوند مکشوف
گردید در اینباره بعامل و قلعدار مذکور تاکید بعمل آمده

15

مانع نخواهند شد زیاده چه

برداشت مرقومه تاریخ صدر موسومه برادر اعظم عرضداشت
مرسله از نظر گذشت آنچه از کیفیت شدت بیماری دایل مهر
مقصدی نوشته بودند واظهار والده او که حصول صحت
ان منحصر برفتن تربتی و ادای منت نوشته بودند
معلوم شد باید که نامبرده را روانه تربتی نموده بعد
حصول صحت باز نزد خود طلبیده روانه حضور سازند

زیاده چه

برداشت مرقومه بست و ششم ماه مذکور موسومه برهان الدین
عرضداشت مرسله از نظر گذشت آنچه از کیفیت برداشتن
سورجال و فرود آمدن خود بمعه جمعیت همراهی بر کناره
نباله نوشته بودند معلوم شد سواران قزاک را تاکید
کرده تعین باید کرد که بر بهاری و اکباری مقهور زد
و برد نموده اسپان را غنیمت ارند که وقت فراهم
و بدا کردن اسپان همین است مبلغ چهل هزار روپیه

بهادری برای خرج مردم همراهی شما نزد سابا تعلقدار
مکرر حسب الحکم حضور فرستاده است رسیده باشد

زیاده چه

برروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه فیروزالدین عرضداشت
رسیده از نظر گذشت و کیفیت برخاستن موزحال
از قلعه نرکند و فرود آمدن برهان الدین موجمعیت همراهی
خود بر کناره نیاله موضوح شد باید که شما هم زودتر
ملحق فوج سرکار شوند و بموجب نوشته سابق به تنبیه
مخالف پردازند انچه از تخفیف بهیر و نگاه جمعیت خود
مرقوم بود مکشوف و مشخص گردید زیاده چه

برروانه مرقومه ست وستم زاد احمدی سال جلوس موسومه
کونر جیبن رفعت و علیالمرتب شوکت و معالیمنزلت
ملاذ مهربانان صفا و مخلصان اسلام الملک رقیمه حضرت ضمیمه چهره
ارای وصول شده مسرور و بر کیفیت مرقومه مطلع گردانیده
نوشته بودند که مردم بارکیبی متعلقه علی بهادری راه آمد و

رفت کرنامک برایها مسدود شده است بروانه ماکید
بنام تعلقداران سرکار در ماده عدم مراحمت آمد و رفت
کنان ایشان که بهلی بهاری می آیند صادر گردد مکشوف
گردید برطبق ترقیم ان عوالیمرتبت تاکیدنامه بتعلقدار نزد
نام تعلقدار سرکار مرقوم و ملفوف مرسلست برسانند
بار دیگر هرگز مانع آمد و رفت کنان ایشان که بهلی بهاری
خواهند آمد نخواهند شد چون بار اداوستی و اخلاص ان
رفعت مرتبت همیشه ملحوظ خاطرست هرآینه غیر از اداشتی
انچی دوستی الفت دیگر بعمل نخواهد آمد همواره بخیر مرقوم
نمایق انایق مسرور روش دمان باید داشت زیاده ایام
جمعیت روش دمانی باد

بروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه نواب دلیرخان دلیرجنگ
نمیفه انیقه محتوی تهنیت صبیه نورچشم بلندا قبال طرفه
سعه باروجه رسمیات شادی بهره آرای وصول شده موجب
انشراح و انفراح خاطر خلت مآثر گردید اوسیخانه ظهور ایمنی

با نهربان هم مبارک و خجسته فرماید بمقتضای اتحاد و موالفت
چند پارچه رسمیات شادی بموجب فرد ملفوفه مرسلت
خواهد رسید لازم که همیشه تحریر و ترسیل خطوط اخبار مت
منبوط مسرور و شادمان دارند زیاده چه تصدیع امد

جنگ

برواله مرقومه تاریخ صدر موسومه نواب دلیرخان بهادر دلیر
رقیمه خیریت طراز معه یک بهنگی مرحمانه که بمقتضای خلوص
محبت و اتحاد و تبر سیل درآمده بود چهره کشای وصول
گردیده حلاوت افزود خانه آباد زیاده تحریر چه رود

برواله مرقومه چهارم جمادی الثانی سنه ۱۱۷۹ هجریه موسومه
کوثر جابین رفعت و عوالیمرتبت شوکت و معالیمنزلت
ملاذ مهربان معاذ مخلصان وام محبته رقیمه خیریت ضمیمه چهره
کشای وصول شده ذریعه سرور و انبساط خاطر
فطرت فخامر گردید و بکیفیت مرقومه مفصل مطلع گردید
حسب الارقام ان رفعت مرتبت قبل از وصول این ضمیمه
در ماوده عدم مراجعت آمد و رفت کنان این ان که به

ملی بهاری امد و رفت دارند پروانه تاکید تقدیغن مزبنام
تعلقداران سرکار مرقوم و ملفوف مرسل گردید یقین که
رسیده باشد نا برده بموجب حکم حضور هرگز مانع آمد و
رفت کسان ایشان نخواهد شد نوشته بودند که مقدمه
زمیدار منکت کری با علاقه داران کریه منور صورت
انفصال نیافته تاکید حضور در ماده انفصال نمودن
مقدمه مذکور منافی تعلقدار مذکور مرقوم و صادر شود معلوم
شد بموجب فیصله نامه نوشته داده وکیل ان رفعت
مرتبت هر چند تعلقدار کریه برای انفصال ساختن مقدمه
کنک کری سوال و جواب با وکیل ایشان دارد چون وکیل
مذکور از زمیدار مزبور سازش و سوالفت بهم رسانیده
است مقدمه مذکور را در با نفصال آوردن نداده
هر بار سوال و جواب لایعنی بمیان می آرد و بهیچگونه بشکل
تنفیح مقدمه نمودن نمیدهد اگرچه از حضور نظر بر غالم محبت
و دوستی ایشان به علاقه دار کریه تا باین درجه تاکید رفته

است که برکی وزیادتی مبلغ پنجهزار و ده هزار نداشته
انفصال مقدمه مذبور باید نمود ولیکن بسبب سازش وکیل
ایشان باز بیدار مذبور فیصله مقدمه نمیشود و وکیل مذکور
بعنوان دیگر بانهمان مینویسد در تصورت لازم گردید
بوکیل خود تاکید موکد برنگارند که مقدمه کنک کری را بهر
عنوان انفصال داده زر واجب الطلب سرکار که ازوی
واجبی برذمه زبیدار مذکور باقیست عاید سرکار سازد
باد دیگر کسی وکیل خود را در انجا باید فرستاد که بمعرفت
او مقدمه کنک کری انفصال پذیرد زیاده حد

برواله مرقومه چهاردهم احمدی سال جلوس ۱۱۹۹ هجری
موسومه میر فرالدین عرضداشت مرسله از نظر گذشته
وکیفیت مرقومه بوضوح پیوست انچه از داشتن فشون
سید غفار سیاه دار برای حفاظت بهیر و بنگاه و همراه
بردن فشون محمد علی سپاهدار نوشته بودند معلوم شد
بهیر و بنگاه به همراه ایشان است و نه همراه جمعیت متعینه

برهان الدین مکرخیمه و بال و اسباب ضروریست بجهت
حفاظت آن قشون سپاهدار مذکور گذاشتن زاید
محض و نظر بموسم برسات همراه داشتن خیمه و بال هم
از جهته ضروریات ذات در بصورت قشون سپه غبار
را نیز همراه خود برند و خیمه و بال هم همراه دارند و شما
و برهان الدین باهم متفق بوده و در امور سرکار ضد و
نفاق نکرده به تبنه مخالف پردازند در عالم اتحاد و
وحی طرونق سرکار کاهی شما هم بخانه برهان الدین
میرفته باشند و اکراوشان را هم نزد خود طلبداشته
مضایقه ندارد زیاده

برواته مرقومه سیزدهم احدی موسومه تربیت علیخان
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
موضوع پیوست نوشته بودند که برای اجرای وجه
درباره ده نفر کاشته رام راو سررشته دار اهتمام
که حسب الحکم حضور بنوشتن حساب متصلی محالات مامور

نموده اند راجه رام چندر پروانکی حضور بنام خود
درخواست دارند معلوم شد بموجب ترقیم انشان
پروانه در ماده رسانیدن وجه در ماهه کماشتهای
مذکور از روزیکه بجهت نوشتن حساب محالات مامور
گردیده اند بنام راجه مذبور مرقوم و ملفوفست بر سانند
و سررشته دارند بور را معه کماشتهای آن مامور
بنوشتن حساب مفصلی محالات داشته حساب زود
زود بواقعی تیار گردانیده باشند زیاده

پروانه مرقومه تاریخ صدر بموجب راجه مزبور رام راو
سررشته دار انجام معه بخشی کماشته از قدیم بدر دفتر
کندا بار نوکریست و بجولانا میرده را باز بخشی کماشته
جدید افزود مقرر کرده داده برای نوشتن حساب
مفصلی محالات مقرر و مامور نموده شد لهذا نوشته
میشود که شما وجه طلب ده نفر کماشتهای مذبور
موجب شرح کماشتهای سررشته داران انجام

از روز یکه بکار نوشتن حساب محالات مامور خواهند بود
میداده باشند و بر سر رشته دار مسطور نقد نموده
حساب مفصلی محالات بواقعی تیار کردانند زیاده به

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه ناجه رام چندر دفتر
قطعه عرضداشت مرسله از نظر گذشت انچه از عدم رسیدن
سحابی لساحان تعلقات برابی یافتن تنهانهای سبز
نوشته بودند معلوم و موجب تعجب شد چون تیاری
تنهانهای مذکور لساحان است لهذا بالقلم می آید که شما
برانها تقید و تهدید نموده موافق نمونه مرسله تنهانها
زود رود تیار کردانند و اگر تاخود تاکید و تهدید شما
در داده تیاری تنهانهای مذکور لساحان تعلقات جیله
نمانند نازیانه کاری باید کرد کیفیت را ما هر کاره که
بر لساحان مکنور مجور تهمت و بهتان شد نوشته بودند
معلوم کردید هر کاره مذکور را سلسل و مقید باید داشت
و ساهوان مکنور را ضمانت گرفته باید گذاشت و

انها عبث است زیاده

برواله مرقومه دوازدهم جمادی الثانی سنه ۱۱۹۲ هجری موسومه
نصیر الدوله خواجه قلندر خان خان سموالمکان اخبار ایشان
سلمه الله تعالی مطالعه در آمد خط مرسل متضمن آزادی
رسیدن حضور روی وصول موجوده مسرور و مبرکیفت
مندرجه مطلع ساخت دیم مراتب عمدگی و حسن لیاقت
ایشان زبانی سدره سادات طیبین الطاهرین
عزیز القدر میرزین العابدین موضوح و مستوجب مشرفها
شد باید که بخاطر جمع عازم حضور باید گردید ان شاء الله تعالی
بعد رسیدن او درخور عمدگی و لیاقت مراسم غور و
پرداخت بوجه احسن بعمل خواهد آمد زیاده بقلم آمد

برواله مرقومه شانزدهم جمادی سال جلوس موسومه میرقمرالدین
درمان الدین و قطعه عرضداشت مرسل از نظر گذشت
و کیفیت مرقومه آن کماهی ظاهر گشت در مقدمه جنگ
شما ها و هر سه سپهداران یعنی سید حمید و سید غفار

و شیخ عنصر که هوشیار و واقف کار آمد با تفاق یکدیگر بود
بر وفق و درستی بکمال ضبط و ربط به تنبیه مخالف بوافعی
پردازند چنانچه بتمام هر سپهداران مذکور تاکید مرقوم
و مرسوم شد با شما متفق و مطیع خواهند بود و انچه از
کمی غله با وجود بودن کوتوال و لشکر در لشکر نوشته
بودند معلوم و موجب تعجب شد باید که کوتوال مذکور را
تاکید و تهدید شدید نموده غله وافر بموجب حکمنامه
طلب باید کرد تا بردم همراهی شما تصدیع غله نشود
بفضله مزاج شما را بصحت آمد الحال داشتن حکم و
خوردن دوا از مناسب نیست نا برده را روانه
ساوه باید کرد و فوج مخالف را تنبیه و سرکوب همین
رسانیده انطرف دریای کشنا ساخته خود ها برگرد
فرود باید آمد بهیر را که از خود جدا کرده داشته اند اصلا
مناسب نیست باید که همراه خود دارند چرا که غیر از مال و
اسباب ضروری دیگر هجوم بهیر معلوم سواران همراهی

شما بسیار تغافل نموده و فراغی نداشته مخالف را اگر نخشد
داده اسپان انها غنیمت نیاورند و از کنل رام درگه
رفتن دادند والا اسپان بی شمار بدست میشدند
خوب الحال بر سالداران سواران تاکید و تهدید
شدید نمایند که جدا جدا فراغی نموده اسپان مخالف
را غنیمت آرند که وقت فراهمی اسپان همین است
ملک مخالف را تاخت نموده غله وغیره هرچه بدست
شود بدهد باید کرد زیاده چه

پروانه مرقومه نزد هم احمدی سال اول جلوس موسومه
محمد غیاث خطاب رساله محوره صلح زاید احمدی از نظر
گذشت و کیفیت مندرجه ان کماهی بوضوح پیوست
در جواب همه مقدمات در پروانه هندوی مرقوم شده
از روشن مفصل خواهند دریافت باوجود قسم و
عهد و قول قرار بدزانی و بدعهدی قسمیکه از انها ظهور
آید بهتر ظاهر است پس دفعتاً بکدام اعتماد و مبلغ خطیر را

باید فرستاد نور محمد خان را محض برای دریافت عهود
و مواثیق انها طلبیده اشته است نه برای چیزی دیگر
باید که ایشان ایمنی بوجه احسن بر او راستی ظاهر
نموده و نقطه دیگر از خاطرشان برآورده خاطر منظور
را روانه حضور نمایند و اگر شما را هم برای روانگی حضور
تحدیث شوند و مبالغه نمایند البته خود هم روانه حضور
شوند نوشته بودند که راو راستی از شما میگفتند
که در میولا مورجال برکند برخاست کرده اگر پیش از
برخاست موافق گفته ما حکم برداشتن مورجال در نجا
آمدی بسیار احسن بودی تا در سوال و جواب سخن
ما بالا گشتی حالا خیلی بی لطفی رو داد ما بارها تاکید از اهتمام
وغیره مبالغه میکردیم که اگر فوج اینی مقابل فوج انطرف
خواهد رفت نشمالی خواهد کشید حالا خیلی برخلاف
ان بوقوع میوست ظهور ایمنی باعث ملال خاطر
و انفعال گردید معلوم شد موافق گفته راو راستی

سر موتفاوت نشد و با وصف برداشتن مو رجال هم
در نبه فوج مخالف تصوری بعمل نیامد چنانچه از معنی از
بس اشتهار محتاج تصریح نیست زیاده چه

32

برداشته مرقومه تاریخ صدر موسومه من را بانچه از
اختلاف اب و هوای انجا نوشته بودند مکشوف گردید
حکمای حضور علاج امراض معلوم را تشخیص نموده اند
اول بفصد ماده فاسد را برآورده تمامی مزاج مریض
را علاج واقعی کرده بر همه بدن مریض حاکم گشته از
بدن همه مرض باید آورد و دواهم انچه که مطلوب افتد
باید رسانید زیاده چه

XXVIII

برداشته مرقومه تاریخ صدر موسومه نور محمد خان عرضداشت
مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه ظاهر گشت انچه
نوشتنی بود همه کیفیت مشروحا به محمد غیاث قلمی گردید
از رویش خواهند دریافت مواجب ان کاربند باید شد
زیاده چه

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه بخدمت خان بهادر الوالصفا

شفیق مهربان مخلصان سلمه الله تعالی پیش انهنده

سال سرور مواصلت سامی دست داده بود بدین بعد

بسبب عدم وصول رقایم خبریت شمایم خاطر خلی تردد و

تعلق و نگرانی داشت الحمد لله در این ایام فرخت انجام

عطوفت نامه مشعر بر صحت و عافیت سامی و نوید حسن انصرام

شادی کنخدائی محمد عزیز خان چهره ارای وصول شده

موجب نشاط موفور و انبساط نا محصور گشت و نشان

دوستی و اتحاد قدیمه بتجدید استحکام پذیرفت حق تعالی

آن مهربان را با اینهمه خوبی و با داد و دهش دیرگاه دارد

چند تهان پارچه رسمیات شادی و دو دراس اسپ

و یکدست بازکه بمقتضای محبت و آن مصحوب رامچندر راد

ترسیل داشته بودند رسید و مسرور گردانید نظر بر

یکجهتی ها چند تهان پارچه و دو دراس اسپ و دو بوز

از جمله بوزهای دلیر و جالاک که در ملک متعلقه دوستدار

پیدا میشوند مرسلست خواهند رسید تر صدر که همیرین نقطه
همیشه بوصول عطوفت نامجات عاقبت سمات
مسرور و روشن دوران دارند بافی کیفیت زبانی سیوراو
مشروحاً موضوح خواهد شد زیاده

برداشته محوره نوزدهم مکرر احمدی سال اول موسومه راجه
غلام حیدر عامل منکلور در حضور معروض داشته است که
کلهتی در انجاست بسیار است و از بودنش کرم خورده
وضایع میشود لهذا اقلم می آید که شما کلهتی مذبور
هرقدر که در علاقه عامل مذبور باشد بحیل کجا وان نوکر
سرکار که در انجا هستند روانه حضور نمایند زیاده

برداشته مرقومه تاریخ صدم موسومه برهان الدین بعرض
رسید که محصورین قلعه رام درک درخواست فعل
سرکار مینمودند و ایشان انهارا سراسمه کرده کار
از دست داده مناسب وقت الحال هم بر قلعه
مذبور فرود آمده و اثواب کلان اردو را طلبیده

دسر انجام مورچه بهم رسانیده قلعه گیان را بعزت و تسلط
سر اسیمه نموده قبول فرود آمدن انها مع اسلحه انها داده
قلعه را مفتوح باید کرد و تهانه سرکار در انجا داشته یکنکه
بر قبول فرود آمده اند مع اسلحه انها انطرف دریای کشنا
باید گذاشت حسب الحکم حضور رسا تعلقدار کرد و صد نفر
کمائی نزد شما فرستاده باشد از رسیدن انها اطلاع
باید داد و شما میر قمر الدین خان متفق اللفظ و المعنی بوده
بدرستی و رونق تمام کار سرکار باید کرد چنانچه پیش ازین
نیز مکرر در نیاده قلمی گردیده زیاده چه
بنام میر قمر الدین خان نیز بمضمون صدر بر داده علحده مرقوم
و مصحوب رسول گشت

بر وارد مرقومه مسطر احمدی سال اول بموسوم میر قمر الدین
برهان الدین عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت
تسخیر قلعه رام درک و فهم نمودن تهانه سرکار ظاهر گشت
الواب کلان از دار و ارطلبیده شته و سر انجام مورچه بهم رسیده

برقلعه نرکنه رفته فرود آیند و قلعه مذکور را از وجود مخالفین
سازند نرسیا تعلقدار بکر بموجب حکم حضور دو صد نفر
کمانی نزد شما روانه نموده است رسیده باشد از آن
اطلاع دهند کمانیان کومل و بادامی وغیره نزد شما هستند
زود سرانجام بهم باید رسانید برای داشتن دو جوق
وغیره در قلعه رام درک پروانه هندوی صادر شده است
موافق آن کار بند باید بود و شما و میر قمر الدین خان
متفق اللفظ و المعنی بوده بر دفع کار سرکار باید کرد تحریرا
پروانه موسومه میر قمر الدین خان مضمون صدرت مرقوم
مرقوم الصدر
پروانه نرخونه ست و یکم ماه احدی موسومه نواب دلیر جان
بهادر دلیر جنگ صحیفه شریفه محتوی رسیدن مبلغ
دو صد هون حسب الحکم حضور سلطانی بلوته و روانه
ساختن آن معه سواران برادری او بحضور چهره کشای
وصول شده مطلع کیفیت مرقوم کرده اند زر مذبور

مرسلت دولتخان تعلقدار جنل درک خواهند رسانید
از وصولش اطلاع باید همیشه بتحریر دولتسطیر خایق انانی
مسرور دشت دمان دارند زیاده ایام خیمعت و شادمانی
دایما باد

بروانه مرقومه ۴۴ احدی سال جلوس موسومه مرتضی علیخان
و میرزا احمد حسین در راجه رام چندر در جواب تهنیت فوند
نورچشم سه قطعه

بروانه مرقومه تاریخ ۴۴ احدی موسومه غلام احمد قاضی
عرضداشت مرسلا از نظر گذشت نوشته بودند که
نه نفر از قوم قراسیس سوکنان انها بشرف اسلام
درآمدند و کپتان مذکور امیدوار است که برساله داری
احمد یان سرفراز شود معلوم شد باید که سر نفر ده ده
روپیه ماهانه داده و بدرقه همراه انها داده روانه
حضور نمایند که بعد رسیدن حضور کپتان مزبور را
برساله داری احمد یان سرفراز نموده خواهند بروانه

تاکید در مادہ رسانیدن وجہ مذکور و دادن بدرقہ
ہمراہ انہا مہام قلعہ ارنکر مرقوم و مرسول ست برالمرام

63

پروانہ محررہ تاریخ صدر موسومہ راجہ راجیندر و فحوای
عرضداشت مرسلہ از نظر گذشت و کیفیت مرقومہ ظاہر شد
بموجب ترقیم شما پروانہ تاکید در مادہ روانہ ساختہ
ستیا را با برادر عامل معزول متوفہ و بورای درک
نزد شما بنام و دلتیان تعلقدار جیل درک مرقوم و
ملفوفہ پروانہ مذکور نزد خاندیور فرستادہ
نامبردہ را طلبداشتہ زود تفصیلہ حساب پرداختہ
باز روانہ متعلقہ نمایند زر برای تباری کاغذ مطلوبہ
حضور بسیل بنکی بہ کاغذ زان و ماندہ کاغذ
تبارکردانیدہ ماہوار بقدر بازدہ راس کاغذ روانہ
حضور میکردہ باشند زیادہ چہ

پروانہ مرقومہ ست و بہارم احمدی موسومہ میر کلان خان بہادر
خانصاحب مہربان دوستان سلمہ اللہ تعالی باستماع اوصاف

همیده وشنی غت انهربان خاطر مسرور ومشتاق گردید
لازم است که همیشه بتحریر وتسطیر خیریت نامجات
مسرور ومشرح باید داشت اگر خبری مرکوز خاطر
انهربان باشد ایما شود که بحول وقوة الهی بانین بهین
سرانجام ان بعمل خواهد زیاده چه بقلم تمبط لعه
موصولها

پروانه فخره بیت وسیم ماه اسدی سال اول جلوس
میر فخرالدین عرضداشت مرسله از نظر گذشت
کیفیت مرقومه ظاهر گشت نوشته بودند که سواران
بیدلی روزگار مجوز اذیت وتخریب ملک سرکار میشوند
معلوم شد باینها تاکید شدید باید نمود که بملک مردم
بروند وتاخت نموده اسبان راغنیمت آرند ومجوز
اذیت ملک سرکار نشوند شما وبرهان الدین باتفاق
ومصلحت یکدیگر بوده سرانجام مورچه بهر سپرده زود
تر قلعه ترکه را مفتوح باید گردد در جمیع امور متفق الفظ

والمعنی باید بود نزد وکل متعلقه زمیدار کولابورست
وزمیدار مذکور باسرکار رجوع و ارادت دارد هرگز نام
او نباید گرفت چنانچه بیش ازین مشروحاً و تاکید در نموده
قلمی گردید زیاده چه بقلم آید

Pers 1357
Lucknow
Khuda Bakhsh
Oriental Public Library

راجندر

برواله محرره ست وچهارم مگر راجه ی موسومه راجه راجه
دیوان کچهری مذکور عرضداشت رسله از نظر گذشت
نوشته بودند که بموجب راهداری حضور برای آوردن
مردم شادی صبه رایجی به پائین گهات روانه نموده اند
هرکاره سرکار نهه مانع گردیده بعد رسیدن پروانه حضور نماید
معلوم شد بموجب ترقیم شما پروانه نگاشته شد تمام هرکاره
مذبور مرقوم و ملفوفست برسانند که نامبرده مانع رفتن
کسان ایشان به پائین گهات نخواهد شد محمد افضل
عامل کولار را از نهاجران شنیده اند زود فیصله حساب
نامبرده نموده وسبیل زر سرکار ساخته روانه تعلقه
باید کرد که متعلقه رفته به تردد کشتکاری و آبادی تعلقه

پرداز در زبالچه بفرستاد

پروانه مرقومه بیست و هشتم احدی سال اول جلوس موسوم
نربت علیخان غلام حیدر عامل بنگلور بحضور معروض داشت
که برای حفاظت و احتیاط در رختهای ابنه پیاده ها
مطلوب اند لهذا نوشته میشود که ایشان بقدر حفاظت
و احتیاط در خان مذکور تا فصل ابنه پیاده تعین نمود
ابنه بهتر قابل ارسال حضور دیده روانه میکرده باشند

زبالچه

شش قطعه پروانه مرقومه بازدهم بهاری سال جلوس موسوم
نربت علیخان دمیر سید حسین و زین العابدین
که اینها بمضمون واحد برای تقدیم مراسم عبد المومنین
بموجب سالکذشته

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه میر قمر الدینخان
عرضداشت مرسله محمودی قریب رسیدن دو
سورچه بهاری وغیره و باقی بودن کار سورچه رمان الدین

از نظر گذشت و کیفیت مرقومه بوضوح پیوست مقدمه
قلعه کوبت بدون نزدیک رسیدن همه مورچه ها و
خوب شکشت شدن تمامی دیوار قلعه اقدام به یورش
اصلاح سب و صلاح وقت نیست باید که مشطر نزدیک
رسیدن مورچه برهان الدین باید بود و در فرصه تمامی
دیوار قلعه از گوله انواب منهدم باید گردانید برای
دادن نصف انواب و بکاریان به شما پروانه
بنام برهان الدین مرقوم و مرسول گردید باید که بکاریان
و انواب گرفته و مورچه ها قریب رسانیده زود قلعه
را مفتوح نمایند زیاده

پشت

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه برهان الدین عرضداشت
رسیده محتوی درخواست حکم حضور برای نوکر داشتن
منشی گری برای نوشتن راهداری و خطوط از نظر
گذشت برطبق ترقیم خود یک نفر گنزی نویس نوکر داشته
مامور بنوشتن خطوط و راهداری باید داشت نصف

انوار

نصف
انواب و سکاربان حواله میرزا قمرالدین خان باید کرد و کالا
معه والسنگان از قلعه برکند برآمده روانه شد الحال
محصر قلعه کدام است دریافته برنگارند زیاده

پروانه محرره سیزدهم بهاری سال حلو موسومه کورندور
مبنی رفعت و عوالیمرتبت شوکت و معالی منزلت
ملاذ مهربان مخلصان دام محبته رقیمه خیرت ضمیمه رودی
وصول نموده مسرور و برکیفیت مرقومه مطلع نمود نوشته
بودند که برای واپس نمودن مرخت ولی و غیره سوانحها
متعلقه ال ای ال کنا بور مقام نموده بودند لی مذکور
جواب نوشت که ایمعنی بدون حکم حضور بعمل آورده
نخواهد شد معلوم کردند لهذا رقیم ان عوالیمرتبت
پروانه کید بنام ارشد بیگان سردار کلنکوت مرقوم
و ملفوف مرسول است نزد خانمذکور برسانند زیاده

پروانه محرره ۱۴ بهاری سال حلو موسومه زین العابدین
جنبی متصل درک انچه از درخواست دوماهه محمد خان

فلعدار معزول کوتل نوشته بودند مکشوف گردید بنعایه
حال وجه طلب نامبرده دامانده وسوای ان بگماشه
پیشکی داده سعه متعلق آن روانه حضور نمانند واطلاع
دهند زیاده چه

پروانه مرقومه تاریخ صدر سوسومه محی الدین متعلقی ان تعلقه
مهاراج درک عرضداشت مرسله از نظر گذشت وگفت
مرقومه ظاهر گشت نوشته بودند که در تعلقه متعلقه خود
۳۳ مهه هستند و هر ۳۳ مهه را سه سهی مقرر اند
بسبب بودن ان ان در حضور ستیان مذکور از
رعایا وغیره رشوت گرفته و تعدی و بیدل ساخته
فراری نمودند اگر برای تغیر نمودن سمان مذکور
و مقرر نمودن سنکه سهی وغیره ستیان جدید حکم
حضور صادر شود زر خورد و بردار سمان سابق
دریافته بمعرض وصول آورده داخل سرکار خواهند
کرد معلوم شد بر طبق ترقیم خود سمان سابق را تغیر نمود

سنگ سیمی را بر عهده مذکور و دیگر سنبان را بر عهده دیگر
مقرر کرده زر خورد برداشتیان سابق بعرض وصول
ارند و داخل سرکار نمایند زیاده چه
پروانه محوره بنظم بهاری سال جلوس موسومه میر فتح
تعلقه احمد لاور متوا نر عرضداشت مرسله محتوی
استدعای سند موضع مسل تهی بابت انعام خود
از نظر گذشت و کیفیت مرقومه کماهی ظاهر گشت در
ماده سند موضع مذبور تاکید مزید ما ملکاران دیوانی
بعمل آمده درباره ریسمان سوئی که بوار سال بعد
سه ماه واپس نمود نوشته بودند معلوم شد خوب
مضایقه ندارد ریسمان مذبور تحویل ساران نامبرده نمود
که فروخت کرده وجه قیمت ان بشما خواهند رسانید
قلمی بود که کلهنی در تعلقه متعلقه شما بالکل هم نمیرسد
لهذا از تعلقه کماسر اله طلبیده بودند عامل تعلقه مذکور
کلهنی کهنه فرستاده مفهوم گردید چون رسانیدن کلهنی

بطویلیات سرکار از جمله ضروریست لهذا قلمی می
شود که از اطراف و جوانب تعلقه تا تیاری کلکته نو
بجریده طلبیداشته میرسانیده باشند حسب الرقیم
شما تاکید تقدغن نمیدنام نوازیک مرقوم و
ملفوفت برسانند که از اذیت نمودن رعایا
باز خواهد آمد و طویلیات ازین مزدوری برآورده
در جای که میدان باشد خواهد بست زیاده

برواله محرره بستم تیماری سال جلوموسومه میرابراهیم
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
ظاهر گشت برطبق ترقیم شما برواله تاکید بنام میر
اسدالله قلعدار مرقوم و ملفوفست برسانند
وانچه پیاده ها و غیره مطلوب باشند مارنید بگیران
باید نوشت که تعین ایشان خواهد کرد وانچه از تحصیل
دو هزار هون و رسانیدن تبوشکی نه کلکوت نوشته
بودند معلوم و مستحسن شد باید که زود زود زر از

تعلقه

نسلقه متعلقه خود بعرض وصول آورده نیوشکنی نه
میرسانیده باشند زیاده چه

حکم مرقومه شنبهم بهاری سال جلوس ۱۱۴۹ هجری نبوی
شیخ عبدالسبحان راجه پنگنور که در اول علی نامی
کده می ماند باید که بعد تسخیر قلعه کشکی درک آول به
پنگنور رفته که در انجا محمد رضا نامی رسالدار می
ماند از اهراه خود کرفته به قلعه اول علی رفته از راجه
انجا همین سوال باید کرد که کار باری تواقرار کرده بود
هرکاه برای مهم اکر راجه خود را حکم شود معه جمعیت حاضر
خواهد شد یا خود این دو سه پروانه در باب
طلب تو رسیده تو تا حال چرا نیامده اکر حالا هم تو
نوکر سرکار است حاضر حضور شود والا امکان مکذار باید
که از دست مکاریان وغیره راه عریضی تیار کرده
نزد ملک کده مذبور بروند چرا که در تراکم اشیای رسوایی
درستی راسته رفتن دشوار دارد زیاده چه

Persian, 6th Sept 1617.

برداشت مورخه بیست و دویم بهاری سال جلوس همایون
موسومه محمد غیاث بیخ قطعه عرضداشت رسیده مورخه
بیست و دویم و بیست و پنجم احدی و غره و چهارم ماه
بهاری از نظر گذشت و کوائف مندرجه من و عن
ظاهر گشته نوشته بودند که در سوده خریطه موسومه
را در استی ارقام یافته وجه پیشکش که بدرمه نزکنده والله
بافیت معه پایمالی ملک سیدها نیم شما بمحمد غیاث
و نور محمد خانخیو گفته نویسنده بودند در جناب
بشارالیها نرفیم یافته از اظهار ایشان معلوم
خواهد شد در عرایض شما مقسم مرقوم نمودند عرایض
در حضور حاضرست ملاحظه باید کرد مکرر مقسم ترقیم نمود
بودند راوراستی میگویند که هشتاد هزار روپیه جریمه
و ده هزار روپیه دربار خرچ سیدها نیم و انده بموجبی
که معرفت اباجی رام سداوسیل وجه پیشکش کنانیده
خواهد شد اگر راوراستی نه رسیده که ما کدام وقت

Sheikh Ahmed
Sheikh Nur
Sheikh Farid
Sheikh Ahmed

ایچنین بشما گفته بودیم چه جواب باید داد معلوم شد
هرگاه عرایض ایشان میرسند جواب در یافته و ملاحظه
کرده جواب آن نوشته میشود و بالفعل که در ینمقده
چنین قسم نوشته شده اینهم مصلحتا بود آنید که
ایمعنی دفتی بکار خواهد آمد آنچه از فوت شدن سر
انداز او راستی نوشته بودند معلوم شد خلعت مهمانی
نقدی با تمی معه خریطه موسوم راو مزبور مرخص باید
رسانید و ماندن شما اگر در انجا بی لطف نمانید بودن
انجا چه فایده رخصت شده بیایند و صاف بگویند
که شمایان با وجود احسانات سرکار کمک بالکار متعلقه
سرکار نموده و احسانات بیشمار سرکار فراموش کرده
فوج خود را فرستاده ملک لکوک را یا مال نمودند و
مایان موافق گفته و نوشته راو راستی مورچال
نکرده برخاست کنانیده فوج سرکار را بتفاوت فرود
آورده بودیم با وصف این فوج بر سرانام بها در فوج سرکار

آمده خنک نمود آخر الامر خود سر خنک واقعی خورده تا
اطراف دریای کشنا رو بفرار نهاد باز راو راستی
میگویند که بزرگ مورچال نمایند کردو شنا دهزار
روپیه جریمه و ده هزار روپیه دربار خرچ گرفته آمده
بموجبی که معرفت اباجی رام نرگند واله بداد وجه
پیشکش باید گرفت ایمعنی را شما خود دریافت
نمایند چنانچه در بیمقدمه بارها شما نوشته ایم نر
نرگند واله در ملک سرکار قریب ده لک هون
از رعایا و غیره بطور پیشکش گرفته پایمالی ملک سرکار
کرده است وجه پایمالی که مبلغ خطیر میشود عاید سرکار
نمایند جریمه در کار نیست آمده بموجبی که معرفت اباجی
رام میلو موافق معمول قدیم وجه پیشکش سرانجام
باشد در بصورت بر شنا دو نود هزار روپیه چگونه
مقدمه نامبرده فیصله خواهد شد نوشته بودند که راو را نشه
بدار الالهام جواب دادند که بموجب تقریرات متوازه

صاحب به معتبران کفته کرات و مرات بحضور مقبول بدیم
وخود هم نوشتم از انطرف جواب باصواب نرسیدن قصور
ما چیست مدار المهام کفتند که ما همیشه مینویسم که از انطرف
زر نمیرسد و شما خالی مبالغه مینمودند صاف معلوم میشود
که بانطرف پاس دوستی اینجا منظور و در کار نیست
اکر می بود در رسیدن زر اینقدر تطویل و تمهید نمیکشیدند
الحال صاف میکویم که معتبران کفته معروض کنند که اکر
بنای موافقت مستحکم داشتن منظور باشد زر سه ساله
معه در بار خرج طلب دارند و در مقدمه ترک کنند انچه سابق تقرر
یافته قبول نمایند والا در صورت عدم منظوریت دوستی
اینجا و طهوریت و بعمل در باب فرستادن زر ماندن
معتبران چه ضرور معلوم شد یقین است از انطرف بدعهدی
و پاس دوستی که منظور میست ظاهر است و از انطرف
ایفای وعده که بمضبوطی اقسام و پاس عهود و مواثیق
که بعمل آمد نیز اظهر من الشمس است بار بار نوشتن چه لطف

دارد نقل مشهور است اگر در خانه کس است یکحرف بس است تا
این نوشته شده بود که نور محمد خان حضور را روانه حضور نمایند
بعد رسیدن خانمذبور بحضور دریافت مرعا و مهدو
قرار اعیان انجا نموده فکر ترسیل وجه مقرری نموده شود
اگر خانمذکور را روانه می نمودند یعنی بعمل می آمد خوب
الحال نیز خانمذبور را رخصت داده روانه حضور باید
نمود و خود در انجا باید ماند در صورتیکه مرضی اهلکار ان
انجا بر وانگی شما هم باشد و در نیاده اسرار نماند خود
هم رخصت شده باید آمد نام دوستدار سرکار با صطلاح
بیست سر و نام خواجه سرکار با صطلاح شصت سر
قرار داده نوشته بودند معلوم شد باید که آینده نام
نام دوستدار سرکار که بالای ان سر حرف کاف فارسی
است کلانجان و نام خیرخواه مذبور که بالای ان سر حرف
سین است سردار خان نبوشته باشند که صاف و
شسته است و هیچ یکی ازین نامها راه مطلب نخواهد برد

زیادہ چہ

پروانہ مرقومہ تاریخ صدر موسومہ نور محمد خان چہار قطعہ
عرضداشت مرسلہ از نظر گذشت و کوائف مرقومہ مندرجہ
مشروحاً ظاہر گشت آنچہ مراتب نوشتنی بود محمد غیاث حسو
ترقیم یافتہ از رویش مفصل خواہند دریافت باید کہ بموجب
ترقیم خود از اعیان انجا رخصت شدہ خود را بحضور رساند
کہ دریافت مدعا و عہود و مواثیق اعیان انجا نموده شود

زیادہ چہ

پروانہ محررہ بست و پنجم بہاری سال جلو موسومہ بمرور الدہ
نوشتہ بودند کہ تا تسخیر قلعہ نرکند تبدیلی محمد علی سہ دار
مناسب نیست بر مکانیکہ مورچہ قایم نموده اند قشون
سہ دار مذکور بہمانجا باشد معلوم شد چون سہ دار
مذکور نا بخرد کار و مردم قشون او ناواقف و جدید ہستند
لہذا قلمی شدہ کہ شیخ عنصر را مع قشون او طلبیده نزد
خود دارند و محمد علی سہ دار را مع قشون او تعین مرمان

نمایند نامردم قدیم داشته کار خواهند گرفت و تربیت
هم خواهد شد عرض آنکه تربت سپه دار مدبور و در تربیت
کسان رساله او منظور نیست نه سدیل ماند که شما طلبا
نامبرده نموده معه قشون او متعینه برهان الدین باید کرد
آنچه گفت رساله محمد ناصر و داخل نمودن چند جوانان
ان در قشون محمد علی سپه دار و مابقی جوانان که حواله
برهان الدین نموده نوشته بودند معلوم شد جوانان
رساله نامبرده بطریق امانت نزد خود دارند نه تعیین
برهان الدین نمایند و نه داخل قشون سپه دار مذکور
سازند هرگاه که برای روانه ساختن انها بحضور حکم
صادر شود روانه باید نمود در مادره روانه ساختن
اسبان طویلجات و غیره هم عدم بهم رسی دانه و جاره
نوشته بودند مکشوف گردید خبک نا قلعه است و خبک
میدان نیست که سواران مطلوب باشند در بصوره
طویلجات مذبور و غیره را روانه کنیو و گدر جاره

بوفور دجای جرائمست ~~[illegible]~~ باید کرد جانچه بخش
ازین هم در بمقدمه قلمی کردید درهم چون مقدمات
سهل دست بار بار بحضور نوشتن و منتظر حکم حضور
بودن موجب تعجب ربارجه

پروانه مرقومه بست و سیوم بهاری سال جلو موسومه
[illegible] محمد اشرف داروغه کچهری دیوانی
کولی برای فرستادن بسونت راد عامل سکلن بیلی
نزد خود جهت دریافت حساب وکتاب دزرخورد
برداوجب الحکم حضور شما نوشته بودند شما نامبرده
را برد داروغه مذبور روانه نساخته حرکات لایعنی
بظهور آوردن و خط نامبرده را چاک کرده فرستادن
موجب تعجب رو نمود و بعد از دانائی ایشان
متصور شد باید که بمجرد وصول این پروانه عامل
مذبور را نزد محمد اشرف روانه نماید و بار دیگر مجوز
چنین حرکات بیجا و ناملایم نشوند که ظهور اتقسم حرکات

منافی مرضی حضور پرنور زیاده

پروانه محرره ۲۹ بهاری سال حلو موسومه راجه رام
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
ظاهر گشت آنچه از مطلوب بودن یک منشی هندوی نویس
دیگر نوشته بودند معلوم شد باید که بموجب ترقیم
خود یک منشی هندوی نویس را موافق دربار
منشی سابق نوکر داشته بر خطوط نویسی خود مامور
باید کرد نوشته بودند که دو نفر ساده معتمد
کندا چار را بر کولری مقرر کرده کار کولری از انها
میکرند مکشوف گردید پیاده های مذبور را بر کولری
مامور نمودن ضرور نیست دو نفر کوله علیحده موافق
دربار کولران متعینه نوشکی نه سابق نوکر دارند و
کار و خدمات از انها میگرفته باشند زیاده

پروانه محرره تاریخ صدر رسیده موسومه میر قمرالدین
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه

ظاهر شد انچه از تعین نمودن قشون محمد علی بیک دار نزد
برهان الدین نوشته بودند معلوم و مستحسن شد عوض او
شیخ عنصر را خود باید گرفت و باید دانست که بیک دار
مذکور معه مردم قشون او واقف کار و ترمت یافته
هستند معرفت قلعه ارباد امی و باقاضی تورکل و با
کسی دیگر سوال و جواب با قلعه گیان نموده بهر نوع
قلعه را مفتوح باید کرد و در نیاده تعجیل بکار باید برد

پروانه مرقومه تاریخ صدر رسیده لبه موسومه زین العابدین
بجنسی درک انچه از درخواست یکماهه بی اسبان
و سایبان طویله محمد خان قلعه ارباد امی کوتل توشته
بودند معلوم شد بطریق علی الحساب برای خرج
راه و ها بیده بی اسبان مذبور و غیره را از دایره حضور
باید کرد و زیاده جبر

پروانه محرره ۲۹ بهاری سال جلو موسومه سید لطف الله
دار دعه اسکدار کجهری نکر حسب درخواست شما

منافی مرضی حضور است زیاده

پروانه محرره ۲۹ بهاری سال جلو موسومه راجه رام چندر
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
ظاهر گشت آنچه از مطلوب بودن یک منشی هندوی نویس
دیگر نوشته بودند معلوم شد باید که بموجب ترقیم
خود یک منشی هندوی نویس را موافق درماهه
منشی سابق نوکر داشته بر خطوط نویسی خود مامور
باید کرد نوشته بودند که دو نفر ساده معتمد
کند اجاره را برکولری مقرر کرده کارکولری از انها
میکرند تکشوف کردید پیاده های مذبور را برکولری
مامور نمودن ضرورت دو نفر کوله علیحده موافق
درماهه کولران متعینه نوشتنی نه سابق نوکر دارند و
کار و صدمات از انها میکرفته باشند زیاده

پروانه محرره تاریخ صدر رسیده موسومه میر قمرالدین
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه

فهمیده

ظاهر شد آنچه از تعیین نمودن قشون محمد علی بیدار نزد
برهان الدین نوشته بودند معلوم و مستحسن شد عوض او
شیخ عنصر را خود باید گرفت و باید داشت که بیدار
مذکور مع مردم قشون او واقف کار و تربیت یافته
هستند معرفت قلعه ارماداری و باغاضی تورکل و با
کسی دیگر سوال و جواب با قلعه گیان نموده بهر نوع
قلعه را مفتوح باید کرد و دزنماده تعجیل بکار باید برد

برداشته مرقومه تاریخ صدر سنه کلب موسومه زین العابدین
بخشی درک آنچه از درخواست یکماهه بی اسبان
و نایبان طویله محمد خان قلعه ارماضی کوتل توشته
بودند معلوم شد بطریق علی الحساب برای خرج
راه داده بی اسبان مذبور و غیره را روانه حضور
باید کرد دزنار ضبط

برداشته محرره ۲۹ نهاری سال جلو موسومه سید لطف الله
دارو غه اسکدار که بهری نگر حسب درخواست شما

برواته تاکید بنام تعلقدار مکرر در ماده دادن حصر بها مرقوم
وملفوفست برسانند وحصر بها کرفته احتیاط برواسخات
وعرایض وغیره بواقعی باید کرد انند زیاده

برواته محرره بست وهفتم بهاری سال جلوس سومه نیر
فتح علی تعلقدار حکمرانور متواتر عرضداشت مرسله
محتوی عدم رسی کلتهی در تعلقه مفوضه شما و
تشدد نواز بیک وسته دار برای آن از نظر کذشت
در ماده رواته ساختن کلتهی از تعلقات دیکر برای
طویلجات متعلقه وسته دار مزبور برواته تاکید منام
راجه رامچندر مرقوم وملفوفست باید رسانید انجا از
سزاولی راجه مذکور برای تحصیل باقی شانزده هزار
هون تعلقه ایشان وتشدد اولکیان نوشته بود
معلوم شد در مقدمه موقوفی سزاولی وواپس
طلبدن اولکیان نیز تقدغن مزید براجه مزبور مرقوم
شده زیاده چه

35

ن

برداشته محرره سیوم جعفری سال جلوس موسومه میرزا قمرالدین
دو قطعه عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت
مرقومه کماهی ظاهر گشت نوشته بودند که انعام نبی
سلحداران وغیره مردم متعینه ایشان منقضی شده
پانزده روز زیاده گذشت برواینجانب تاکید در باره
فرستادن زر نزد شما به تعلقداران کرده صادر شود
معلوم شد نظر بر نکه در رسیدن زر از تعلقه مذبور
نزد شما دیر و دیر تک میشود موقوف نموده برای
خرچ مردم مذبور عوض مبلغ شش هزار روپیه کسی برای
سابق از حضور فرستاده شد رسیده باشد از وصول
اطلاع دهند ماهوار برای خرچ مردم همراهی شما چه قدر زر
مطلوب می افتد جواب دریافته مفصل بر نگارند و بر طبق
ترقیم خود بر بالنگاران محصلی و سزادیه کنانیده تا بقیه
پاده تا را بموجب حکم حضور نزد خود طلب دارند

3

نشت

برداشته مرقومه تاریخ صدر موسومه برهان الدین عرضداشت

مرسله محتوی استدعای زر برای تهیه ی یارچه

خود از نظر گذشت مبلغ سه صد روپیه از توشکخانه

گرفته به تیاری لباس خود باید پرداخت حاضری

ی مردم همراهی خود چه از سوار و پیاده و غیره مفصل نوشته

ابلاغ دارند و جمع و خرچ نیز نفرستند اطلاع دهند مورچل

طرف میر فخرالدین خان قرب قلعه رسیده یکماه گذشت

و هنوز مورچه های طرف شما باوصف انقضای مدت

ندید قریب دیوار قلعه نمیرسد و چه ان یافته نمیشود

باید که تعجیل در تکمیل مورچه بکار برده دیوار

قلعه را خوب شکست کنانیده راه برای یورش

خوب هموار باید کنانید دور نماده چستی و چالاکی بکار

باید برد زیاده

برداشته محرره دوم جعفری سال جلوس موسومه برهان الدین

پیاده های تعلقات سرکار که تعین لشکر شما شده اند

از عدم خرج تصدیع میکشند لهذا بقلم می آید که سرنفر
ده فلم ماهوار بطریق بری به پیاده های مذکور میداده
باشند تا رفع تصدیع انها شود ز بلاصه

پروانه بر قومه تاریخ صدر موسومه زین العابدین بخشی
چنان درک انچه از کیفیت معطلی سررشته دار اختام
در سرکند نوشته بودند معلوم شد باید که نامبرده را
نزد خود طلب باید داشت و بکار مامور اوتقید
باید کرد بموجب ترقیم شما در ماده رسانیدن بری به
پیاده های تعلقات سرکار پروانه بنام برهان الدین
مرقوم و صادر گشت شما هم بموجی الیه بر بکار ندرید

پروانه مرقومه تاریخ صدر موسومه راجه رامچندر عرضداشت
مرسله معه خط ملفوفه هندی موسومه عامل دنکات کری از
نظر گذشت و کیفیت مرقومه ظاهر شد عامل بدبور مرقوم
که در جواب نبور اویسا جرو بلور مانقیم بر بکار دکه ضابطه

متعلقه سرکار نیست که در تعلقه سرکار زردان سکونت
خواهند داشت اگر کسی زرد معلوم شود بیانوقت از خان
میرود زیاده چه

صداشت

پروانه محوره چهارم جعفری موسومه مختی بارخان عمر
مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه کماهی ظاهر گشت
آنچه از سزاولی محمد اشرف دارروغه کولی و قرستادن
پنج سوار بجهت محصلی و تحصیل زر قسط سیوم متعلقه
مذبور نوشته بودند مکشوف گردید آنان را کاردا
و دیانت دارد و دلتخواه سرکار دانسته بتعلقه
مذکور مامور نموده ایم یقین است که در آنجه کفایت
سرکار وادی تعلقه و نوکر جمعدی خواهد بود
سعی عمده خواهد نمود و بر طبق ترتیم خود زر قسط سیوم
در یکماه بسبیل بیاق عاید توشکنی نه سرکار خواهند
کرد چنانچه در ماده والیس طلبیدن سواران سزاول
فرستاده دارروغه مذبور پروانه بنام مومی الیه مرقوم

(بقیه)

وملفوفت برسانند و در باب آبادی تعلقه و
تحصیل زر وافر وفی جمعبندی جد و جهد موفوره بعمل
آرند زیاده چه

پروانه محوره چهارم منه موسومه محمد اشرف داروغه
کچهری دیوانی از روی عرضداشت چشتی یار تعلقدار
کولی بعرض رسید که شما سوار برای سزاولی و تحصیل
زر قسط سیوم تعلقه مزبور فرستاده میخواهد که زر مذکور
در عرصه بیست روز بعرض وصول آرند چون تعلقدار مذکور
آبادان کار و دیانت دار است بحضور عرضداشت
له زر قسط سیوم در یک و نیم ماه بعرض وصول و
ارسال خواهد آورد لهذا اقتضا می آید که اثنان سوار را
فرستاده خود را و ایشان طلبد آرند هرگاه موافق
وعده زر بقایا بعرض وصول نیاید سزاولی مضایقه
ندارد در نامه چه

Ms. A 52

پروانه محوره پنجم جعفری سال جلوس از دار السلطنته تین

منوسومه محمد غیاث اگر نور محمد خان را رخصت دهند
روانه کرده فرستاده این ن خندی لبت ولعل نمود
درانجا بوده نویسان اخبار باشند درصورتیکه
خانمد کور را هم رخصت ندهند باید که شما هردو
کس همانجا بوده خیدی بلطایف الحیل بکذرانده
باشند واز سخنان طمع امیز قریب میداده باشند
زیاده

بروانه محرره تاریخ صدر تمام محمد غوث پیش ازین
یک بیت بقاعده جمل نوشته شده بعیکه بدرمانت
ایشان رسیده باشد انجامی فرد حساب قاعده
مزبور مرسلست ازروی بیش مفصل خواهند دریافت
این قاعده مرقومه را سوای خود باحدی اطلاع
نسازند واگر امر ضروری باشد بهمین طور
عرضی مینوشته باشند زیاده بیت قاعده
جمل نیز مرقوم است بیک احدی سند خط ندهند

عشرات مایه لسحب همین کج الف لبوی لسار

پروانه محرره تاریخ صدر رسیده الموسومه کورندور
بنیاتین چلی کوندل نامک بالیکار شاه زمبدار و نکول
تعلقدار آن رفعت مرتبت گرفته در تعلقه کره مصدر
فتنه و فساد شده هنگامه آراست در نصورت
بالصرورة فوج سرکار برای تنبیه او مامور خواهد شد و
ابنمعنی موجب خلش خواهد گردید لهذا القلم انخاذ رقم می
در آید که ان رفعت مرتبت زمبدار و نکول را تاکید
موکد نماید که بالیکار مذبور را تنبیه نموده تا حرکات
ناشایسته خود باز آید زیاده چه

بروانه محرره ششم جعفری سال جلوس موسومه محی الدین علیخان
دیوان تعلقه کره عرضداشت مرسله از نظر گذشت و
کیفیت مرقومه بوضوح پیوست انچه از مطلوبی
سنگ تراش سوای مبلغ و تخفیف سابق نوشته
بودند معلوم شد برعین ترقیم خود دگر سنگ تراش

هم بقدر ضرور نوکر داشته بر کار مسجد و کنند مامور
نمانند و کار مسجد و کنند چه قدر شده و چه باقیست
مفصل برنگارند بر
متعلقه کورم کونده که اهلکاران انجا مصرف شده اند
نوشته بودند مکشوف کردید باید که خوب تحقیقات
ایمعنی نموده از نقاشی که کنان انجا بر زر بند کور
مصرف شده باشند دریافته بعرض وصول
ارند و برای دریافت حساب زکات کورم کونده
دو منصدی با هوش و فهمیده همانجا بهر سانند
نوکر داشته مامور نمانند

برواله محرره ششم جعفری سال جلوس ۱۱۹۹ الهجری
قمر الدین علی خان عرضداشت رساله محتوی روانه ساخت
یک رساله به کنک کری از نظر گذشت و موجب
استحسان گشت رساله کدام کس روانه نمودند و در
رساله چه قدر سوار هستند مفصل برنگارند و تصدیق

لوان

سواران مذکور بنام محی الدین علیخان دیوان کرده نوشته
بفرستند سورچه ها را قریب دیوار قلعه رسانیده و دیوار
را خوب منهدم گردانیده بنحو مرسوم داران و سرداران
انجا یورش کرده مفتوح باید کرد و تا مقدور بحکمت عملی
و سر انسمه نمودن قلعه گیان بدون یورش افتاح نمودن
اولی است و بالصرورة یورش است زیاده

برداشه مرقومه هشتم صفری سال جلوس از دارالسلطنه تهران
موسومه میرزا محمد تهرانی عرضداشت مرسله از نظر گذشت
و گفت مرقومه گاهی ظاهر گشت آنچه گفت اختلاف
آب و هوای انجا و ضایع شدن مردم خمسین و روانه شدن
سرخلان برای بهرتی جوانان متعلقات نوشته بودند معلوم
و مستحسن شد باید که جوانان زیاده را اطلاع داشته بهرتی
قشون خود هم نمایند و روانه حضور منیر سازند طپان در
قشون متعلقه شما بسنده تاکید کرده برای معالجه مردم
قشون مذکور که بیمار میشوند مامور نمایند و بعهده داران

قشون مذبور تقید و تهدید باید کرد که مردم قشون مزکور
و اری نشوند اسباب وغیره متعلقه بهر خود را برساله داران
انها تاکید کرده جائیکه گاه و افرینند روانه باید کرد
محصورین را بموجب ترقیم سابق قول داده فرود
آورده معه اسلحه و سرانجام سیاه بیشه را مکذارند
کالا بندت را معه خویش و اقارب او و سایر هنوان
معتبر که در قلعه اند نیز بقول فرود آورده در بزک
داشته درخواست ده لک هون که در ملک سرکار
بایمال نموده ست باید کرد اگر میدهند فبها والا مصمم باید
داشت غرض بحکمت عملی بندت مذکور را معه خویش
و اقارب او و سایر هنوان را فرود آورده مصمم دارند
و بر طبق نوشته خود انها می بهمه فروش باکن سانور
را معه متعلق او طلبیده تسلیم زرداجی سرکار کرده
گرفته روانه حضور باید کرد و بدستور دیوار آبای را هم
معه متعلق انها روانه حضور نمایند بعد رسیدن مورچها

قریب دیوار قلعه و لبریز نمودن خندق در صورت
صلاح و مشورت سپهداران اقدام به یورش نمایند.
والا مناسب نیست که مقدمه قلعه کوهت را بهم

بر دانه محرره تاریخ صدر موسومه برهان الدین انچه
کیفیت قریب رسیدن مورچه ها بدیوار قلعه کوشته
بودند معلوم شد باید که اولا دیوار قلعه را خوب منهدم
کردانیده و مورچه ها نزدیک تر رسانیده خندق را
بوا قعی لبریز نموده در صورت صلاح و مشورت سپهداران
و سپرداران انجا اقدام به یورش نماید کرد والا مناسب
نیست که مقدمه کوهت محصورین را بموجب نرقیم
سابق قول داده فرود آرند و معه اسلحه و سر انجام سپاه
بینه را کذا کذا کالا بندت را معه خویش و اقارب
او و سایر هوان معتبر که در قلعه اند نیز قول داده فرود
آورده مقید نمایند و درخواست ده لک هون که در
ملک سرکار بابال نموده است از بندت نه بور باید کرد

ومفید باید دانست زیاده

پروانه محرره یوم جمعه ی سال بکلو موسومه راجه رانجدر
از روی عرضداشت غلام حیدر عامل بنگلور بعرض رسید
که بجنفرشان بهوک فی نفر بدرماهه ده ده فلم کنی را
از قدیم نوکر و مامور بر دروازه های بهته بنگلور ستاده و تولا
در تصدیق حضور داخلای انهانست لهذا القلمی آید
که شما بجنفر مذبور بر دروازه های بهته مزبور نوکر داشته
مامور نمایند زیاده

پروانه محرره دهم جمعه ی سال بکلو موسومه میر قمرالدین
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و گفت بر فحوی کماهی
ظاهر گشت آنچه از وصول مبلغ نوزده هزار هون و دیگر
دو هزار هون او هو نی محمدشاهی و انکه زر مذبور فقط
بر درمی مردم بار اکتفا نمیکند تا بخرج مردم سپاه و غیره
چه رسد نوشته بودند معلوم شد پیش ازین بملحاظ همین
مراتب بشما نگارش یافته که ماهواری برای خرج فوج

1456.

شما چه قدر زر مطلوب می افتد مفصل اطلاع دهند که
موافق زر ارحضور فرستاده خواهد شد باید که بموجب
نرخ سابق جمع وخرج ماهواری فوج خود الی اغداز ند که
بعد دریافت آن زر خواهد رسید قلمی بود که وجه طلب
دو ماهه مردم بارشده است هرگاه خبر داخل تعلقات
در رسیدن وجه طلب از سرکار خواهند رسید چگونه به فقر
دفاقه بسر خواهند شد موضوح شد در حضور اطلاع یابد
که طلب سپاه صوبه چه قدر خرچ زر ماهوار میشود
باید که وجه طلب سپاه مذبور چه قدر بارشده و ماهوار چه
قدر می باید بفرستند و خاطر نگارند زیاده

برواته محرره دهم جمعدی شعبان سنه ۱۱۶۹ مهر موسومه
کوشر چاپتن رفیعه خرب ضمیمه متضمن تقرر روانگی ان
عوالیه ت است نکسل مراج بولایت معه دو خرلطه
کونر بکاله همراه ای وصول شده مطلع کیفیت ساخت
وبدریافت روانگی ایشان خلی ملال رو نمود بودن

انرفعت مرتبت درچنانچین بسیار بهتر و مستحسن بود
یقین است که ان رفعت مرتبت بولایت رسیده
بعد حصول صحت خود باز معاودت خواهند کرد و مستر
دیوس که قایم مقام ایشان شده بعهده کونری
انجا مامور شده اند البته موافق قول و قرار نوشته
کوتنی باستحکام سررشته مودت و موالفت خواهند
پرداخت خریطه درجواب خطوط کونر بنکاله معه یکدست
خلعت کارچوبی بر سلست روانه بنکاله باید کرد زیاده
ایام جمعت و شادی

تاریخ الضا جنرل مستر جان بهادر کونر بنکاله دو
قطعه رقیمه محب ضمیمه محتوی روانه شدن مستر شور بهادر
بولایت و منصوب شدن انهریان بعهدی کونری
بنکاله همراه ایای وصول شده موجب سرور و انشراح
خاطر خلت مظاهر گردید بر رقوم قلم نمود در رقم شده بود
که پاس عهود و مواثیق و افزایش محبت و اتحاد فیمابین

89 Lulio

سرکار دکوینی ملحوظ و منظور ان عوالیمرتبت واز
دوستدار نیز مراعات ایمعنی موافق قرارداد طرفین
بعمل آید معلوم شد دوستدار را هم نظر بصلاح و فلاح
دانست خلق الله ابقای عهود و قرار دتر اید دوستیها
همیشه پیشنهاد و منظورست بفضل الهی در انچه که
بنیان محبت و مودت رو بر و استحکام گیرد
بعمل خواهد آمد و دقیقه ازان فروگذاشت نخواهد
شد یقین است که انهربان نیز مطابق قرارداد
مصالحت طرفین کاربند خواهند شد بمقتضای اتحاد
و موالفت یکدست خلعت کارچونی بموجب فرد
ملفوفه برای انهربان فرستاده شد خواهد رسید لازم
که همیشه بتحریر و تسطیر وقایع خیریت شمایم مسرور و مشیح
باید داشت زیاده ایام نشاط و ایام بکام

برواته مرحومه دوازدهم جمعری سال جلو موسومه میرقمرالدین
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت تباری موجبه

فرمان الدین طاهر کشت پیش ازین منوابر قلمی شده
که دیوار قلعه خوب منهدم نموده و مورچه نزدیک
قلعه رسانیده و خندق مملو ساخته در صورت
مشورت و صلاح سپهداران اقدام بیورش باید
کرد و با وصف این بار بار منظور و مستدعی حکم
حضور در باده بیورش بودن موجب تعجب ماند
که در صورت انهدام دیوار قلعه و لبریز شدن خندق
بمشورت و صواب دید سپهداران و سرداران همراهی
یورش کرده قلعه را مفتوح نمایند زیاده

برواله سر قومه باز دیم جعفری موسومه راجه رام جندر
عرضداشت مرسله از نظر گذشت در باده تقرر نمودن
درماهه صرافان و نویسنده ها در هر تعلقه نوشته بودند
معلوم شد درماهه صرافان و نویسنده ها بقدر مناسب
هر تعلقه دیده مقرر نمایند زیاده

بیست و هفتم واسعی سال جلوس از دار السلطنت پین موکب

میرزا بعد از سپه دار عرضداشت مرسله متضمن
رسیدن خود متصل ظفرآباد و اینکه بدقت یکصد
و سی نفر خلاصی همراه خود آورده بعد از نظر گذشت
شما را زودتر حضور طلب نمودن است باید که
مفسدان فتنه انگیز را هر جا که باشند تعاقب نموده
بکیفر اسر و قتیل سازند زیاده چه

مرقومه تاریخ صدر رسید عفار سپه دار عرضداشت
مرسله خود فرد ملفوفه اسلحه کالا بندت و غیره از نظر
گذشت آنچه از مقید و مسلسل نمودن بندت مذبور
و رفقای او نوشته بودند معلوم و مستحضر شد عقریب
شما را حضور طلب نمودن است زودتر از کار
انجا فراغ باید یافت زیاده چه

مست و بهم و اسعی سال جلوس از دار السلطنه بن بنام
میرزا همر الدین عان عرضداشت مرسله محتوی رسیدن شما
بکنار دریای نمک بهدره موجب مسرت خود و

ترا عزم رسیدن حضور از نظر گذشت باید که زود خود را
بحضور رسانند و قسمی بندوبست همراهیان خود کرده
باید رسید که احدی فراری نشود مردم هر چهار طرف
مثل کربه و بغره همراه شما آمده اند برای حفاظت
و احتیاط اینها مردم خویش را بر اینها سزاوار باید
گماشت تا فراری نشوند و سالم بحضور برسند
در نهاده احتیاط و تقید ضرور دانند زیاده

مرقومه تاریخ صدر بنام راجه رامچند رعرضداشت
مرسله از نظر گذشت آنچه حقیقت نویسد اکورم گوند
که از سه روز برای نوشتن حساب کنداجار در
کچهری نامد نوشته بودند معلوم شد نامبرده را
برای نوشتن حساب کچهری دیوانی شما مقرر
نموده ایم باید که او را بر کار مامورهٔ او بحال داشته
دیگر سررشته دار علاقه خود را بر نوشتن حساب
کنداجار مقرر نمایند پیش از ارقام شما سررشته دار

87

دشانبهوک برای نوشتن حساب تعلقه گیلکی درک
مقرر شده روانه شده اند نزد آن عظمت مرتبت
رسیده باشند

برداشته مرقومه ۹ واسعی سال جلو موسومه زین العابدین
بخشی احتشام فرح باب حضار عرضداشت مرسله مختوی
کیفیت ناداری انچه والده ماضی مانوار وغیره از نظر گذ
انچه نوشتنی بود در مقدمه اسحه والده مذکور واسحه والده
رال مسلی بشرح وبسط سابق قلمی گردیده موافق ان کار
بند نشده بار بار در حضور نوشتن و بجوز خودرائی شدن
موجب تعجب ابنده در بیچو مقدمات نباید نوشت وبموجب
حکم سابق عامل باید بود زیاده

مدین
غره ربیع حدی از دار السلطنه بین موسومه میرزین العا
شوشتری احمد بیک روانه شده اند غرب جمعت
دیگر هم روانه میشود باید که شما بکار نه گذشته هر جاکه
کرده اشقیا پناه گیرشوند تعاقب نموده اسیر وقتیل

نمایند و کیفیت بارش در اینجا به اسلوب دارد زود
بنویسند زیاده

سیوم ماه ربیع‌الثانی سال جلوس موسومه محمد اشرف دیوان
کچهری پنجم فصل حصار در ماده رواز ساختن احمد علی
پسر غلام محمود برادر نسبتی علیرضا بحضور و دادن
پنجاه روپیه برای خرچ

بروز سیوم ربیع‌الثانی سال جلوس موسومه محمد حیات و نور محمد خان
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
کماهی ظاهر گشت آنچه از بیتار کرده دادن علم‌ها و
بیرق‌ها وغیره بمردم همراهی خود نوشته بودند معلوم
و مستحسن شد باید که مردم بار را از قواعد خالی ارائه
و درست دارند و بار وقت خرچ نازند طبیعت نور محمدخان
علیل است در موقعت علیحده بودن هر کرا مناسب
در همصورت یکجا فرود آمده باصلاح مزاج باید پرداخت
و آنچه لازمه دولتخواهی و نمک حلالی سرکار است باتفاق

بهادر

یکدیگر می باید آورد و زیاده

بروز سیوم ربیع دی موسومه میرزین العابدین بتوسط
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
گاهی بوضوح پیوست آنچه از رود آوجنگ و کمی باران
وغله و افراط بارش و اینکه اگر ده قشون بماند کشوکار
نخواهد شد مگر سواری خاص با سمت خاص با قسمت
متوجه شود در عرصه قریب امد کار خواهد کرد مرقوم
بود معلوم گردید همراه آن نیز یک و نیم هزار کته بلدو
دسی سیه طرک و دو هزار جوانان جنس هستند
باوجود این به تنبه مخالف نپرداخته هستند می سواری
خاص بودن موجب کمال تعجب و بعد از حیرت
تصور و صریح حمل بر ترس است والا دو صد جوان جنس
برای تنبه مخالف کافی و وافی هستند در بصورت مانان
و میرزین العابدین نوجدار انجا باهم متفق بوده به تنبه
کرکه ها بواقعی برداخته مردم همراهی خود را متفرق شدن

مدهند که کشته خواهند شد ملک انجا آباد است رعایای
که ازان سرکار اند انها را بانسلی فراهم آورده و غله به
قیمت گرفته بمردم همراهی خود تقسیم میکرده باشند
و کرده اشتیاهر جا که رخت اقامت دانسته باشد
تعاقب انها نموده خوب تنبیه باید کرد زیاده بین

برداشت مرقومه چهارم رمضان سال جلو موسومه برهان الد
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت مرقومه
ظاهر گشت بودن شما در نرکند زاید و موجب خرابی
و هلاکت فوج است لهذا انقلم میاید که شما معه فوج
خود در ملک کتور که چاره و دانه و افر بهم خواهد رسید
رفته فرود آیند و برای مرمت قلعه نرکند تا قلعدار
انجا تاکید نماید که مرمت و شکست و ریخت قلعه خواهد
پرداخت جوانان عسکر و غیره را که بطریق چرائی
بسیار دارد باشد محض بجهت هنگامه ارائی و قضیه گذاشتن
خواهد بود می باید که جوانان مذکور را نزد خود طلبیده

تعلق جرائی اسپان ست به مالکان انچه کیفیت اجتماع
مردم مشهور نوشته بودند معلوم شد شما بخاطر جمع باشید
و اندیشه ننمایند که از بین قسم مردم الوفهامی آیند و میروند

زیاده

پروانه چهارم رمضان موسومه زین العابدین انچه در جاده
روانه ساختن پیاده ها نوشته بودند معلوم شد پیاده ها
را همانجا نگاه دارند هرگاه حکم رسد روانه حضور نمایند انچه
در باره تصدیق حال نوشته بودند مفهوم شد از انجائیکه
تصدیق حال نزد شما رسیده باشد عمل جاری باید داشت

زیاده نامبی الحال پروانه برای روانه ساختن پیاده ها
بحضور صادر شد

---

۱۴ رمضان سال جلوس ارشد بیگلیکان عرضداشت مرسله
از نظر گذشت نوشته بودند که اگر بیگلیکان خود را طلب
حضور نموده شود همه کیفیت بعرض خواهد رسید معلوم شد
بیگلیکان را نزد خود چرا داشته اند بجائی که مقرر و مامور نموده ایم

معه جمعیت او روانه نمایند زیاده چه

بروانه پنجم ربیع الثانی سال جلوس از دار السلطنته بابن موسومه
میرزا بن الله بدین نوشتری عرضداشت مرسله از نظر
گذشت و کوائف مرقومه من وعن مکشوف گشت از روی
عرایض متواتر شما که بحضور موصول شدند در یافته شد
که ایشان از کرده شقاوت شرمنده خیلی خوف ناک شده
اند در صورت از ایشان نیه کرده تا بکار و در ستی
کار سرکار متعذر است لهذا بقلم می آید که شما معه جمعیت
همراهی خود به مرباش رسیده فرود آیند زیاده چه

بروانه پنجم منه موسومه راجه راجیندر پنجم ربیع الثانی
حسب درخواست شما در ماده گذاشت شوره مطلوبه
تاکید بنام قلعدار سرحد مرقوم و ملفوف بفرستند
و شوره مطلوبه خود را طلبیدارند زیاده چه

بروانه مرقومه پنجم ماه مزبور موسومه حافظ محمد خان قلعدار
بکش کری عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت

کامکاری قلعه مذکور ظاهر گشت نوشته بودند که روز برو
درگاه سید صاحب شهید علیه الرحمه جای تیار کردن
چشمه کلان است و برای برآمدن سنگ کلان هم
شش کهندی باروت خرج میشود معلوم شد باید
که سنگ مذکور را از باروت برآمده بموجب ارقام
خود چشمه وسیع تیار کرده اند زیاده چه

نام راجه فرانسیس نوئی روانه فرانس نام دیوان فرانسیس مرسله گشته

نام راجه انگریز مرسله چارج

پروانه مرقومه ششم ربیع الثانی سال جلوس از دار السلطنته
موسومه میرزین العابدین شوشتری دو قطعه عرضداشت
مرسله مرقومه سیوم و هجم ربیع الثانی از نظر گذشت و کیفیات
معروضه گاهی ظاهر گشت دو قطعه تاکید درباب رسانیدن

یک یکهزار کوی غله نزدان رسالت مرتبت بنام عامل مست پور
و عامل گوند نور ملفوفست باید که ما کید ملفوفه بهر دو نامزده
رسانیده و دو هزار کوی غله طلبیده لنظفرابا د رسانند و
زجمان را بست پور بفرستند در جناب بعامل مست پور
نوشته شده ست دوزجم بندکه همراه قشون شما بسند
از انجمله یکی راهمراه زجمان ست پور بفرستند و یک همراه
خود دارند صد نفر خلاصی از حضور روانه کرده شد خواهند
رسید یکهزار کنه طرنک نبرمرسلت خواهد رسید در
توسدانهای جوانان همراهی چهل و شست هزار طرنک و
کوتل بانزده هزار طرنک جمله شصت و سه هزار طرنک
همراه ایشان بود ند نوشته اند که الحال در هر توسدان
بانزده بارده ست طرنک ثابت در تصورت
طرنک های بسیار نخرج آمد از خرج شدن ایقدر طرنکها
چه قدر مردم مخالف و اصل و البوار شدند بانوشت
وجمع مخالف چه قدر ست سر اطلاع دهند یکصد جوان

همراهی شما که زخمی شدند البته از مردم مخالف بسیاری
مقتول و مجروح شده باشند کیفیت تربت خاک
تراکم اشجار در کتاب فتح المجاهدین ایشان خود نوشته
اند تعجب که وقت خاک تربت مذبور یاد نداشتند
اگر موافق تربت مذکور خاک بیکر دند اصلا مردم همراهی
شما ضایع نمیشدند و برای رسیدن سواری خاص
که مکرر نوشته اند از الله تعالی عنقریب با جمعیت
قلیل رسیده مخالفان را کثیر مقتول و مفقود نموده
میشود و الحال که برای رسیدن رسد نظر آنها
بر روند موافق تربت خاک مذبور تراکم اشجار
که در فتح المجاهدین مرقوم است کار بند خاک شوند و
علاوه همراهی با خیاط برسانند زیاده چه

برواله مرحومه شتم ربیع الاول موسومه تربت علیخان
عرضداشت رسله متضمن بر اینکه قلعه ارکلور و دیوان
یوسف آباد و گردون شکوه را حوالی حشم فرستاده

گرفته آورده بنظر گذشت در هوش قلعدار مذکور افتاد
واقع شده باشد که همچنین کارها خلاف حکم حضور
بعمل می آرند لهذا بروانه تاکید پیام قلعدار مرقوم
ملفوفست برسانند و دیوار آن قلاع مسطور را
گذاشت کنانیده باز بقلاع مذکور روانه سازند
بموجب ارقام خود جائیکه کامکاری نباشد دیوارآن
انجا را طلبیداشته بدهند بتاریخ

بروانه مرقومه نهم رمضان سنه موسومه میر قمرالدین درماده
رود تا رسیدن بحضور معه جمعیت همراهی او موقوفی
خیال تسخیر اودنی وغیره

بروانه براجه رام چندر متضمن تاکید کردن بچهار نفر شورا
ستی مکمل برای دیدن جای تیاری شوره متعلقات
متعلقه تنکلور و بکدو ماه متوقف شده آموختن ترتیب
شوره سازی بر رعایای انجا

بروانه دیم رمضان سنه موسومه راجه رامچندر درماده رسا

مزدوری خیاطان کندله سازی کندله ۱۶ فلم بموجب
قاعده سرکار و یافت کنا ندن رسن بها ازدست
خلاصیان متعینه قلعه پروانه ملفوفه موسومه سید پیر
قلعدار بنگلور

دهم منه پروانه موسومه میرزین العابدین سوشتری در باده
رسیدن سواری خاص بعد غیبت ذی حجه و عدم آشنها
ایمعنی

دهم منه پروانه موسومه محی الدین علی خان دیوان کرنه متضمن
رینکه موافق حکمنامه در جمیع امور مزبوره کل عامل نا بدبود

دهم رمرحدی سال جلوس پروانه موسومه زین العابدین
بجهت احتشام فرح باخ حصار باد صفا داخل نمودن
کوسفندان تقسیم روز دسهره در تصدیق حال نوشتن
در حضور چه ضرور آنچه در تصدیق حکمنامه
باشد کار بند بایدشد

دهم رمرحدی سال جلوس پروانه موسومه راجه راجندر در

بحال داشتن سوبراو کورم کونده بنوشتن حساب
دیوانی و مقرر کردن سررشته داو دیگر بنوشتن حساب
کنداچار

نامه پروانه موسومه محمد اشرف دیوان بخشی نصیر
در مقدمه بهرتی کنا بندن کاوان نوکر بتعلقات
وکلتهی که جابجا در تعلقات خرید کرده داشته اند
بجاشد

پروانه محرره هشتم ربیع الاول سال جلوس موسومه محمد عاشق
و نور محمد خان انچه از تبار کرده دادن ببرق با و
بنشانها بردم همراهی خود نوشته بودند معلوم و منجس شد
خدشما و نور محمد خان هردو یکجا فرود آیند و انچه بر آ.
دو لتخواهی باشد بظهور رسانند زیاده و مردم همراهی
خود را تاکید کرده قواعد خانه لی بکنانند

پروانه مرقومه دوازدهم ربیع الاول سال جلوس از دار السلطنه
موسومه راجه رامچندر در ماده روانه ساختن کلتهی بجمل

کاوان

59

50

کاوان نوکر دکرایه دار بدسته نور الابصار خان

۱۲ ارمرحدی میر قمر الدین خان در باب رسیدن حضور
بسرعت سریعه

۱۳ ارمرحدی سال جلوه برعت علیخان در ماده موقوف
نمودن کاماتیان قصبه بنگلور و فرستادن یکصد و سه نفر
کاماتیان کهربجات متعلقه خود ما حاضر بوصول بحضور

۱۳ ارمرحدی سال جلوه برهان الدین در ماده فرود
آمدن خود معه جمعیت همراهی در ملک کنور و اطلاع
نمودن حقیقت انجا و انکه بعد صدور حکم موافق ان
کاربند باید کردید

۱۵ ارمرحدی سال جلوه رواله موسومه محمد اشرف در ماده
طلبیدن زر قلعه ثمر تن که بعد خرج سبندی انجا باقی
ماند و ارسال داشتن ان بحضور

برین العابدین بحسب اختتام مرج باب حصار مقتضی رسیدن
نقل متی خورد و نیز و قلعدار و عامل و سرشته دار و شاهو

ها وارد فرستادن اصل بدستخط چشتی یار خان بحضور

وارد مرحمتی پروانه موسومه بدر الزمانخان در مادهٔ
وصول ساختن زرخورد برد بابت عمل شهر خان قلعدار
کوریال بموجب سی ملفوفه رسله فخر الدین بخشی
دویم احشام فیض حصار

بتاریخ صدر پروانه موسومه احسان الله خان هرقدر
که هنود از نساوذکور برضا و رغبت خود ها داخل
عسکر اسد اللهی شوند باید کردو بتی انها بحضور باید نوشت
که اضافه انها نموده خواهند

وامنه پروانه موسومه شاه محمد و محمد صبر الله وارد و خه
زنک محل بنکلور در مادهٔ نوشتن کیفیت نغمه و نصاری
وارسال دورزین ها بحضور

وامنه پروانه موسومه تربت علیخان در مادهٔ تعین
نمودن یکصد نفر پیاده بابت بدلی از بنکلور وغیره
کهرکات متعلقه خود

براجه رام چندر بهمت تحصیل وغیره فرمایشات سرکار

۸ امضه براجه رامچندر پروانه بنام سرمست علیخان در باده
تعین نمودن یکصد نفر پیاده بابت بدلی ابرقوم و ملعوف
باید رسانید و پیاده ها باید گرفت

۹ امضه به سرمست علیخان و چتنی بارخان و براجه رام چندر
رسید بسر قلعدار سنگلور متضمن رسیدن وجه تنخواه عبدالفتاح
بحضور

۹ امضه بنام زین العابدین چتنی فرح باب حصار در باده
روانه ساختن پیاده ها بحضور

۹ امضه بنام راجه رامچندر انچه در باده داده شده
صرافان در طلبنامه نوشته شده سند محکم است
موافق ان در جمیع امور حزو کل عامل باید بود

بست و یکم سرحدی سال جلوس دار السلطنه بنام به
راجه رامچندر در باده رسانیدن وجه مزدوری
مزدوران کامکاری قلعه سنگلور موجب قاعده سرکار

درخواست قلعدار انجی و دادن وجه مزدوری چراکس
فی من حساب سه هون کنی رای که در سرکار مقرر است

۴۲ سر چدری بمیرزین العابدین واحد یک سه دار
در ماده رساندن جهار صد کوتی خلر بطغرا باد و گذاشتن
یک یک توب علاقه خود معه جوانان یک یک نرک
درهست بور و اینکه سواری خاص در انجی خواهد رسید
اتواب مزبور همراه آورده خواهد شد و بست و دوم
ماه مزبور سواری خاص باراده تبه اشقیا داخل
خیمه گردید عنقریب در انجی میرسد

۴۳ قسه بمحمد اشرف در ماده رساندن سیب و بهدانه
هون کرک برای اخراجات عاشوره متعلقه مکن بنلی
و اجرا داشتن معمول ایام مذکور موافق معمول قدیم
با پروانه ملفوفه موسومه قلعدار ثمر پتن که برای دیوار
ظلم و تعدی بنا نزد

۴۴ قسه سراج الحقدر در ماده رساندن نیم قلم توپ

۲۱۵

به شوره پزان تعلقه ستی منکل و مامور ساختن انها
بعد موسم برسات به شوره پزی و تعلیم مردم دیگر و
بدون این تا صد سال رای انها ممکن نست

۲۳ دی بچه محمد مراد و شیخ حسن در ماده رسیدن حضور
معه متعلق خود

سلخ زیر جدی برابه نام حیدر در ماده فلای کنا نده
فرستادن تورهای فرمایشی حضور

دوم حیدری سال جلوس نام شمس الدین خان و غلام حیدر
دارونه توشکی نه تین در ماده فرستادن ده تهان
سلهای یک تاری معه چهار دستار سبز و یک
دستار نود و هشتاد و شش سبز با دو اثار زیاده
بجثه سرخ و سبز زود بحضور تا در ایام محرم بکار اید

دوم حیدری نام سید محمد قلعدار در ماده روانه ساختن
چهار لفر کماتی در اوسار برای تیاری تل کاوری
وغیره با بدرقه پیاده ها بحضور

۴ حیدری بنام شمس الدین خان و غلام حیدر دار دمه
توشکی نه بتن عرضداشت راجه رامچند محتوی سرسیل
مبلغ شصت و دو هزار و دو صد و دو هون و نه نیم
فلم بابت تحصیل تعلقه بنکلور وغیره بحضور رسیده
بود سمعه بنی ان بجنس ملفوفست زر مذکور از زر
بنی مذبور داخل توشکخانه نموده رسید آن نزد
راجه مذکور بفرستند زیاده

۴ حیدری بنام اخان الله خان انچه کیفیت قاآغا
که بساعده کرفته هورنکجوان هم نه نویس نیند توشه
بودند معلوم شد اکر نامبرده بهرتی نماید بهتر والا
زر ساعده وغیره انچه بطرف نامبرده می اید
وایس کرفته بطرف باید کرد زیاده چه

۴ حیدری سال جلوس متصل ظفرآباد بنام
تربیت علیخان در باده رواج دادن افلام
حیدری دکنی رای در تمامی تعلقه متعلقه بنکلور

دلودن

ونمودن جمعبندی افلام مذبور

دهم منه بنام راجه رام چندر در ماده بحال داشتن
ونکت نارائن زمیندار بر سر رشته داری هسکوته
ونمودن جمعبندی افلام حیدری وکنی رای در نامه
تعلقه متعلقه بنکلور وغیره ورواج دادن افلام مزبور
ناغیر ازین افلام دیگر رواج نیابند

دهم منه سید بدیع الزمان خان صاحب معروضه شما
در ماده برقرار وبحال داشتن ونکت نارائن
زمیندار بر سر رشته داری هسکوته پروانه ناکید نام
راجه رامچندر مرسل شد بعد رسیدن سواری خاصه
بدار السلطنه مبین برادر زاده شما را نقد وخلعت
بعمل خواهد آمد

دهم منه میر فرالدین در ماده فرستادن دو دو منصدی
علاقه سوار کچهری وچپتی دیار کیر وتوشکی بنزد نور نیا
بهبین برای نویسنده حساب وکتاب وکرفته ازر

[illegible]

متی ها

دهم حیدری سال جلو بنام سانور واله مبلغ یک تومان
سالیانه بابت پیشکش کرده سیمجهسال جلو نزد
نرسیاد دیوان نگردیده رسید باید گرفت
زیاده چه

احیدری سال جلو بنام عبدالرحیم عامل کادری بتن
در ماده اطلاع دادن خورد برد چارای راه رام چندر
و نرپت علیخان

دهم منه بنام غلام حیدر در ماده تیار کرد اندن نسخه
سیاهی و گرفتن هیر اکسیس از توشکخانه جنبی

یازدهم حیدری سال جلو بنام سامی سک دارو غه
اسکدار بتن در ماده رسانیدن خطوط و بسته
بارچه محمد غیاث نجانه موصی الا

یازدهم منه بعقوب محمد خان دارو غه سقط در ماده
اطلاع نمودن اجناس از قسم کندک و شته و

مروارید وغیره به قدر همراه آورده اند وکدام کدام
مردم شما دیده اند

۱۰ دیم حیدری سال خلو بنام میرزا کاظم داروغه سقط
در ماده نوکر داشته روانه ساختن ده شخص برآوردن
معدن مروارید و شناسائی انکار و خریده و رسانیدن
مروارید ار حرز بحضور معه فروخریدی آن

۱۱ حیدری براجه رامچندر در ماده دادن نصف
قیمت بحرها برعایا و گرفتن بحرها در سرکار و رسانیدن
دهه بابت جزای اسیان فی راس ماده که مابوس
ار بچه ها شده اند انچه ار قدیم در سرکار مقرر است و مقرر
نموده دادن طویلجات بجا عدا ار انکه ار حضور مامور
شده رسیده اند

۱۲ آمده بسیه محمد قلعدار بین نوشته نبود مرقوم رزد وسی
که وضع شده داخل سلک شد برای تقسیم زنان رساله
مذبور منجمله ان باید و باید بادرسی داخل کرده باید داد

معلوم شد در سی نوبت بنده باید گرفت و باید داد

یازدهم محرم سنه ۱۲ هجری از مقام مستقر طهران

کورند در منبی رفعت و عوالیمنزلت شوکت و

معالیمنزلت ظل ظلی مهربان معاد مخلصان سلمه الله تعالی

رقیمه خجسته ضمیمه بهره ارای وصول شده موجب

سرور و ابتهاج گردید و مطلع کیفیت گردانید

نوشته بودند که غرض شخص معتمد خود را برای

دانستن کوتهی در تعلقه ها در روانه نمایند

تاکید حضور بهت سپردن کوتهی تعلقه مذکور بنام

تعلقدار سرکار صادر شود معلوم شد بر طبق ارقام

ان رفعت مرتبت به تعلقدار مسطور تاکید بعمل

آمده که هرگاه شخصی فرستاده ایشان در انجا خواهد

رسید کوتهی قدیم انجا تعلقدار مزبور سپرد خواهد

نمود زیاده چه

۱۲ احیدری سال جلوس بنام بدر الزمانخان در مادة

55

اسیر و قتیل نمودن کرکه ماد و بیمار و تغیر نمودن سررشته دار
کهمی و مقرر نمودن عبوضی او سر در یافت حور در د
سررشته دار معزول مذکور و مامور ساختن ناتهو خان
به قلعدار کهمی بجا شد

۵ احدی سال جلوس م محمد اشرف هرگاه جمعبندی
تعلقه کمتر کسکم و اخراجات زیاده باشد در تحصیل تعلقه
دیگر برای خرچ حسب درخواست قلعه دار و عامل باید فرستاد

۵ امنه بنام راجه رامچندر مارجه و ظروف و منوشی و غیره را
قیمت مقرر کرده داده زران داخل توشکی نه نمایند
عامل بحوالدار رخصت شده روانه شد خروشما خواهد رسید
رلاره

۲۶ احدی دو قطعه پروانه بنام بدرالزمان خان
در باده توقف نمودن چهار روز در منل کادری و
منظر صدور حکم دیگر بودن برای روانگی با من کهات و
فرقه اشرار را معه موشی مکر در آوردن و شالے را در و

104
(Sec. 2: 240)
M.S. 338

گردانیده بجانوران قوج همراهی خود خوراندن معه برآ
موسومه موناکول ملفوفست باید رسانید و بهر وجه او را
طلب باید داشت

۶۴ منه به محمد عیسی عامل بربامین سی هزار سوار تلازم
سرکار رسیده است رعایا و بنجره از قسم کورکه ها که
در جهاری و مرکل مستور شده باشند سراغ انها
بهم رسانیده بگیر در آرند و کفته بفرستند که سواران
مذکور هرجا که خواهند بود گرفت و گیر خواهند نمود

۶۵ حیدری سال طلوع سید حمید و سید غفار عرضداشت
مرسلا از نظر گذشت و کیفیت داخل شدن تهانه
سرکار در قلعه کنور موضع کشت باید که بزک های
جوانان معتمد جابجا از بسیار خبرداری و هوشیاری
داشته یک ذره کاه متفرق شدن و به غنیمت رفتن
ندهند تشود که مثل نزکند از بی تفحص اموال به غنیمت
رود و در حساب بسیار بسیار تفحص و بند و بست نمایند

111 Urdu

Hyd. Dun

وکرنہ بار بپرس ایعنی ارشما ما خواہد شد مبت دوشتم
حیدری سال جلوس در مقام ظفر آباد

۲۹ حیدری سال جلوس بنام میر عمر برہان الدین عرضدا
رسلہ از نظر گذشت و گفت معروضہ کماہی ظاہر
گشت مرقوم بود کہ وکیل کنور والہ را روبروی خود
مقید داشتہ سید غفار و سید حمید را با جمعیت
اندرون تہہ فرستادہ شد و بمجرد داخل شدن
نامبردہ در تہہ دیوانی و کوزناتہ بندت کاربار
ہردو کلید ہردو قلعجہ ہا گرفتہ روبروی خود آمدند و
تہانہ سرکار ہردو قلعجہ و در تہہ داخل شد و دیوانی
و نماجی بندت و کوزناتہ بندت و نعمانامی دیگر
کاربار و غیرہ معتبران را در لشکر مدوزنی آوردہ
در بزک داشتہ اند و سوای این بجنفر کلاہ پوش
کہ یکی از ان بالکی نشین در ام دیرکہ والا مدرونامی
را مقید داشتہ اند و برای احتیاط تہہ و رعایا و سکنہ

Letter 105

تعلقه باندازان وسواران ومردم بزرگ هم جا بجا داشته
دبر هر کار خانجات مثل توشکخانه وغیره متعلقه دیوانی
را بالفعل مهر کرده بزرگهای جیش تعیین نموده برای
دلدهی وفراهمی رعایا وغیره نیکت رنگ عامل
دیوان را مقرر کرده اند بعد صدور حکم حضور
موجودات اشیا واسباب وغیره متعلقه دیوانی
انچه که هست از مقابله کاریاران ودیوانی در یافته
تفصیل ان بحضور معروض خواهند داشت معلوم و
مستحسن شد در رتبه وقلعه ها هوان مال دار
لکوک باشنده مکان مذکور ولونه با امانت منصدیان
متعلقه لونه در انجا بسیار هستند باید که از باشنده ها
کیتور بطمع انعامات دریافته انها را بیشتر مقید دارند
وضابطه املاک اینست که ساهوان عمده لباس
فقیری روپوش شده میگردند تقدیم بمعنی هم نگذارند
وعمده های ساهوان را خوب دریافته مقید سازند

وقسمی بندوبست کنند که مال واموال انها غارت
نرود وآینده بازپرس ایمنی ازشما خواهند شد و
هرکه ازکاربارئ دیسائی مذبور سابق معزول و
دراعتراضی دیسائی باشد طمانیت نموده وضرری
انعام داده معاملت ملک سوای تهه وقلعه آن را
مقرر کرده ازمعرفت او کیفیت عهدها وساهوکاران
دریافته بمقدسازند وحقیقت زندگی دیسائی
وعهدها وغیره سکنه انجا معرفت او دریافته هرجاکه
باشد سراغ آن هم رسانیده طلبدارند ودر تهه
وقلعه وبرتوشکنی نه وکاربارخانجات وذخیره وغیره
یک یک بزرگ شیخ عنصر ویک یک بزرگ سید غفار
باید داشت تادرضد ونقاص مال دیسائی درعایا
بغیمت نرود وجاسحا ماندار برای هم برای احتیاط
تهه باید گذاشت اول کاربارنی یان دیسائی را
طلبیده بگویند که بحضور عرض نموده این مکان بما

دیوانی بحال کنانیده مبلغ دوصد اشرفی زر و
عمدگی خود در سرکار نمودن این معاملت رسا
بحضور تقرر خواهد یافت اگر شکندلی سنگین تا
بخانه لک روپیه قبول کرده عوض آن بمایان نوشته
هرهند بحضور عرض نموده پروانه بحالی بنام شما
طلبیده گو مکان سپرد شما کرده خواهد شد و لک
راهم در بحالی آمدن نداده احتیاط نموده شده
است همچنین سخنان طمع آمیز و طمانیت گونه اول
انچه پیشکش بتکرار ازانها تقرر نموده و عوض آن
کهندلی چه قدر نقد و جنس و تفریق بر سا هوان
کرده سیدهند نوشته گرفته و سا هوان پوشیده
راهم از معرفت انها برای حوالات کیدلی طلبیده
سی آن بقدر مبلغ و عوض و نام سا هو نوشته
بحضور تقرر کند که تا در ماده حواله نمودن مکان
منشور صادر خواهد شد و بر قوشکنی نه و غیره کارخانجات

دیبای دسوای ان هرجا که نقد و جنس امانت
باشد بران مهر دیبای و شما نموده مردم اعتماد
قشون سید غفار و شیخ عنصر را گذاشته بندوبست
نمایند و اسباب و شتران و اقبال دیبای انچه
باشد از روی حساب و مقابله کاربار بان او نقید
رنگ بنی نوب نبده از اندرون همه طلبیده پیش
دیبای فاصله معه سامان سوای بارگیران
وغیره سپاه پیشه فرود اورده دانه و کاه از سرکار
دهنده خبرگیری ان مینموده باشند و متعلقان دیبای
و کاربار بان نیز درخانه های انها گذاشته همانجا نزدیک
بگذارند و بیرون رفتن ندهند هر دو قلعه و خندق
چه طور است باتفاق سپاهداران دیده کیفیت ان
بحضور نویسند و حقیقت و خیره و اتواب مفصل
برلکارند که جای بهتر است یانه و بدیبای و کاربار بان
او بگویند که شما زود کنید و سبکی نموده سبیل ان

کرده میدهند مکان شما بر شما بحال کنا نبده میشود ملک
کیتور چه قدر و فلاع متعلقه آن خبد ستدار کار بار مان
دیبائی دریافته بحضور معروضدارند و عمالان
سابق را از طرف خود خط استقلال نوشته بحال
داشته قلعداران سابق را برای ملاقات خود
طلبیده عیوض انها از ملازمان سرکار کسی را روانه
باید کرد و برای حفاظت قلعجات از پیاده های
همراهی خود تعین و روانه باید نمود و از کار بار مان
دیبائی بنی نوکران دیبای با محصران انها نوشته
برای موجودات طلبیده بخشی سواران همراهی خود را
مامور باید کرد که از مقابله کار باری دیبائی موجودات
سواران را در فوج سرکار دیده یکطرف ذمه یک
رساله دار نموده معه سرداران ها فرود آرنده و پیاده
را بعد موجودات ذمه سید محمد نموده در مثل سید
مذکور فرود باید آورد و سرانها چوکی ظاهر نمایند

مکرخفیه نظر نبد باید داشت و سرداران سوار و پیاده
رابیش خود طلبیده طمانیت نمایند در عرصه قرب
حکم بحالی مکان از حضور میرسد تا ان زمان باید که
شما ها مردم خود را طمانیت نموده در لشکر فرود
آیند بعد فرود آمدن همه سرداران مذبور علحده از
دیه ئی وغیره در نزک نگذارند و در برادری ایها
رفتن ندهند و خوراکی وغیره انچه مطلوب باشد شما
میدهانیده باشند دیه ئی و کاربار ی وغیره را
که فرود خواهند آورد تقید دارند که نزد انها اسپان
نباشند و سوای پروانگی شیا دم انها را اندرون
و بیرون رفتن ندهند شاه پور و پل کاون و
کوکاک که هر سه تعلقه کیتورست در انجا عمدها و ساهوان
معتبر می باشند شیخ عنصر را معه قشون او و از سوار
کچهری دو مقدی و دو هرکاره هوشیار ما دور سال
سوار و چند پیاده فرستاده در هر سه مکان مذبور

تبانه سرکار داخل سازند و عهده داد و ساهوان
اماکن مذکور را خبر کرفته بخش خود طلبیدارند و عمالان
اماکن مذکور را بر خدمت انها بحال داشته و خط
بحالی از طرف خود و دیکری نویسنده باید
فرستاد و شیخ عنصر و غیره را تاکید باید کرد که از عمالان
هر سه تعلقه مذبور مچلکه نویسنده بکیرد که اکر احدی
از ضعکنان تعلقه مذبور فراری خواهد شد جواب
کردن ان ذمه اوست غضب سواری خاص
همانجا رونق افزا میشود که بفضل الهی از بندوبست
ظفرآباد بالکلیه فراغ خاطر حاصل شد زیاد

---

۲۸ حیدری بمجد اشرف دیوان فضل محمد نام
قلعداران از طرف خود تاکید نوشته چهل نجاه
پیاده طلبداشته تا هنکام تحصیل زر تعین هر یک
عامل نمانند و خود هم چهل نجاه پیاده طلبیده برای
کار سرکار نزد یک خود داشته بتحصیل زرها بردارند

۲۸

60 Zuqa? 1200 AH.

2

۹ م محرم سنه ۱۲۰۰ محرره در مقام ظفرآباد رفعت وعوالیمرتبت
شوکت ومعالیمنزلت ملاذ مهربانان معاذ مخلصان
مستردبوس کوزمرتبتین دام محبته ورقیمه خیریت ضمیمه
چهره ارای وصول شده برکیفیت مندرجه مطلع گردانیدند
نوشته بودند که از ارقام کمندرافسرهای انبور وانبور
ظاهر شد که جماعه سواران معه پیاده های کمر متعلقه ماه
میررا خان در تعلقات متعلقه انظرف درآمد کرده
چهار موضع سالملی وکلکتور وتالملی وتمکپور راغارت
نموده سه رعایا را کشته شش کس را زخمی نموده اشیا
وسه انجام مواضع را غارت نمودند وازین رکندر
رعایا موحش شده بیقرار آورده تاکید سرکار دربا
استرداد نمودن سامان وسزانجام مغزوته مواضع
مذبور بنام متعلقداران سرکار مرقوم وملفوف مرسل شود
معلوم شد خاندبور که برای تنبیه رمیدار اول یلی مامور
اندکاردان وباهوش واز کیفیت رسل ورسایل و

اتحاد فیما بین کمپنی کاهی واقف مزنگ همچنین امور که
خلاف مرضی وحکم دوستدار است هرگز نخواهد شد مگر
بعض سواران بی روزگار ولجه که در دوستی هند مجوز
چنین حرکات نا ملایم شده باشند چون دوستدار
را افزایش اتحاد و محبت کمپنی و پاس قرار همیشه
منظور و پیشنهاد خاطر است لهذا البته مستردنمودن
سامان و سرانجام مواضع مغروته تاکید تمام فاهمیرزا خان
سرکرده سرکار بقدغن مزید مرقوم و ملفوفت بخانمذکور
رسانند که خبر گرفته اشیای مغروته مواضع مسطور
را مسترد خواهند گردانید و بمردم همراهی قسمی سلوک
خواهند نمود که آینده از همچنین کار باز خواهند آمد به
باین مضمون تاکید منی برانچه بنام خانمسطور نیز مرقوم
و مرسل شد زیاده ایام تا طوایا ماه

غره ظلوعی سال جلوس همایون شاه تو افته مضمن فرستادن
باروت که در آب انداخته میسوزانند برای کدار مرسل

July
Tuesday

است همراه خود به برند با خط ملفوظه موسی سلیاک که
موسی کسی بنام او نوشته است و موسی سلیاک
در رسیدن خط مذکور در باب سرانجام کرده دادن
ضروری است

غره مشه بنام راجه [illegible] در ماده قیمت مقرر نموده
دادن موهای جنگلی که بالکل بکار کهی و کبار نمی آیند
برعایا

دویم طلوعی بنام شاه محمد دفیر اسلد در ماده گرفتن
جویه وغیره سرانجام نیاری رنگ محل بموجب حکمنامه
ازان شخص و بار بار بحضور معروض نمودن و منتظر جواب
بودن مشیخت خود قرار داده باشند باید که بهر نحوی که
دانند و توانند بموجب حکمنامه جویه وغیره سرانجام
بگیرند و بکار تیاری رنگ محل آرند

هفتم طلوعی بنام بدرالزمان خان انچه حکم نمودن
است عنقریب در ماده موناکول شفی نموده خواهد

ماده

منشه بنام چستی بارخان دیوان فرج باب حضار در
تبار کردانیدن مسجد از ستون و سی سنگین محراب دار
مسقف و خوش اسلوب پنج کمان و دو دلان
بموجب نوشته خود و مامور نمودن موذن و خطیب
وغیره بعد تباری ان

منشه بنام شاه نور الله بموجب نوشته سابق
بکوریال بندر رسیده و سرانجام ضروریات جهازات
از عامل انجا گرفته جهازات را روانه بندری نماید
در ماده و رسانیدن بکهزار و پانصد موم بتی سوای
موم نوشته بودند انقدر موم بتی چه ضرورت بقدر
ضرور از عامل باید دانست چنانچه پیش ازین در ماده
دادن سرانجام ضروری جهازات بعامل مرقوم شد
زیاده چه نوشته بودند که عامل کوریال پرنج کهنه و سیاه
میدهد معلوم شد همان پرنج خوب اندباید گرفت و
نکرایجب نباید کرد زیاده چه بقلم آید

۸ نمره بنام غلام حیدر عامل بجلور در باره طلبیدن
دکرفتی رسیدات فرمایش سرکار بمعرفت دیوان
بتن و ماکسی دیکر

۹ نمره بنام بهت دار دوعه اسکدار بمعرفت دار السلطنه
شش هزار کز راک کرده مقرر شده موافق ان در
عرصه یک و نیم کهری مردم اسک طی مفصل باید کرد
اکر بدیفهم عرائض علاقه شما نرسانیده درنک نمایند
هرکارهای علاقه خود را تا زیانه کاری نسازند و اکر
مردم اسک متعلقه کمهری دیکر دیر نمایند بحضور نوشته
بفرستند شما بر لفافه عرائض تاریخ و روز و وقت
مبوشته باشند در نماده تاکید دانند

۱۰ نمره بنام ساقی باک دار دوعه اسکدار بین عرضدا
مرسله از نظر کذشت نوشته بودند که مبلغ شصت و نه
روبیه از کمهری فیض حصار بابت وجه طلب جوانان
شعبه مرک سرا بمقتضا سهو در بتن رسیده است و

Factory

شما آنانت داشته اند معلوم شد بسته زر مذکور
بپیش داروغه اسکدار فیض حصار روانه نموده
رسید طلبد ارند داروغه مذکور جا بکه فرستادن زر
مذکور خواهد بود روانه خواهد نمود زیاده چه نوشته شود

منه بنام محمد رضا داروغه دویم نکر در ماده نوشتن
یادداشت مفصلی تمامی سامان و سرانجام همه
دیوستانهای متعلقه نکر معه پهته و فرستادن ان
بحضور بالتفصیل جواهرالات و طلا و نقره

منه بنام داروغه فیلی نه رکابی موسومه سر کمبل
در ماده بکر در آوردن افیال است که یکه یکه در صحرا
میکردند

از طلوعی سال جلو بروانه موسومه علی راجه بی بی عرضداشت
مرسله از نظر گذشت و کیفیت معروضه کماهی حقه هر
کدام نوشته بودند که موضع مات میل وغیره از قدیم الایام
در علاقه و تصرف شماست الحال محصول موضع مذبور در

ضبطی سرکار درآمده است مکشوف گردید برای گذاشت
سوانضع مذکور مبلغ محصول آن پروانه تاکید بنام ارشد بیگی ان
فوجدار کلنکوت مرقوم و ملفوفست برسانند برای
رسیدن حضور بارها بشما نوشته شده ایشان نیامده
عذر و حیله میان آورده از بیجهت بسبب صلاح وقت
بند و بست تعلقه جرکل و فرستادن عمل علیحده از حضور
منظور شد توجه ما بحال ان عظمت پناه قسمی که هست
دران قصور نیست بنحی طرحمع باید بود و اگر کسی از
تعلقداران سرکار مجوز اذیت رسانی تعلقه شما
خواهد گردید نام او بحضور معروض باید داشت که پروانه
تاکید حضور بنام مرقوم و مرسول خواهد شد

---

۱۲ منه بنام ارشد بیگی ان فوجدار کلنکوت از روی
عرضی علی زاهد بی بی ظاهر شد که موضع مات میل وغیره
از قدیم الایام در علاقه و تصرف بی بی مذکورست و
الحال محصول ان در ضبطی سرکار درآمده لهذا نوشته

Zilcon

مینوید که شما موضع مذکور وغیره معه محصول گذاشت کنانیده
باید داد تا علی زاجه بی بی موضع مذکور وغیره موافق معمول
در تصرف خود خواهد داشت زیاده چه

۱۴ امنه بنام شمس الدین خان وغیره در باده آنکه
داشتن زر تحصیله بکر تونکی نه و مقرر نموده انداختن
قیمت پارچه های کهه قسمیکه دارونغه های جنسی قیمت
پارچه کهه بابق مقرر کرده اند و صدور پروانه حضور
در نیماده بنام دارونغه های مذکور

۱۴ چهارم طلوعی بنام سید محمد خان بخشی اسد اللهی
در باده تعین نمودن جوانان دونبرک احمدی و
اسد اللهی معه دسولنخان سرخیل رساله غلام علی بیگ
به قلعه ارانجا و تبنه نمودن کریم بیگ منغا و معالجه نمودن
خود از حکمای انجا

۱۴ طلوعی بنام برهان الدین در باده طلبیدن
دنکیا نایک هود فرستادن قول و قسمی نامه مذکور نانه بیدن

دانش

دنوشتن تاکید بسیار بسران قلعدار دهاوار که متعلقان
ابناجی رام و برادرزاده های او را باحتیاط بدارد و جائی
رفتن ندهد و خیال داخل ساختن تهانه سرکار در شاه پور
و بلگانون وغیره که علاقه تهانه ست بنا باید کرد زیاده

شب ۱۴ امضه بنام راجه رام چندر برای فرستادن
رسید یک لک هون کنی رای که نیوشکنی نه بنین
روانه کرده اند بروانه بنام داروغه های نوشکنی نه
مرقوم و رسول شد باید که بموجب نوشته خود لکهون
دیگر نبیرزود روانه بنین باید کرد زیاده

شب ۱۴ اطلوعی بنام شمس الدین خان و غلام حیدر
داروغه نوشکنی نه بنین در باده فرستادن عرضی
راجه رام چندر معه ارسال نامه و اینکه ز رسیدن راجه
مذبور را برکها و بی کنانیده رسید باید فرستاد
زیاده

---

۱۴ اطلوعی بنام شمس الدین خان و غلام حیدر قبل از

وصول عرضی شما راهداری فرستاده شد رسانیدن
هونهای بهولی که از کوتهری عاج برای تیاری اقلام
دارالضرب اول و دویم بجا شد

شنبه ۱۶ امشه بنام مدرالزمان خان در ماده سجاف
داشتن قبای رساله سرعلی یک به تعیناتی
سواران
پشتا و تعین شدن دیگر سواران از حضور

۱۹ اطلوعی سال جلوه بنام محمد حنیف درخواصه بنیاالدین
در ماده کشاده دیدن و بستا میدن بسته ها در
عرصه چهار در هر روز نصف بسته چنانچه در ماده
بنام قلعدار دیگر هم مرقوم شد

۱۹ اطلوعی از مقام پل کاوری بنام برهان الدین
افواج مرتبه جمع میشود خبرداری و محافظت فوج خود
ضروریست لهذا القلم می آید که شما فوج خود را در
مکان محفوظ فرود آمدند و لشکر را دور دور فرود
نیاورده بطور غنیم نزدیک فرود باید آورد و تلایه

(۱۵۲)

65

دیگره هم در اطراف فوج خود باید داشت نشود که فوج
مخالف دعا کند بموجب نوشته سابق یادداشت
موجودات سامان و سرانجام دیوانی کنور وغیر
مفصل نویسنده روانه حضور باید نمود بعد رسیدن
یادداشت انچه در نیاده حکم خواهد شد کارنده باید
کرد بدیهی دیوانی کاربارگی و معتبران او چه
قدر و کدام کدام هستند بقدر اسم نویسی بنی مفصل
بنویسند زیاده چه

۳ غلوی سال جلوس ام شمس الدین خان و غلام حیدر
در ماده وصول سه جلد کتب مرسله بابت فقیه
بحضور

۴ منه بنام محی الدین معلمان دیوان کرنه در ماده
نوکر داشته تعین نمودن یک مقصدی یا هوش
نگارخانه شتر خانه متعلقه عز الله داروغه

در سنه بنام نرسنت علیخان در ماده نوشتن
نام منصدی که برای تنقیح حساب محالات که از طرف
حکام کند اجار مقرر نموده اند معه یادداشت
منصدیان هندوی وکنری و فارسی که در کچهری
شما چه قدر هستند بنویسند

بنام منوشتری در ماده رفتن اتواب راسته
علیحده مقرر نموده شد

در سنه بنام نرسنت علیخان در ماده مقرر کردن
سی راسس کاروکوتهی معه دیوان اینها برای
کارخانه بنا دیق خان خان سامان منجمله کاوان
در بعضی اماکن حکم برآوردن آن نموده شد

در سنه بنام راجه رامچندر بر طبق نرقیم شما
در ماده مقرر کردن سی راسس کاروکوتهی برای
کارخانه بنا دیق خان خان سامان بنام نرسنت علیخان
مرقوم و مرسول شد زیاده چه

۲۲

صادر در ماده

نوشتن تفصیل خرج سالیانه عرش آثار شریف
و درگاه سیدشاه و تیلچراغ ساجد و رسیدن
بازده روپیه نذر

ماده

۴۴ نمره بنام میر محب علی مجتبی اختام نفس صادر
رسیدن بازده روپیه نذر

۴۴ نمره بنام میر مرتضی دارغه نوشتن نه بس در ماده
خبر گیران بودن زرگارخانه و جواهرخانه وغیره
و بنا کردانیدن اشرفی و چیدریه وغیره

۴۴ نمره بنام سید عبدالعلیخان اول دارغه
دارالضرب هرگاه حسبی وامدگی برای طلبیدن
در فتن خویش و اقارب تعلق داران دارالضرب
ضرور شود بدارغه های نوشتن نه ظاهر نموده
حسبی اینها پیش فلعدار فرستاده چنین دانند
باید طلبید

۴۲ نسخه بنام محی الدین علی ان تعلقدار برکند در مادهٔ
روانه ساختن شما معه سان هوکان به پتن پروانه
نامه بنام عامل مهاراج درک مرقوم و ملفوف است
برسانند و زود دستردا خله وصول و باقی تعلقه تو نیده
معه سان هوکان روانه پتن شود

۴۳ نسخه بنام محمد غیاث دلور محمد خان در مادهٔ نوشتن
عرائض مطلبی سنگین و یا غیر سنگین از دست
خود و اطلاع ندادن ان باحدی از منشی فارسی
و هندوی و مقرر نمودن میرزا حسن فارسی
منشی حضور جهت خواندن عرائض و جواب
نوشتن ان و اینکه اگر سوال و جواب زر طلب
مردم متعینه خود باشد هندوی نوشتن مضایقه
ندارد و زیاده

۴۴ نسخه طلوعی سال جلوس بنام علی زاده بی بی در مادهٔ
رسیدن خط

Enloop - 1076

۴۳ طلوعی سال جلوس نام محمد اشرف در ماده نوشته
شد و بسیم
فرستادن یادداشت مفصلی معنه تعلقه سرونل وغیره
متعلقه کرنول و املکه در وجه پیشکش کرنول واله زر
مذکور مجری و محسوب نمایند و در یادداشت
مفصلی غیبت کرده سید عمر قلعدار بایه فرستاد

۴۴ طلوعی از مقام مل کادری بنام برهان الدین
در ماده طلبیدن رساله سید غفار سپه دار که متعینه
قلعه نرکندست و بجایش فرستادن دو جوق
سید حمید سپه دار و طلبیدن با نصد پیاده از نزد
سید میران قلعدار دیاز وار و مامور نمودن انها بکار
سرکار

۴۵ منه بنام عامل میسور در ماده روانه ساختن
هشت نفر خانه داران کار بکر موضع او متور برای
کامکاری دارالضرب هوتری درک نزد راجه
رامچندر

۴۸ منه راجه رام چندر پروانه تاکید در باده فرستادن
منت فرجاه داران موضع اومتور بپولسه بنام
عامل میسور روانه شد عامل مذکور خانه داران
مذبور نزد شما خواهد فرستاد

۴۸ منه بنام راجه رامچندر و محمد اشرف دیوان
قبض حصار در باده فرستادن دو قطعه راهداری
حسب درخواست برای روانه نوار بافان و
سه جاعدار وزر تحصیله قبض حصار وغیره بهتن

۴۸ منه بنام زین العابدین بخشی فرح باب حصار در باده
خرچ نمودن کرادی که زیر چیونره کنجی کودی کوته برآمد
برای اخراجات فرح باب حصار

بنام قادر بیه وانبار در باده طلبیدن نخواهان
برآوردن مروارید

۴۸ منه بنام ارشد بیگ خان بدرالزمان خان را
برای کار سرکار در ملک نیله سرحکم کرده شده است

هر کاه که خاندکور شما را معه میکیا طلب خواهند کرد
باید که معه فوج شما با هفته انچه که کار سرکار باشد
سرانجام دهند و بعد انفراغ کار با ماکن خود روانه شوند
~~هم معه بنام پدر از زمان خان باید که اول شما به نیکه~~
رفته باتفاق کشتیا در انجا فرود آمده بحیله جست وجوی
سوما ملکاوری والا متوقف بوده موناکول را که
پیش ازین هم معه همشیره زاده خود برای ملاقات
کشتیا وردی ورم راج آمده بود با ریم شما هم نامبرد
را برای ملاقات خود طلبیده موناکول مذبور را معه
همشیرزاده او و انچه که جمعیت همراه او باشد همه با
را اسیر نمایند و بحضور معروض دارند و اگر فوج
مطلوب افتد بارشد میکنن و میکیا نوشته
خود طلبدارند بعد انفراغ کار نامبرده ها با ماکن خود
روانه خواهند شد خانچه در نیماده بهر دو سرداران
مذکور حکم کرده شد باید که بهر حیله و تدبیر مفسدان مذکور

بگیرد را رند تا طلب شما هر دو سردار ان مذبور حالا
جائیکه هستند متوقف خواهند بود اگر سوای طلبیدن
هر دو سرداران مذبور مفسدان مذکور را اسیر سازند
اطلاع اسیری او بهر دو سرداران مذبور باید داد
که تا انها با ماکن خود روانه شوند تحریرا فی

سلخ ظلوعی سال جلوس بنام سید محمد خان بخشی اسد اللهی
در مادہ مسلسل داشتن سعید خان باسمی و مامور
بودن بزرگ جوانان اسد اللهی حسب کفته داروغه
توشکی نه برتوشکی نه دغیره و وصول او و به اسد اللهی
بحضور

سلخ سه بنام زین العابدین بخشی فرح باب حصار
در مادہ طلبداشتن بوتشی و سرانجام رعنا و غیره
اندرون ملک و نویسنده تاکید دیوان کجهری
بنام عمالان و رسیدن سواری خاص بان نواح

سلخ سنه بنام محمد اشرف دیوان فیض حصار در ماده
تفید نمودن اسحه والا و نوشتن تاکید به تعلقدار
رای درک که اسحه والای علاقه خود را همه وقت حاضر
دارد تا در رسیدن عرایض بخلل رود هر و تاکید
بعمالان تعلقات باید کرد که حاوی انچه بسته بدهند
و درخت نصب کردانند

سلخ سنه بنام مرتب علیخان در ماده فرستادن
بهاسکر متصدی فارسی بحضور و داشتن دیگر
منصدی در دفتر کند اجارد معروض نمودن برای
در ماهه او بجهد

پنجم یوسفی سال جلوس بنام شمس الدینخان و غلام حیدر
دارو غه توشکخانه بتن در ماده رسیدن چهار تهان
جهت بندری مطلوبه حضور بر اسکدار و زرد و تر فرد
خزانه مطلوبه بحمل شتران بحضور و عقرب رسیدن
سواری خاص بدار السلطنته بتن

۱۳ یوسفی سال جلوس نام محمد خسف وضیاء الدین پیش
ازین بنی جنس مفصلی نویسانیده فرستاده شد
رسیده باشد تعجیل نموده جنس را بر جهاز سوار
نمایند زیاده چه

۱۳ امنه سنام بدر الزمانخان در مادہ برداشتن
مونا کول شقی وطلبیدن متعلقان او بنش خود و
مقید و مسلسل نگاهداشتن انها و اینکه اگر همشیره زاده
مونا کول از بست و پنج سال زیاده باشد او را هم
بردار باید کشید و دو صد نفر بهمراهی مونا کول را
احمدی نموده در رسالجات احمدنگر که در بنولا روانه
شده رسیده اند انها را نیز داخل احمدی نمایند
وشما هم معه جمعیت خود روانه نگر شده نزد یک
دیوان دویم نگر که در سیوگاه ست همانجا حساب و
کتاب علاوه خود درست کرده اند زیاده چه

۱۳ امنه سنام یوسف بیک کوتوال در مادہ رسید

حضور

۱۲ امنه بنام احسان الله در باده خبر گیری نمودن
جوانان اسد اللهی و انکه بموجب درخواست شما
سه قطعه پروانه تاکید در باده گذاشت جوان مفید
کرده علاقه شما و عدم مزاحمت جوانان بهرتی والا
بنام قلعدار کاتلم و انت گیری دگرور

۱۴ امنه بنام عبد الغفار رعامل معزول در باده
برطرف نمودن ختم خوانان

۵ اسال بنام محمد حنیف دغیره در باده سوار نمودن
اجناس بر جهازات

۵ ابو سعی سال جلو بنام میر معالی خان قلعدار معزول
بکل در باده فرستادن یکی از برادران خود برای
گرفتن شش هزار روپیه نزد غلام محی الدین فوجدار
کنجن کد در رسیدن خود معه متعلق بحضور وانجه از
حسن سلوک روسای انجا باوصف در میان آوردن

قسم وعهد ومراتب دلجمعی خود نوشته بودند معلوم شد
بلحاظ همین امر قبل از رود آدعواص پیش آمده
طلبیده بودم ایشان دور بینها بکار بردند آخر
همان آمس در کاسه شد سرداران عمده را اس
ایفای عهد وموافقت همین عنوان می باشد

ه ایوسفی سال جلوبنام زین العابدین بخشی فرح
حصار حسب درخواست شما بموجب یادداشت
مرسله دو قطعه راهداری ملفوف است

ه امنه بنام غلام علیخان وتطف علیخان جوانان
اسد اللهی وسزاول جیش هم روانه شده اند میرسند
بموجب درخواست شما در داده زود رسانیدن
سرانجام روانگی جهازات بنام عامل کورمال تاکید
بقدغن نزد مرقوم دیرسول شد

تهدهم ربیع الاول سنه ۱۲۱۴ هجریه رفعت وعوالیمرتبت
شوکت ومعالیمنزلت راجه بیکو سلمه الله تعالی از مدتها

اده

مژده خیریت آن عوالی مرتبت مفهوم و موجب سرور خاطر
نشد لازم که همیشه مشتاق خیریتها دانسته بتحریر و تسطیر
نمائی خیریت مسرور میفرموده باشند بمقتضای وفور
توجه دوراسپ و یکدست خلعت فاخره برای
آن عوالیمرتبت بصحابت محمد قاسم و محمد ابراهیم
ملازمان سرکار فرستاده شد خواهد رسید فرستادن
اشخاص مذبور بنابرین منظور گردید که اجناس مطلوبه
این دیار در آنجا برسند و آنچه در سرکار مطلوب شود
از آنجا خریده شده بیاید و آمد و رفت جهازات طرفین
جاری باشد می باید که آن عوالی نشان آنچه مطلوبات
خود باشد بنا برده ها گفته و بهم در حضور میلونه باشند
که فرستاده خواهد شد مسموع شد که در آنجا یاقوت
بیش قیمت و رنگ دار و بهتر میشود لهذا برای خریدن
آنی بنا برده ها تاکید کرده شد که می دانه یاقوت در
وزن ازده فلم یاسی فلم باشد بمعرفت اهلکاران آنجا

خریده بیارند باید که ایشان هم با ملکاران خود تا
نموده یاقوت بهتر و زنگ دار و بیش قیمت بکفایت
خرید کرده بیارند بدهند و وجه قیمت آن از ما بگیرند تا باید
که اینمعنی موجب مزید محبت و موالفت خواهد گردید
زیاده چه بقلم آید ایام بکام باد

۲۳ یوسفی سال طوطی بنام محمود علیخان تعلقدار جوسحال
در باده روانه شدن هنا و بموجب نوشته سابق و
تیار کردانیدن جهازات تیاری طلب و سرانجام
جوبنه وغیره انچه برای تیاری جهازات مزبور مطلوب
باشد از نرد دار و غه های کورنال طلبیده داده تیار
باید کردانیند

۲۴ منه بنام سنبه جلال الدین بخشی و ستیجات ماه مرزاخان
در باده روانه ساختن بشما معه و ستیجات جایکه سابق
در جزایر بود ند پروانه بنام ماه مرزاخان صادر گردید
باید که شما معه طویلیجات خود روانه شوند زیاده چه

Cabl 166
T 143
Cabl 1206
2

بست و دوم ربیع الاول سنه ۱۲۰۶ هجری بنام کورنجانین
دیرسد که مژده خیریت ان عوالیمرتبت معلوم و
موجب سرور خاطر شد از جهت خاطر همیشه خواهان
خیریت ما میباشد لازم که مشتاق دانسته همیشه راقم
احوال خیر مال باشند در مورد بالفصل الهی قلعه اول بلی
مفتوح و تهانه سرکار قایم گردید زمیدار انجا معه متعلق
فراری گردیده بنواح کرناتک رسیده پناه مالکان را
چنور گرفته است چون فیمابین سرکار و ان عوالیمرتبت
همیشه اوائل اتحاد و یاس عهود و مواثیق منظور
است لهذا انجا مرقوم آمد که مالکاران چنور
را تاکید موکد نمایند که زمیدار مقرور را معه متعلق
او پناه ندهد حوالگان سرکار نمایند که ایمعنی
موجب مزید محبت و موالفت خواهد گردید همیشه
بخبر و قسطیر نامهای انا تق سرور و مبتهج باید داشت

زیاده چه ایام نگاشته

۴۳ یوسفی سال جلوا از مقام بتن بنام احسان الله خان
طلا و نقره و اسب و کاو و غیره انچه متعلقه قادر اغای
متوفی باشد حواله قلعدار و عملدار انجا نموده رسید
بگیرند و غلام متوفی مذکور را که داخل اسد اللهی نمودند
بجا شد زیاده چه

۴۴ یوسفی سال جلوا از مقام بتن بنام کریم الله خان
شخص سفارشی محمد مدار بخشی در باده رسیدن خود
سعه جمعیت موجوده بحضور و بعد رسیدن حضور و
ملاحظه اسپان و جوانان سراسری صدر و مه ساعده
دیده خواهد شد باید که بخاطر جمع و اطمینان کلی
عازم حضور شوند زیاده چه

۴۵ یوسفی بنام محمد عیسی عامل افضل آبادی مکرر مرقوم
ترقیم خود مبنی بر این شده از قسم بنادق
و غیره هر چه باشد بفرستد المتمنا سرانجام بسیار
جا بجا انداخته امداد سامرها سراغ ان بهمرسانیده

۲۱

بدست ارند حسب درخواست شما برای تعین ساختن
یکصد پیاده معتمد تا سه ماه پروانه بنام قلعدار
انجا رقوم و ملفوفست زیاده چه
۴ نمه بنام عبد القادر خطیب قلعدار انصل ابادی
یکصد پیاده معتمد تا سه ماه تعین محمد عیسی
عامل انجا نمایند
۴ یوسفی سال جلوار مقام مان بنام غلام علی
کسان همراهی شما بموجب مفصله ذیل همراه بخشی
غلام محی الدین بعلقه نکرو یک راه در چوکی بالصد (بیاده) ۱۱۵
و هفت پیاده فرستاده شد خواهند رسید
بعد رسیدن اینها پیاده ها را برای حفاظت مامور
داشته بعد سوار شدن جهاز رسید خود داده
پیاده ها وغیره را روانه حضور نمایند
جمله مالصد و یکنفر بعه سرانجام بنادلی وکوره وغیره
چوقدار بارک خان علاقه چوقدار محمد امام مغلقه سراوا
اسد الهی وغیره لمعه مالهر

۲۰ یوسفی سال جلوس نام غلام علی آن عرضداشت
مرسله را دادند سرانجام باقی که نرسیده دیوان
مکرمه رسانیدنش بخود گرفته بت از نظر گذشت
آنان برای روانگی ردوم مقرر و مامور شده روانه
شده اند نه برای نوشتن قضایا چون از قصه نویسی
موسم روانگی آخر نمیشود باید که هر نرسیده محصلی نموده
سامان مطلوبه خود گرفته در جهازات بار کرده
روانه شوند و اگر چیزی سرانجام کم هم باشد برای
آن توقف کرده موسم روانگی را از دست ندهند
از دست ندهند ردوم همراهی شما در وقت روانه
شده اند خواهند رسید بموجب ارقام آن حشمت
مرتبت برای رسانیدن سرانجام باقی تعدد غش
مزید به نرسیده نامه کید مرقوم و مرسول شد زیاده چه

۲۹ یوسفی سال جلوس نام غلام حیدر عامل منگلور
تهان کسه برای غلاف فانوس و نهان سبزی

بحضور موصول شد همین پروانه را بجای رسیده باید
نمود که از روی این پروانه اهلکاران دیوانی مجری
خواهند داشت زیاده

۹ ۴ منه بنام شاه نور الله مالد بحای وشرارت
مهاد نهاست که افغان را مست کرده میماند باید که
او را نازیانه کاری باید کرد و اگر فی الجمله یک زنجیر فیل
بابت روانگی مست هم باشد یکه بر یک جهاز سوار باید
گردانید بموجب ارقام شما در ماده روانه ساختن
محمد یوسف ماسر نام قلعدار کوریال پروانه مرقوم و
ملفوفت برسانند و تعجیل نموده سر انجام همراهی
خود بر جهازات بار کرده روانه شوند و موسم روانگی
را از دست ندهند زیاده

۹ ۴ منه بنام راجه راجیندر چند حسب استدعای شما چتیه
راهداری که بار لوت دکوله بحمل سه صد راس کاروان
یکصد و ده نفر قرص می برند ملفوفت زیاده

سنه ۱۲۱۶

سلخ یوسفی سال جلو بنام شاه نورالله در ماده رود
روانه شدن بردم و سرانجام باقی بر جهازات زود
تر بار نمایند مردم همراهی شما و جواهر وغیره روانه
شده اند خواهد رسید دیگر نخیر فیل که مست شده است
از فیلبانان دستی براورده یکه بر یک جهاز سوار کرده اند
برای رسانیدن سرانجام باقی همراهی شما تواکید
به نرسیاد عامل کورمال مرقوم و مرسل شد بهمین مضمون
بروانه بنام مراد خان دارو غه جهازات مرسل گشت

سلخ یوسفی سال جلو از مقام بنام سرمست علیخان
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کوائف معروضه
گاهی ظاهر گشت نوشته بودند که منجمله زراعتم که بامت
کنداله نیست زر غیر مجرای دیوان درهم و خورد و
بردن فصلات که در انقضای ایام اکبر اسامی فوتی
و فراری شده بودند بسر اولی شدید مبلغ سی و شش
هزار هون از سررشته داران وغیره معرض وصول

دوادهنده

آورده بخرج تحصیل زر خورد برداخته م که ذمه عاملان
انداخته بودند وحسب الحکم حضور وصول ساختن
زر مذکور ذمه راجه رامچندر نموده تحصیل زر ذمه
تعلقداران قلعه مامور اند معلوم و مستحسن است زر
بابت اخته م که از روی واجبی که بر ذمه عمال
واجب الطلب سرکار است بتی ان مشروخانونیان
بتحویل راجه مذبور نمایند که بعرض وصول خواهند
آورد و زر بابت اخته م که ذمه تعلقداران قلاع
است خود بسزاولی شدید وصول باید نمود
وصولش متعلق بایشان است قلمی بود که بنظر
درستی کار سرکار اعتبار کسی نداشته بدلخواهی
وحقوق نمکخوار که می پردازند واز نارسائی طالع
خود دارد وعاسکدار انجا وسرکارها این کیفیت
بعرض نمیرسانند موضوح شد عمدگی زمانت
ایشان ذهن نشین خاطر بهمین جهت بکار انجی

مامور فرموده ایم و دار و غه مذبور و هر کار با بر انبار
نویسی انجا مامور ست اصل حقیقت بعرض نرسانیدن
چه امکان دارد مرحوم نبود که از بدن شما در جمع و
خرج انهوی از روی واجبی و حساب حکما مه نوفیر زر
سرکار میشود لهذا اشراکت این ان خوش نیامده
لفظ ضد بحضور ظاهر میشود مکشوف گردید هرگاه از
روی واجبی و حکما مه کفایت سرکار در جمع و خرج
انهوی نشده باشد بلا اندیشه کارپند باید بود
کیفیت یک شخص بسیار واقف کار انملک که وصول
هشت لک هون باقی دو دو سه لک هون سی و نصف
هزار هون بابت توفیر بر ملک ذمه خود گرفته مجلکه نوشته
سند نوشته بود مفصل معلوم شد ان الله المستعان
عنقریب نهضت رایات عالیات در انجا میشود
در یافت این مقدمه نموده خواهد شد زیاده
بقلم آ

۶ ابردی سال جلوار مقام دار السلطنه بنن نام
زین العابدین بخشی اخ م فرح باب حصار حسب الستدعائی
ایشان بکقطعه راهداری که مردم متصدیان فرح باب
حصار برای شادی بکادیری بنن رفته بودند دمار
بفرح باب حصار می آیند ملفوفست زیاده چه

هفتم ربیع الثانی سنه مجوره مطابق هشتم ابردی
سال جلو در مقام بنن بنام کونرخانین دیرست
که مژده خبریت ان غوالیتربت شامعه نوارد توجب
سرور وانبساط خاطر نکردید ازین ممر خاطر همیشه خواهان
خیر تهامیباشد شالسنه عالم اتحاد و داد آنست
که پاس انضباط روابط و یکجهتی ها ملحوظ نظر داشته به
تحریر و تسطیر وقایع خیریت شمایم منفرح و منشرح نمود
باشند پیش ازین رقیمه متضمن انفتاح قلعه اول بیلی
و داخل شدن تهانه سرکار بمکان مذبور و اینکه زمیدار
انجا معه متعلق و اثاثه خود پناه بالیکاران چطور کرفته

است ان عوالیمرتبت به بالیکاران حضور تاکید نمایند
که بالیکارندبور رامعه متعلق واثاثه او حوالگان سرکار
سازند قلمی گردید یقینکه موصول شده باشد دان
رفعت مرتبت بمقتضای اتحاد و یاس عهد و مواثیق
در ماده حوالنمودن زمیدارند کور بگان سرکار تاکید
نموده باشند اطلاع دهند و ما را همواره در تزاید مزا
دوستی و اتحاد مشعوف انگارند زیاده چه

صله

هم ابردی سال جلوس مامم برهان الدین الواب بقا
در مندها داشتن مناسب و صلاح نیست موافق
قاعده لشکر خود الواب نزد یک لشکر باید داشت
و خبر مخالف بیهم طلبیده بجای خود خبردار و مستعد
باید بود و هم ازین حقیقت بحضور اطلاع باید نمود
زیاده چه

هم ابردی سال جلوس مقام بمن بنام میرابراهیم
تعلقدارست ماثر بارشد بیگان برنگارند که بعد انقضای

Letters 118(c)
Fr Left
118(c)
Ac 472

ایام تحصیل خود هم نزد شما خواهم رسید و پیاده ارا هم خواهم
فرستاد برای تبدیل دو سر رشته دار هندی و کنزی
معروضداشته بودند متعاقب هر دو سر رشته دار
باهوش و کاردان از حضور مقرر شده روانه میشوند
حسب معروضه خود زر تحصیله معه خود بتوشکی به کلیکوت
روانه ساخته باز هم زود زود زر تعلقه معرض تحصیل
و ترسیل می آورده باشند زیاده چه نوشته شود
ا ابردی رفعت و عوالی مرتبت شوکت و معالی
منزلت ملاذ مهربان معاذ مخلصان مشرحبان بهر
کو نر جنرل بنگاله رفیعه ضربت ضمیمه چهره آرای وصول
شده سر زرد منشرح ساخت و بر کیفیت مندرجه
مطلع گردانیدند نوشته بودند که فقط یکدست خلعت
مرسله سرکار رسید و جواب خط نرسید بدریافت
اینمعنی کمال تعجب رو نمود چرا که ضابطه سرکار اینست
که جواب خط معه خلعت فرستاده میشود نه فقط خلعت

چون آنهربان صرف از وصول طلعت بی حظ قلمی نبودند
محل استعجاب شد نوشته بودند هرگه از انگریزان و
مردم متعلقه ان در قلمرو سرکار مقید باشند انهارا نظر
بترامد دوستی رهائی باید داد معلوم شد و چنانکه فیمابین
سرکار و اهل کمپنی انگریز مصالحت بوقوع آمد همانوقت
تمامی مردم انگریز وغیره متعلقه انهارا گذاشته باید رفته
روانه چنانچه مبین نموده شد و در صلح نامه هم مندرج
است هرگه بخوشی خاطر برفتن گزنگ رضامند
باشند مزاحمت ننماید کرد مطابق قرارداد اذن
عام داده تاکید کرده شد هرگه بخوشی و رضامندی
برود مختار است خانچه بیشتر مردم که رضامند برفتن
بودند رفتند و کسانیکه برفتن انجا رضامند نبودند
عامی که تمکن مالوف خود انگاشتند راضی شدند
بهرحال مخلص را رفاه و امنیت خلایق و پاس
انضباط عهد و مواثیق خانچه باید همیشه ملحوظ و مدنظر

است یقینکه ان عوالی مرتبت هم در انچه روز بروز
تزاید دوستی و انحاد طرفین شود کار مند خواهند
بود زیاده چه اهتمام لازم دانسان بار

بخزانه دوم مکاتبه رفعت و عوالی مرتبت حشمت
و شوکت منزلت مهربان دوستان سلمه الله تعالی
خط خیریت نمط روی وصول نموده مسرور و منشرح
و بر کیفیت مندرجه مطلع ساخت نوشته بودند که
سرداران نوامی ممالک محروسه اقتدار دوستدار
و بندگان حضرت خلد مکان شنیده حد برده می
خواهند که با فوج انگریز اتفاق جنگ و جدل رو دهد
نا موجب خرمی و خورسندی انها شود به تصور انکه
نقصان سرکار ما بظهور خواهد آمد و این ان انچه مردم
هندوستان میکند و می بینند از راه رسوخ اخلاص
و دولتخواهی همواره آرزوی ان دارند که مصالحت
و اتفاق ما با انگریز برقرار باشد در ینصورت قسمی که نگارش

I suppose the Commissioners in Bengal have heard of the Nawaub's intended Movement against the English Army, and imagine that a Rupture will be the consequence of it, to the Loss of the Company, and to the Pleasure of the Country People, but they are mistaken in their Conjectures, for the Nawaub's Friendship for the English is such, that he will not suffer any Person to create a Misunderstanding between them, and the Country People are Fools to wish for it.

خواهد یافت بعمل خواهند آورد موضوع شد بد طینتی مردم
کوتاه بین که از بد و شعور خمیر مایه فطرت طبعی انهاست مقفل
بر تمامی که ذمه هندوستان و اهل فرنگ طاهر با وجود
مشاهده و معاینه بد ذاتی انها که اگر کسی فرصت خورد
اینهم از جمله نوادر مقصور منظور دیش نهاد خاطر ما
بن ست که فیما بین سرکار دولتمدی انگلیس همواره افزایش
نحاد و دوستی شود و موافق قرارداد طرفین بانضباط
عهد و مواثیق پرداخته اند ما معاندان کوتاه بین به
اعمال خود ما رسیده نادم و پشیمان شوند
چنانچه اینهمه مراتب پیش دانایان مخفی و محتجب نیست
چون ایشان دولتخواه سرکار اند انچه لازمه دولتخواهی
طرفین باشد در ان قصور نکرده اند و نخواهند کرد زیاده
بقلم آید ایام نشاط و شادمانی دایمان باد

۱۶ اسد شاه نور الله و محمد حنیف در ماده زود در بار
گردانیدن جیش و غیره سرانجام همراهی خود با برهان

روانه شدن مردم اسدالله‌بی وغیره مقرر شده روم

بموجب حکمنامه نزد شما باید که جلد سرانجام وجیش بر

جهازات بارکرده روانه شوند وموسم را از دست ندهند

کنک ملا وغیره تمامی مردم همراهی ایشان روانه شده اند

رسیده باشند

---

۱۶ امنه بنام نواب شیخ علیخان بسرعت الزام رفعت

وعوالیمرتبت شوکت ومعالیمنزلت سلمه حسب استدعای

شما یکصد روپیه برای خرج ایشان روانه شد

انداز سیهی حسب الحکم حضور خواهد رسید زر مذکور

گرفته خود را بحضور رسانند یکقطعه راهداری معه

پروانه موسومه سیهی مذبور هم ملفوفه برسانند

---

۱۶ امنه بنام ارشد الله خان بخشی امتعه مرقومه

روانه شدن قلعدار کنک کبری بعد تحصیل نمودن

زر خورد برود ذمه قلعدار مذبور وانکه آینده مجور تغیری

وتبدیلی قلعداران بدون حکم حضور نشوند درینماده

قدغن بلیغ الکارند

واسته بنام محمی الدین علی ان دبیر عرائض خان جنت
درخواست شما برداته تاکید در باده تحصیل نمودن
زر زمه قلعه دار کنک کبری و روانه ساختن ان
به قلعه و اینکه آینده قلعه دار را بر ای حکم حضور تغیر
نمودن ضرور نیست

واسته راجه رام چند در باده فرستادن یکقطعه
راهداری برای فرستادن یک بهره مردم بارجیت
بگیر در آوردن چهار نفر شوره پز مقرر تعلقه استی انکال
و مقرر نمودن دریامه عامل و سررشته داران و غیره
مردم تحصیل تعلقه کنکنی درک بقدر جمعندی انجا
موافق سررشته سرکار

واسته بنام بدر الزمانی خان جنت اسعد عالی شیما
یکقطعه راهداری مرقوم و ملفوفست باید که سرانجام
و سواری فرستاده متعلقان خود را از خود طلب ماید

داشت زیاده صبه

بنگلو

و ۱۱ اردی سال جلوس نام راجه رانچندر دیوان

در ماده رساندن زر بهت اخراجات مشوران

وغیره متصدیان قلعه برسم علی الحساب تا صدور

تصدیق انها که متعاقب روانه میشود وضع نمودن

ان بعد رسیدن تصدیق در طلب مردم مسطور

۲۴ بنام زین العابدین نبی اختام فرح باتصا

در ماده فرستادن نبی پیاده سرکه جایجا

در اماکن تعین شده بحضور و بعد رسیدن سی مذکور

بحضور در پیاده انچه که حکم نفوذ شده خواهد

شد زیاده صبه

۲۳ اردی سال جلوس نام راجه رانچندر در ماده

فرستادن ۲ تهان سری نوتیار منعه فرد قیمت

ان بحضور پروانه تاکید شد در خواست شما نام

قلعدار کنکنه مرقوم و ملفوف شد برساند زیاده صبه

۴۳ نسخه بنام دیوان قبض حضار راهداری مرقوم و
ملفوفست حسب معروضه خود ملک هون تحصیلدار تعلقه
خود معه تنهائی کهاری دسری وغیره روانه حضور
نمایند زیاده چه

۴۴ امردی سال جلوس بنام برهان الدین درماده
طلبیده نوکر داشتن حکیم محمد باقر اسالور و نوشتن
کیفیت احوال او بحضور نادر ماده تقرر درماه او حکم
صادر خواهد شد

۴۴ نسخه بنام غلام علیخان و لطف علیخان ولد شاه نور الله
و محمد خلف وغیره عزالفضل مرسله از نظر گذشت و کوائف
معروضه ظاهر گشت نوشته بودند که تمامی سامان
و سرانجام و جنس تجارتی وغیره بر جهازات بار
کرده منتظر رسیدن مردم الله الهی و جواهر هستند
بعد رسیدنش روانه خواهند شد معلوم شد منتظر آمدن
مردم مزبور روانه شده آنرسیده باشند الحال مرقوم

جواهر هم فرستاده شد خواهد رسید بعد رسیدش
زود تر روانه شوند و موسم را از دست ندهند قلمی بود
که موسم روانگی عبده منقضی شده الا موسم بصره
و مسقط باقیست در نیماده قسمیکه حکم خواهد شد موافق
ان بعمل خواهند آورد معلوم شد بیش ازین عثمانیان
ملازم سرکار که حسب الحکم حضور روانه شده به بصره
رفته از انجا به بغداد موصول گشته معلوم شد که اگر
از بغداد قافله روانه شود به شصت منزل باسلام بول
میرسد چاپچه نامبرده را بادشاه بغداد باسلام بول
روانه کرده است اصلح داصوب چنین معلوم میشود که
شما هم ازین راه به بصره رسیده و از انجا به بغداد
موصول گشته روانه اسلام بول شوند منظور خاطر است
که بندر بصره باجاره در سرکار باید رفت در صورت
رفتن شما به بندر بصره بچندین وجوه سخن گفته باید
که در بندر مذکور رسیده و کیفیت انجا و بندر مذکور

دریافته ملاحظه کرده جنس تجارتی را فروخت باید کرد
و از انجا راست روانه نجف اشرف باید شد و از طرف
سرکار نیابت و غیره بجا آورده بکمال عجز و الحاح ملتجی و
مستدعی باید گردید که اگر آوردن نهر در نجف اشرف
نصیبه سرکار نیابت حکم شود تا سال آینده برای آوردن
نهر کسان سرکار معه مبلغ فرستاده آید انچه از بالکاه
معلی در پیاده ارشاد گردد کسبت ان مفصل معروض
حضور باید داشت تا موافق آن بعمل خواهد آمد می باید
که بعد رسیدن مردم اسد اللهی و جواهر توقف نکرده
روانه شوند در پیاده تاکید دانند زیاده چه
بنام ارشد بیگان در پیاده تعین و بحال
داشتن پیاده های است کیری معه قلعدار تا اتمام
تحصیل به تعلقه تست مار
بنام برادرم حسب درخواست شما پروانه تاکید بنام
ارشد بیگان در پیاده تعین و بحال داشتن پیاده های

است کری معه قلعه در ایام سیل به قلعه سنار
مرقوم و ملفوف است زیاده چه

۴۵ منه بنام جشتی یار خان در ذیل العابدین بخشی
احتشام فرح باب خصار در ماده کذاشت نمودن
زمین کندا چار بابت پیاده سرهی و فراهم نمودن
دو هزار پیاده سرهی که جوانان مضبوط و ثابت
میشوند

۴۵ منه بنام بدر الزمان خان کورنه ها که بجوانان جشتی
داده اند مناسب دیده قیمت کورنه ها در طلب
جوانان وضع نمایند و در ماهه سررشته داران
احتشام دکهاشتها انچه در حکمنامه شما مرقوم است
میرسانیده باشند تصدیع جدید فرستادن احتیاج
ندارد و مناسب دیده مقرر نمودن یکفلوس یومیه
به بچه های پنج ساله تا ده ساله کورکه ها

۴۵ منه بنام محمد اشرف دیوان فتحپور خصار حسب درخواست شما

پروانه تاکید بنام عامل متعلقه فیض حصار مرقوم و ملفوفت
متعلقان عمال متعلقه مذبور را طلبیده در فیض حصار
باید داشت

۲۶ منه بنام راجه رامچندر دیوان بنگلور در باره
مهیا داشتن دانه سرخ از بنگلور ماحص رای درکه وغیره
در سرحد خود در رسیدن سواری خاص عنقریب در انجا
و کفایت نمودن دانه سرخ بسواران طویله که دوازده
هزار همراه رکاب می آیند

۲۶ منه بنام دیوان فرح باد حصار [illegible] مذکور
و مهیا داشتن دانه سرخ از رنکری تا نمزبین در
سرحد خود

۲۶ منه بنام دیوان فیض حصار بمضمون مذبور
مهیا داشتن دانه سرخ در نمزبین وغیره در سرحد خود
برای سواران طویله که دوازده هزار همراه رکاب می

۲ نسخه بنام بدرالزمان خان جنانکه زن و بچه کورکه
خواه در تکریا در کونلی ورک وغیره خواهند بود طلبیده
باینها ملحق کرده بهند و بموجب حکم سابق برای خرچ
اینها میرسانیده باشند

۲ نسخه بنام راجه رامچندر در مادهه فرستادن
راهداری جهت روانه ساختن تاتیتی بحضور و
اینکه عنقریب قلعدار خانخان هم با بحضور می آید به
تدارک و افعال ناسالسته خود میرسد

۲ نسخه بنام محمد اشرف دیوان قبض حصار بموجب
نوشته سابق وجه طلب چهار ماه منعبه وغیره سندی
برین نزد قلعدار انجا فرستاده رسید طلبدارنا
و برای تحصیل زر باقی متعلقه مزبور خود و برعامل متعلقه
بور محصلی و سزاولی بکار برند و معرض وصول

۲ نسخه بنام بدرالزمان خان انچه از فوت شدن با صد

کورکانه بعارضه چیچک نوشته بودند معلوم شد همه
ملک حارست هرجا که آب و هوا موافق باشد باید
دانست زیاده چه

۸م بنام شاه نورالله نوشته بودند که همه سامان
وغیره همراهی خود بر جهازات بار کرده منتظر رسیدن
مردم اسدالله‌ی و سزاول وغیره هستند معلوم شد
قبل از وصول عرضی شما مردم مذبور و جواهر روانه
شده است در انجا رسیده باشد باید که بمجرد رسیدن
مردم مذکور و جواهر روانه نمودند و بموجب نوشته سابق
به بصره رفته و از انجا به نجف اشرف موصول گشته
بمکان شهادر روانه باید شد و توقف نباید کرد
در نیاده تاکید باید انگاشت زیاده چه

۹م منه زین العابدین بخشی اجشام قصاب
درخواست ایشان تاکید بنام الحق هرکاره هری
مرقوم و ملفوف برسانند در مقدمه سرب و بارود

انچه در حکمنامه شما مرقوم ست موافق ان ... و
و بر خلاف ان کار نمد خود رائی شدن موجب
کمال

سلخ سنه بنام زین العابدین خان ... در ماده
وصول نمودن از زمه قلعدار معزول تا وامی
روشن خان وسته دار زمه خود گرفته و امار علیخان
ضامن ان شده اند و مقرر نمودن یک قلعدار مربوط
در کدهی کنکو با و ما کونده که مکان سرحد ست
برای حفاظت کدهی مزکور

۳ بیاضی بنام راجه راجیندر در ماده طلبداشتن
سوبه راو سر رشته دار منکلوکه شما بمتاری خود
رخصت داده اید و کرنه قرب دولک روپیه که بر
زمه نامبرده واجب الطلب بکارست ثبت نکردن
خواهد افتاد

۴ بیاضی سال جلوس بنام محمد واصل قلعدار تارمری شما

بمحافظت و حراست قلعه خود پردازند و اگر بازهم سوار از
لچه حیدرآباد مایند تنبه نمایند حسب درخواست شما
در ماده رسانیدن ذخیره و سرب و باروت بقلعه
شما پروانه بنام بخشی احشام مرقوم و ملفوف
برسانند زیاده چه

ششم بیاضه بنام میر محب علی بخشی احشام فصل حصار
موافق قاعده و سررشته سرکار ذخیره و سرب و
باروت به قلعه نارمری برسانند

هفتم بیاضه سال جلوس بنام غلام احمد قاضی مرد رمادی
سلمانی ساکن لکولی که بطور هندوان پرستش اصنام
میکرد و از آن ایمنی در یافته صبغه زن بچه هاش
بگیرد آورده نقد و زیور طلا و نقره و غیره روانه کجهات
احشام حضور میفرستاد و او را در نزد داشته منتظر حکم
حضور باشد نوشته بودند نوعی که حکم شود عمل خواهند
آورد معلوم انجه نقد بزار روپی [illegible]

برما مبرده باید کرد و باید گذاشت در امور شرع شریف
ایشان خود مختار اند رباره
ه ایضاً سال جلوس بنام محمد اشرف صاحب در جواب
شما مکتوبه راهداری برای فرستادن دوازده
هزار هون و بست هزار روپیه مرقوم و ملفوف
باخط و بدرقه روانه نمایند
بنام سید محمد قلعدار در باره تعین نمودن جوانان
یک یزک به غلام احمد قاضی انجا و فیصله ساختن
امور شرعیه حسب کفته قاضی مذکور
بنام شمس الدیخان تمامی کتب کتبخانه و مرحمه
مدد برای مطالعه نمایند و بتفید کرفته داخل کتبخانه
ساز ند و چهار جلد مفصله ذیل حواله قاضی انجا
نمایند
فتاوی عالمکیری شرح وقایه منار الوصول
منتخب اللغات مصر مصر

۱۶ ایضاً

۱۶ ابا قلی سال بنام زین العابدین بیگی اخشام
فرحات حصار یکقطعه راهداری برای رفتن زوار
داران علاقه فیصلات حصار به کلبوت خیبر خواست
شمار رقوم و ملفوفست زیاده چه

۱۷ امنه بنام زین العابدین بیگی اخشام فرحات حصار
دیشتی یارخان دیوان در ماده روانه ساختن
فتح محمد خان بحضور و فیصل ساختن حساب و کتاب
ذمه خانمذبور و وصول ساخته رسانیدن بگیزار
هون کلی رای باب صاحب کرفته اسمار علیخان بتوشکی
انجا معلوم و مستحسن شد

۱۸ ابا صاحب بنام محی الدین علیخان دیوان کرمه برای
فیصل نمودن حساب و کتاب ابراهیم علیخان در انجا
روانه نمود عوض وولک هون بهادری بحضور و
سکونت کردن به قلعه ظفرآباد معه متصدیان علاقه
خود و فراهم نمودن زر تحصیله همانجا و فرستادن سامان

توشکی نه انجا معه زر تحصیله موجوزه به متن

۴۴ منه بنام برهان الدین در صورت سر دیک
فرود آمدن فوج مخالف قابو و صلاح وقت دیده
شب خون و تنبه واقعی سازند وهی وکیلدر
در ملک جهاری اندرون آنظرف خود بفرستاده
باشند

۴۵ منه بنام شمس الدین و قطب الدین بالفعل
روانکی شما به بیکو منحصر بر تیاری جهازات است
اولا به تیاری ان پرداخته معروض باید داشت
حسب درخواست شما پروانه تاکید بنام عامل
خوشحال پور مرقوم و ملفوف است که بموجب حکم
حضور مهمه بردم نویسنده های اسد اللهی خواهد
رسانید

بنام محمود علیخان حملک نویسنده های اسد اللهی
که همراه مر شمس الدین و قطب الدین برای روانکی

بلور

بندر بیکو مقرر شده روانه شده اند بموجب حکمانه
میرسانیده باشند

۲۶ نمره بنام [illegible] درخواست آنان
پروانه تاکید بنام رسانیدن نکردن ماده قبول
کردن رکلید له انهربان در عرصه سه ماه مرقوم
است برسانند

۲۹ نمره بنام زین العابدین بیگی اسنام فرح بخش حصار
داده فرستادن پیاده های متعلقه نکرشتر دیدر الزنانخان
وتعین نمودن پیاده فرجباب حصار به کدبجات لکهسر وغیره

بنام میر محمد رضا تعلقه اسپتی نکل سجلاسه نفرسان لهوک
رامجدر را برطرف نموده سوای خورد برد دوازده
صد هون جریمه بگیرند و داخل سرکار نمایند و برادر امجد
که خود هم برطرفی خواست او را نیز تازیانه کاری کرده
دوازده صد هون جریمه گرفته برطرف نمایند برای
فرستادن سررشته دار کنری جناب دان تاکید بکهری

جلد

دیوانی نموده شد خوانند و رساند

۲۹ نمه بنام میر نظام الدین رسالدار احمد متعینه حاجی ان میل
کیفیت اشنای چوانان متوفی ۲ کچهری خود برنگارند

دویم احدی سال بنام برهان الدین فرود آمدن
شمار مقری کوته و روانه ساختن قافلیه لورکل بحضور
بجا شد حسب درخواست شما پروانجات برای
رسانیدن باطنی مخالف بشما بنام عمال متعلقات
و قلعداران مرقوم و ملفوفت سواران غارت کر
و قزاق را تعین مرفوج مقهور نموده امسال بشمار
غنیمت کرده طلبدارند و از فوج خود خبردار و مستعد
باشند

محمد عبد جامل افضل آبادی [illegible] دو مرار سپاری
ظفرآباد را قسمیکه واری کرده اند بهانقسم
طلبدارند

چهارم نمه بنام رستم علیخان قلعدار دیاده تاو

به قلعه اول ملی حسنا کبد سابق روانه نموده باشد

اطلاع دهند

دویم منه بنام تمه الدین ان انچه دوا که در بازار

بهم برسد در جنسی توشکخانه که آورده به امانت داشته

باشد برآورده بخوجه مختار میرسانیده باشند

سیم منه بنام کوتوال لشکر محمد عبد الله بکهرار دوده

صد و چهل و دو راس یابو کوتهی اسد اللهی و

شصت راس کاوان کوتهی بارو توشخانه در جرائی

روی مقرر نموده شد باید که فی راس فی یوم بحساب

یکدک بخته جغرات رسانیده واپس دکوالی را در جرائی

مذکور فرود آورده جغرات از انها مانده رسیدی

گرفته باشند

چهارم منه بنام راجه راجم در ماده فرستادن شش کرو

دیدماچی و نکت راده بحضور

پانصد منه بنام زین العابدین بخشی حرم

پیاده منجمله پیاده ای سه سی نفر مامصار طلبداشته
بطریق سری نیداده باشند

نهم منه بنام دارونه اسلام ایلخون هرگاه که از رسیدن حضور
نوشیده خواهند بخشی توشکخانه برسانیده
باشند اوسان حامکه رسانیدن ست خواهند
رسانید

نهم منه سال بیلو بنام شمس الدین ان در داده
فرستادن کتب مفصله ذیل به خوشخط باشند دونه
نوشت یکرخط ما اقرا باشد از کتب خانه بحضور
گلستان بوستان یوسف زلیخا فارسی دکی
جلد خانی باری جلد کرمان جلد آمدان

هشتم منه بنام شمس الدین خان برک کوسن طلای
موحلقه اونی جوری راد وازده برک مروارید که برای
روزن کردن داده اند ازانسان به برک مذبور

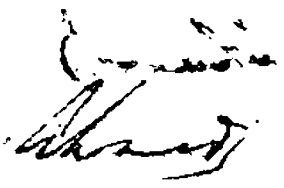

نصف کنا نیده چهل جوری و چهل یا مات بغره فی جوزی
ده همچنین چهل جوری تیار کرده روانه حضور نمایند
نهم منه حافظ محمد خان جاگردار شیره نور در مادره وصول
مت و دو روپیه ند
منه نام شمس الدین خان در مادره وصول چیته
آمدنی و خرچ دمر وارید برای روزن داده باز داخل
کوتهی نموده باز برای سفتن نمیداده باشند
ان کر
ا منه نام بدر الزمان خان و نرسا و محمد حسن دلوا
سابق ظاهر شده بود که متصدیان قدیم دیوان گجری
را موجب تصدیق وجه طلب انها میرسد لهذا ایروانه
بنام شما ها صادر شده که موافق تصدیق موقوف
نموده مطابق روانه مصدره جدید میرسانیده باشند
در بهولا ظاهر شد که همان عمل تصدیق جاریست لهذا
مینوشته میشود که انچه از روی تصدیق رسیده باشد
مطابق مروانه بحال داشته همه ما زیافت کرده بگیرند

دانسته موافق پروانه مبرسانیده باشند زیاده چه
میر محب علی بخشی اختام نقص حصار در ماده بکیر در آورده
طلب نمودن رام راد سر رشته دار مقرر کند آجار
معه معلق او والا مواخذه ان از شما خواهد شد
۱۱ احمد بیگ سال دلو بنام دلیر خان بهادر دلیر جنگ
مفاوضه خیریت طراز روی وصول نموده مسرور و
هر کیفیت مرقومه مطلع گردانیدند انچه از تقاضای
شده مرقوم نگاشته بودند رباک وغیره برای تفریق بخت
لک روپیه واسته عای پروانه تاکید بنام نانک
مذبور در ماده عدم شده در رند کور قلمی بود معلوم
شد حسب درخواست ایشان پروانه تاکید بنام
نانک مسطور مرقوم و ملفوف شاید که نانک مسطور
رامعه اهلکاران خود که سابق بحضور آمده بودند روانه
نمایند تا فیصله قیمت زر و زیور و جواهر وغیره که
همراه و منهاداس ساهو بحضور موصول شده است

بعمل آورده داخل سرکار کرده شود نوشته بودند که
بالفعل طرح هنگامه مقهور رو داده هست از جهت
رعایا و سکنه وغیره خیلی مشوش و پراکنده خاطر
اند ازین ممر ایصال زر واجب الادای سرکار متعذر
شده موضوح شد انشاء الله المستعان عنقریب
رفع هنگامه مقهور میشود و اشقیای مرقوم به تلافی
افعال ناهموار خود خواهند رسید بعد حصول طمانیت
و تسکین رعایا و غیره باد ای زر مذبور باید پرداخت
نظر باسودگی و خاطر داشت ایشان ساهوی مزبور
وغیره را حضور طلب کرده شد تا رفع مهلت بکاوش
و تقاضای زر برداز مذ زیاده حیه

بقلم آمد

ختم شد نقم ماه اپریل سنه ۱۸۰۰ عیسوی فی الوقت عصر
روز سه شنبه

2654

100

هوالله

۴ احدی میرود الدیجان برای مورچال نمودن قلعه
نرکند وجهت مفتوح نمودن قلعه رام درک و دیگر کدهای
اثنای راه انجا و دادن فور کاده ها جهت فراهمی
مورچال و نردبان وغیره بنام عمال و قلعداران قرب
جوار القصه پروانجات صادر شود که نوشته بودند
معلوم شد بالفعل مورچال بقلعه نرکند نباید کرد و هرجاکه
فوج مخالف باشد تعاقب کرده الطرف کشنا باید راند
و نوعی سرجنگ باید درنشیند که باز دیگر رو بمقابله نیارد
و برای دادن سرانجام نردبان وغیره و بیکاریان بنام
عامل دهاروا دونا دامی و کندر کنده بروانه مرقوم و
ملفوفت و قتیکه درکار خواهد شد رسیده سرانجام
باید طلبید کیفیت قلعه رام درک مفصل معروض دارند که
چه قسم مکان است زیاده چه

۶ احدی نرست علیخان آنچه در مقدمه پته ده هزار
هون بر عامل حین لای درک نوشته بودند معلوم شد

الشان بمقابله و مواجهه بعد مذکور نماند و انچه در ما
بدیے عامل انجا نوشتنی است براجه رام خود مرقوم
خواهد گشت زیاده حد

تاریخ ایضاً زین العابدین سعید دیوان بخشی کتابت
نوشته بودند که هنوز حکمنامه نرسیده و ارشد مکانی
از دست عاملان و سررشته داران معزولان کار میکنند
معلوم شد حکمنامه هم خواهد رسید و قسمیکه نامذکور
بگویند مطابق نقش عمل نموده نوشتند زیاده حد

۸ برهان الدین فوج مخالف که بفاصله پرتاب گوله
رام درک فرود آمده است باید که باتفاق میر فخر الدین معلی
معه فوج فیروزی بفوج مخالف چنان تنبه باید کرد که
گرمش نشکند و باز مقابله نتوانند نمود و غله پانزده روز
همراه باید گرفت مزاج نامذکور مکاسل است کشنائیدت
حکیم که نزد آن برخوردار است برای معالجه نامبرده مقرر
باید کرد زیاده حد

و برهان الدین آن برخوردار نزد نورچشم میرزا قمرالدین علیخان
رفته انچه لازمه مشورت و مصلحت تسمیکه باتفاق همدیگر
باشند عمل نموده سر رشته جنبان بمخالف نمانند که تا رود
کشنادم نگیرند و آن برخوردار بعد انقراض از تنبه مخالف
باز بر رام درک فرود آیند زیاده چه

و میرزا قمرالدین علیخان انچه رو بقرار نهادن فوج مخالف
و فوج فیروزی اسپان و غیره بابت غنیمت آوردن و
در مقدمه صادر شدن بردانه بنام ابراهیم علیخان و
راجو بندت بنابر ارسال رسیده نزد آن برخوردار
که نوشته بودند مفهوم گشت اسپان غنیمت که مردمان
لشکر فیروزی می آرند اثرا بطریق اردل گرفته دران
انچه مضبوط و فربه باشند در طویله بندند و مابقی به
سلاح داران داده بمردمانی که بی روزگار اند برای
نوکر دارند آن برخوردار باتفاق برهان الدین وغیره
بمقهوران جنان تنبه نمایند که تا رود کشنادم گرفتن

مدهد و سر خبک واقعی نموده باز بررام درک فرود آمد
ان نور چشم نزد برهان الدین میرفته باشند و بمصلحت
همدگر و باتفاق همه او در فرود آمدن و مورچال نمودن
شامل باشند و اگر شما را ضرر باشد برهان الدین
را نزد خود مطلبید باشند و همین مضمون بنام برهان الدین
مرقوم گشت بقصاصه شبه داران همراهی برهان الدین و
جهت فرستادن زر بنام ابراهیم علیخان و راجو بندت
بروانه تاکید مرقوم گشت زر رسد خواهند فرستاد زیاده
مدح صلبه ۱۰ برهان الدین عرضداشت مرسله متضمن
کسلمندی مزاج میرقمرالدین علیخان و دو حکیم یونانی و حکمار
تلنگی جابر معالجه خانمذکور متعین نمودن که معروض نمودند
از نظر گذشت و کیفیت مرض ظاهر شد کشایندت حکیم
که همراه ان برخوردار است از او بعبدالحکیم خان نوشته
دارائی طلبیده شد برای معالجه خانمسطور مقرر نمایند
و تاکید نمایند که بزودی صحت روی دهد و رد و داد

که کاوان نوبکنی هستند نباید فرستاد لش بقلعدار
انجی تاکید مرقوم و ملفوف است باید که کاوان مذکور طلب
داشته دران کاوانی که مضبوط و جوان و قابل نوبکنی
باشند دیده حواله سید عفر رسیده دار نماید زیاده
ه م زین الدین نوشته بودند که یکهزار هون از علف
وصول شده امانت است قلعدار انجی باید های
کند اجازت نمیدهد که مذکور از ان حضور شود و هم نشان داده
برای آمد و رفت به بیوپاریان خریدار کاه پروانگی
دروازه قلعه نمیدهد و برای فروخت کاه مانع نمیشود
معلوم شد پروانه تاکید در باده هر دو مقدمه صدر
بنام قلعدار انجی مرقوم و ملفوف است باید رسانید و
معروض داشته بودند که سواران بید و غیره تمامی
کاه رعایای برند ظاهر شد باید که از زمان خوف
فرستاده تقید نمایند که نصف کاه حصه رعایا را
بدهند زیاده چه

غره ماه بهاری میرزا قمرالدین جلایر ان معروض نموده بود
که با وصف صدور پروانجات تاکید کسی عامل بهنور
بیکاری و غره سرانجام مورچال نفرستاد بارغبات
نامجات تاکید جهت فرستادن سرانجام مورچال
صادر شود معلوم شد از سابق که ان نورچشم طفل
بود ندور بنولا غفل هم رفت که جهت اصدار پروا
مکرر بار بار معروض نمامند یکدفعه که تاکید نوشتیم
کفایت است عمال چه طاقت دارند که در فرستادن
سرانجام اهمال کنند کدام عامل پروانه را بی نظر
نیاورده جانش بگیرند با اینکه آن پروانه را واپس
ارسال حضور نمانند و بیکاریان و فرکاده وغیره
که از تعلقات می آید و نزد میرزا قمرالدین هستند نصف
ازان گرفته کار مورچال بزودی شروع نمانند چرا که ایام
بارش در پیش است وقتیکه بارش شد بازکار مورچال
بتوقف خواهد افتاد می باید که بسرعت سریعه مورچال به

Zuchi
187 95
3 L 29

نرکند نموده بگیرند زیاده چه

۲ منه مرزا حیدر حسین معروض نموده بودند که کامکاری قلعه هسور و برکوته و کوهپایه وغیره از سر نو تبار میشود و این زمان را اگر حکم شود هسور رفته کامکاری انجا را دریافته باز بقلعه بنگلور خواهند رسید معلوم شد هسرات هسور باید رفت و کامکاری انجا بچه عنوان میشود حرف دریافته به بنگلور بیایند و کیفیتش معروض دارند زیاده

۳ منه میر قمرالدین معلنی ان عرضداشت مرسله متضمن

Cyp 38 مراجم شدن سواران و قشون همراهی برهان الدین بر یکهارمالی که از دهارواد آمده بودند از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت نوشته بودند که کوله های جیده رطلی دمبت و چهار رطلی و سرب و باروت و لشکر فیروزی نزد برهان الدین کم است بروانه جهت فرستادن کوله های مذکور بنام قلعدار دهارواد صادر گردد معلوم رفت سابق بقلم آمده بود و حال هم نگارش میرود که

هر قدر بکاریان و دیوکاذه وغیره هرچه بسرانجام از تعلقات
سرکار می آید نصفی ازان به برهان الدین داده نصف
ان نورچشم بگیرند و براهی فرستادن کوله ها بنام قلعدار
دار داد مرقوم و ملفوفست بقلعدار مذکور رسانیده
کوله های مسطور طلبیداشته نصف ازان هم به برهان الدین
داده و دریاده وغیره هم نصف گرفته از یکطرف ان
نورچشم و از طرف دیگر برهان الدین بر قلعه نرگند
مورچال نموده مفتوح سازند

تاریخ منه محمد اشرف عرضداشت مرسله معه کوشوار
بمع درخ و اصلاتی تعلقه کنتی و بلهاری و ادک و هانسی
انست بنوز از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر
گشت نوشته بودند که بر تعلقات زر سرکار بسیار
بافیست خصوصا به کنتی و بلهاری باوصف انکه هجار
سوار برای سزاولی فرستاده بگذار هون وصول
کردند از حضور بروانجات تاکید صادر شود تا مدکه ان

خوب نازمانه کاری نموده زود زر سرکار وصول نماید

زیاده

نامه بدر الزمان خان یادداشت حاضری مردمان
تعلقه حبش و خلاصه و کوله اندازان و غیره متعینه قلعه
کورمال که ارسال حضور نموده بودند رسید زیاده

نامه بنام الضا کاتب غلام محی الدین صاحب بعرض رسید
که حکیم رضا پسر حکیم محمد واصل و زانجا بیمار اند لهذا بالقلم
می آید که انهمان پسر حکیم مذکور را روانه حضور نمایند
که بعد اصلاح مزاج باز فرستاده خواهد شد زیاده

نامه بنام الضا محمد زین الدین انچه از عدم بهمرسی
کلنهی در تعلقه متعلقه خود و فرود آمدن دستجات سرکار
نوشته بودند معلوم شد اگر کلنهی در تعلقه شما بهم رسد
باید کرد نقد برای خریدی کلنهی اطراف و جوانب
تعلقه خود فرستاده کلنهی طلبداشته بدستجات باید
رسانید و نالش ایمعنی بحضور رسیدن نباید داد

واقعه زین العابدین عرضداشت مرسله معه مبلغ و
خرج مبلغ موصوله بتعلقه بعل گدهی از نظر گذشت و
بصحت معروضه ظاهر گشت معروض نموده بودند که
عامل گدهی مذکور معزول شده یک عامل و قلعدار دیگر
مذکور از حضور مقرر شود معلوم شد اما بی جهت و بی
سبب که نامبرده معزول شده چه باعث است معنی را خوب
تحقیق و دریافت نموده مفصل معروض نمایند

اما مسئله بود هن شاه صاحب عرضداشت مرسله
متضمن مبارکباد تولد نورچشم از نظر گذشت و کیفیت
مندرجه بوضوح پیوست امیدم برآنست که هم مبارک و
میمنت شود زیاده چه

تاریخ ایضاً بقمرالدین علی برمال الدین معروض
نمودند که در باب دادن قشون شیخ عنصر بقمرالدین علی
و عوض آن گرفتن قشون محمد عیسی کندان کفته شد
خانمذکور جواب دادند که بالفعل عوض نمودن مناسب

خوب چه مضایقه قشون محمد علی همانجا باشد نوشته بود
که انواب کلان و سکاریان و کمانی وغیره بقمر الدین خان
نصف داده نصف خود میدارم بهتر است آینده هم
انچه کمانی وغیره که می آمده باشند نصف بقمر الدین خان
میداده باشند نوشته بودند وکیل کتور آمده گفت
که نامبرده وعده هفته دو هفته میخواهد بعد ان بکار سرکار
نزد ان نور چشم خواهد رسید معلوم شد بعد اتمام
وعده مذکور نامبرده را طلبداشته کار سرکار بگیرند

ایضاً محمد کاظم برادر زین العابدین متوفی محسن
لهری در بولد شب انزدی برادران ان وقات
یافته و بر خاطر ما از بمبئی افسوس گذشت چونکه غور
پرداخت ایشان منظور است لهذا نوشته میشود که
زود خود را بحضور رسانیده مورد عنایات تصور
نمایند زیاده چه

۴۴ منه محی الدین خان مکرر عرضداشت رسله متضمن

رسیدن کورم کنده و دریافت نمودن معاملت انجا
و باقی ماندن مبلغ دولک تومان بر تعلقه مذکور باعث
فراغت شعاری عمال و واصل شدن واصل علیخان
و عیوض متوفی دیگر عامل از حضور رخصت شود و رسیدن
بست هزار سوار از نزد قمرالدین علیخان برای تحصیل و
ترسیل زر از تعلقه مذکور موخطات رایه بنام بیکار
متوفی و سوای ان روانه شدن دیگر سواران میر
منشی رایه بکریه نزد ابراهیم علیخان بنابر ترسیل زر
از نظر گذشت و کیفیت مندرجه بوضوح پیوست
راجو بندت بیکار خانزاد مذکور را تعلقداری
حویله کورم کنده مامور و مقرر کرده شد باید که از
نامبرده کار تعلقه بسکرفته باشند و زر تحصیل تعلقه و
کورم کنده و کریه بکدام نزد میر قمرالدین علیخان روانه
ضرور نیست روانه نیوشکنی نه حضور بسکرده باشند
چنانچه در پیشداده سابق هم تاکید کرده شد بمقتضای

غور جریدا خت شما که منظور خاطر ماست برادر شما را
برای مامور نمودن بتعلقداری نبلوکل وغیره طلبیدا شته
ایم بعد رسیدن مومی الیه بحضور بر تعلقه مذکور مامور و
مقرر کرده خواهد شد

راجه رام چندر بعرض رسید که منجمله تعلقه مفوضه
میر فتح علی تعلقه ارجکل لاپور با نزده شانزده هزار
هون باقیست در ایمان هم بعضے ابواب مجراد موقوف
برآینده داشتنی است برای زر مذبور ایشان سزاولی
شدید نمی بیند چون نامبرده کاهی تعلقداری نکرده و
شخص اجنبی و ناواقف کار ست لهذا نوشته میشود
که ایشان سزاولی موقوف نموده بمرور در فکر تحصیل زر
باید نمود و الکیان را بازپس باید طلبید تا عامل مذبور
سراسیمه نشود و دستجات سرکار در تعلقه جکل لاپور
فرود آمده اند و عامل مذبور تا اینمدت انچه مکنتهی در
تعلقه خود بود رسانید و هم از تعلقات بخریده هم بهمرسانیده

سر انجام منوط الحال بانش عدم پرسی کلتهی در تعلقه
خود بمرتبه اتم نوشته است بنابران بقلم می آید که شما
بدیکر عمال تاکید نوشته کلتهی خرمدکر دانیده بدستخط
مذکور بفرستند و باز بانش ان بحضور رسیدن
مرسند

۷۴ مسئله زین العابدین بخط احقر جیل در رک نوشته
بودند که مبلغ دو هزار و هفتصد و سی و سه هون بابت
طلب پیاده ها بذمه عامل ماموار و غیره باشات
رسیده عامل مذکور میخواهد که موقوف برآینده
داشته بالفعل منجمله زر مذبور چهارصد بانصد
هون بدهد معلوم شد خوب چه مضایقه انچه عامل مذبور
بالفعل میدهد بگیرند و بمرور و بمافی دیگر بوصول آرند

۷۵ مسئله محی الدین علیخان عرضداشت مرسله محتوی
دریافتن جواب تعلقه حویلی و تعلقه علی نگر متعلقه
کورم کنده از نظر گذشت و کیفیت سرو ضع کماهی ظاهر

گشت باید که حساب متعلقه مذکور وغیره بوافعی دریافت کرده تحصیل
زر سرکار ما مدرواخت وگر نه بنگرامی اختیار کرده در مال
سرکار خود دبرد نموده اند بلا خاطر واشت نازیبا کاری نموده
زر معرض وصول باید آورد وانچه در ماده حویلی تیار کرده
سرصاحب شهید نوشته بودند معلوم شد باید که انچه در بستی
وتیاری حویلی مذکور باقی باشد تیار باید کرد مند کیفیت داسو
وغیره سرشته داران که نوشته بودند مکشوف گردید سرشته
داران جدید از حضور مقرر شده میرسند جواب عرایض شما
قبل ازین مشروحاً مرقوم گردید از روش خواهند دریافت
زائرا و سرشته دار هم از حضور روانه شده است خواهد رسید
ایضاً میر ابراهیم متعلقه ارسال تار عرضداشت مرسله
محتوی هنگامه ارای وزدوان وگرفته بودن چند رعایای
متعلقه متعلقه شما از نظر گذشت وکیفیت بر وفق گماهی ظاهر
گشت در همه امور ضروریه انجا به ارشد میکنان باید نوشت
که بسند ولیست آن خواهند برداخت کما مسطور در مقدمات انجا

نوشته بار متن موجب تعجب است زیارجه

۴ جعفری سال جلوس زین العابدین بخشی احت جناب دیگر

عرضداشت مرسله معه بتی وصولیابی کنکارام و محکم سنگ
از نظر گذشت و کیفیت مرقومه کماحقی ظاهر گشت نوشته بودند
که منجمله کنه کاری راجو بندت حواله دو صد و چهل هون
مقرر نموده بسبب عدم عوض متونی راکهندر نایک ساهو
گرفت و که کاری کاسبی راد نامی منصدی کوتهی بعدم
دست رس بالکل موقوف داشته فقط باقی متونی
راساهوی مذکور حواله خود کرفته است نظر برسیل ر
سرکار ایشان قبول نمودند از ته کس هم منجمله کنه کاری
یکهزار و بیست هون کذاشت مشود معلوم شد انچه شما
مناسب دانند زرکنه کاری بکیرند و بموجب ترقیم خود
بالصد روپیه از راکهندر نایک نایت کذاشت زن کشته
دار رساله کنکارام کرفته زن مذبور راکذاشت نمایند

واقعه نجارت پناه شیخ احمد پسر محمد مکرم سودا

احوال ایشان بزبانی میر محمد رضا واز عرض محمد مکرم مفصل
ظاهر جناب کردید لهذا القلم می آید که مجرد صدور منشور فیض
کنجور پاک نبکه می آیند همراه خود کرفته معه قبایل بخاطر
جمعی تمامتر عازم حضور شوند ان شاء الله تعالی بعد حصول
ملازمت همه امور غور پرداخت حسب الدرخواست
شما دلبکار نجارت وغیره مامور ومقرر فرموده خواهد
شد ومکان برای کوتهی وانجه برای تجارت زرد کار
هرشد از سرکار عالی دهانیده منافع آن وحاصل
ومحصول جنس تا دو سال حکم معافی خواهد کردید باید که
بی اندیشه وبی وسوسه حاضر حضور باید شد ما بقی
کیفیت از خط محمد مکرم ومرمانی میر علی رضا مفهوم
خواهد کردید زیاده چه

واقعه برهان الدین نوشته بودند که محصور قلعه سبز
عامل بادامی برای واکذاشت خود از جان وابرو قول و

قرار ما کرپی کوته والا میخواهد معلوم شد او را باید گفت که
از معرفت سرداران فوج فیروزی اگر قول میخواهی
سید هم و با کرپی کوته والا نوکر ما نیست که معرفت او داده
آید برای فرستادن سواران بجرائی پیش ازین حکم
کرده شد حال هم بقلم می آید که سواران را در انجی
داشته بجرائی باید فرستاد و در بهیر هم تاکید نموده
باید بود کاوان لاغر وغیره نیز بجرائی نفرستند
ایام بارش در پیش است

به امنه غلام حیدر دو قطعه عرضداشت رسیدگی متضمن
ارسال نمودن چهار اده دانه های انبه از نظر گذشت
و گفت معروضه ظاهر گشت چهار اده دانه های امنه
که ابلاغ حضور نموده بودند بنظر در آمد

به ۳۴ منه راجه رام چندر عرضداشت مرسله متضمن ترخنکه
تربیت علیخان برای حواله نمودن زر بصوبه کنداجار
بشما مسکوبند و شما در باب اسندهای حکم حضور می

خواهند از نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت در
حکم نرسیده حرف جهک زدن ما دیگر معروض نباید
کرد زیاده
۴۴ نمره برهان الدین نوشته بودند که پیاده های سه
که متعینه قمرالدینخان بودند فراری شدند و یکنفر
دلوایی یکنفر وکیل را ان نورچشم در نزد داشته اند
معلوم شد عوض پیاده های مفرور دیگر پیاده ها
بجا نمذکور بدهند و هر دو نفر مذبور را سلسله زنجیر در
پا کرده دارند و اسبان و شتر انها را داخل سرکار
نمایند
۴۵ نمره راجه رامچندر نوشته بودند که دفعه اول نمونه
نهان میری کنده و دفعه دویم نمونه قسم دویم و دفعه
سیوم نمونه قسم اول از حضور مرحمت شده بنابنچه
برای تیاری آن بجمیع عمال تعلقات تاکید نوشته
فرستاده اند و حالا اعلام حضور میکنند که از حضور پرنور

جهت تیار کردانیدن فقط قسم اول رحیم و موقوفی
تهانهای کنده بخود حکم معلی صادر شده در باب
هر چه ارشاد شود بجا خواهند آورد معلوم شد قسمیکه
بشما حکم شده است مطابق آن تهانهای قسم اول و
قسم دویم تیار باید کرد و باب قسم سیوم در کار
نیست زیاده چه

عرضه داشتی برهان الدین نوشته بودند که اسپان
کاردان هر گز خرید نکنیم معلوم شد شما که خرید نمیکنید
لاکن بسلاح داران تاکید نمایند که اسپان کاردان
خرید بکنند نوشته بودند که روزمره بیکاریان هر هر تعلقه
عمال انجا میرسانند معلوم شد از روزیکه بیکاریان
هر هر تعلقه نزد شما میرسند باید که روزمره بیکاریان
شما میرسانیده باشند تا بودن بیکاریان نزد
شما عمال را روزمره انها دادن در کار نیست از
عرضداشت برخوردار میر قمر الدین معلوم شد که شتر سوار

راو راسنی معه خط بنام میر قمر الدین و شما رسیده است
باید که مضمون خط مذکور دریافته جواب آن مناسب
داده نوشته معه شتر سوار مسطور روانه نمایند
ایضاً سه نفر میر قمر الدین نوشته بودند که حسب الحکم محمد
سپه دار رامعه قشون تعین برهان الدین نمود که
بجای او شیخ عنصر رامعه قشون نزد خود طلبیده در
امور رجال قایم کرده اند معلوم و مستحسن شد بنی قشون
شیخ عنصر تبارکنیده زر باید داد و طلب قشون
محمد علی برهان الدین خواهر رسانید نوشته بودند
که سید میران قلعدار دهارواذ در جواب خطاشان
نوشته بود که نمایی باروت و کولها نزد برهان الدین
فرستاده شد حالا بدون رسیدن از تفنگ کولها و
باروت موجود نیست معلوم شد از حضور در باب
فرستادن کولها و باروت نزد شما تواکید مبنام
سید میران قلعدار دهارواد و هم متعلقداران نگر نوشته

شده است خواهد رسید نوشته بودند که در سورچال خود
کا مکاری باقی نمانده مکرر در سورچال های سمت برهان الدین
کار دو چهار روزه باقیست بعد دو چهار روز بمشورت
سپه داران و سرداران فوج یورش کرده قلعه نگیرند
را مفتوح نموده میشود معلوم گشت اگر قلعه گیان
بقول و قرار فرود آمده قلعه را سپرد نمایند فبها
در غیر صورت مردم ضایع نخواهند شد والا از هر چهار
طرف سورچال ها دیوار قلعه شکسته و خندق پر نموده
با استصلاح سپه داران و سرداران فوج بوقت صبح
صادق باذن پادشاه روز فایده بوده یورش کرده
قلعه را مفتوح باید ساخت و دیواران را بعد رسیدن
ارسالنور در بهره داشته روانه حضور نمایند نوشته
بودند که شتر سوار را در راستی معه خطابنام خود و
برهان الدین رسیده بود و برهان الدین خط مذکور را
روانه حضور کرده باشند معلوم شد خط مذکور بحضور

از این

رسیده اگر میرسید همانوقت جواب بقلم می آمد باید که
شما و برهان الدین مضمون خط مزبور دریافته جواب
آن مناسب دیده نوشته معه شتر سوار مذکور نزد
راستی روانه نمایند زیاده چه

بالفاصله عرضداشت ابراهیم علیخان ظاهر
حضور شد که سید حمید و میر علی بیک و ابراهیم خان
رسالدار از مردمان رشوت وغیره گرفته اند چنانچه
عرضداشت مذکور در کچهری حیش نگاهداشته نقل
آن ملفوظ شد باید که انها را از رساله برآورده و
رجوع مقابله نموده زرسرکار بگیرند و انها را در امانت
داشته بحضور معروض دارند که از کجا رساله دارد دیگر
روانه کرده خواهد شد زیاده چه

بالفاصله عرضداشت محمد علی سپه دار ظاهر
حضور شد که مورچه او بر خندق رسیده و فصیل و بروج
اطراف مورچه بخاک برابر شده است مگر خندق برکردن

است ان چه قدر کار است خندق برنموده باستصوا
همه یورش نموده قلعه را مفتوح سازند واگر برقول
فرود آیند فبها سوای کالا بندت دیگر انرا از جان
وسلاح امان باید داد و بندت مذکور را مقید باید
نمود والا نه یورش کرده سوای بندت مذکور همه ها را
از زن و مرد و پیر و جوان و طفل و سگ و گربه وغیره
احدی را باقی نداشته قتل عام باید کرد زیاده
ایضا محمد علی سیه دار نوشته بودند که مورچه بر خندق
رسیده مکرر کار برکردن خندق باقیست معلوم شد
برکردن چه قدر کار است خندق را برکرده باستصوا
همه یورش نموده قلعه را مفتوح سازند زیاده
~~[illegible]~~ دار ای جرنیل میر غلام حسین خان دار وغه ارباد
کوریال نوشته بودند که یک تاکید پروانه بنام همه ها
درباره عدم ممانعت بکارهای شما صادر شود معلوم
شد شما هر چهار دار وغه کارهای متعلقه خود را بانجام

باید داد کسی دیگر چرا حرکت خواهد کرد انچه مطلوبان
از قلعدار و عامل برای کارسرکار درخواست خواهند
کرد خواهند داد
ه دارائی محی الدین علیخان نوشته بودند که برای تقابله
حساب وصولباقی وغیره یکماه میکنند در منصورت
ابراهیم علیخان را تعه منصدی بعد مقابله حساب مذکور
روانه حضور نماید یا همین طور روانه حضور نماید معلوم
شد باید که بعد حساب مقابله نموده بعد انفراغ ان
خانمذکور را روانه نمایند نوشته بودند که بموجب توجیه
نوشته داده میر قمرالدین خان راتب فیلان وشتران
وغیره بابت کرم کنده دکره میرسد وایضاً سیصد نفر
گهائی که برای خبرگیری باغ نواحداث اندرون قلعه
گره میرسد در بیاض هرچه ارشاد شود بجا خواهند
آورد معلوم شد باید که بالفعل بموجب توجیه صدر
طلب وراتب افیال وبارکشان وغیره جاری داشته

بتی ہای ہر یک مفصل نوشتہ نبودہ ارسال حضور دارند
بعد ملاحظہ خاص حسکم فرمودہ خواہد شد یک سررشتہ
دار را بدرباہ نہ جکرہ بنوشتن حساب زکات تعلقہ
گرم کندہ کہ مقرر نمودند خوب شد میر یکنفر ہندی نویس
و یکنفر کنہری نویس برای نوشتن حساب زکات
کربہ ہم باہوش و خبردار دیدہ باید داشت از تحصیل
کربہ کہ سی ہزار ہون جمع شدہ است و انتظار یکصد ن
یکشیدہ سی چہل ہزار ہون روانہ حضور نمودہ باشند
بہر کی جوانان بار و سواران سبندی باید نمود برای
تنبیہ بالیکاران اطراف کہم فوج از حضور روانہ شدہ
است زیادہ چہ

ہ منہ میر قمر الدین علیخان نوشتہ بود مدکہ سواران را
برای آوردن مبلغ سی ہزار جکرہ امر بکی غنایتی حضور
کہ برای جمع فوج ہراہی بدہا روادر روانہ شدہ بود
روانہ نمودہ اند معلوم نشد سوای ان زر دیکر ہم از

105

حضور روانه شده است حواله رسید کامکاری
سور چال و شکست دیوار قلعه تمام رسیده است
ما در یک جا باید کرد اگر برقوان فرود آیند فبها والا
باستصواب سپهداران و سرداران فوج قابو
دیده یورش باید کرد و قلعه مفتوح باید ساخت
ه منه محمد علی سپهدار نوشته بودند که شما مع جوق اند
رسالجات جیش همراه گرفته در خندق مذکور رسیده
انجه که مردمان مقاهیر در انجا بودند قتل نمودند بعد
زان جوانان قشون سبقت بر بالای قلعه کرده بر
برج علم ثابت کردند بعده پیاده وغیره مقاهیر جمع
شده از ضرب بندوق و حمله و تیر وغیره خنک می
نمودند لهذا جوانان را از برج فرود آورده در رحله
قایم کردم معلوم شد هر قدر که شما حکم شده است موافق
حکم بجا باید آورد ما از دل خود کار بند میشویم بار دیگر
اینطور کار بیهوده نباید کرد و باستصلاح همه ها کار بند

باید شد

ومنه برهان الدین نوشته بودند که سورچه بدبوار رسیده
و یورش در عرصه دو سه روز قرار یافته دلیر دلخان
میگوید من معه مردمان بچرائی خواهم رفت و برای
یورش انبوه کثیر ضرور اگر حکم شود خانمذکور را معه
مردمان بی اسب سوار کمهری تا یورش همراه خواهد
داشت معلوم شد باید که خانمذکور را معه مردمان مذکور
همراه داشته بعد انجام کار بچرائی رفتن دهند

ومنه بالبداهه ظاهر حضور شد که محصوران قول فرود
آمدن درمیان دارند و می خواهند لهذا القلم می آید
درصورتیکه از قول فرود آیند یورش چرا باید کرد
شما و فرالدینخان باتفاق از قلعه کنان جواب و
سوال قول نموده بهرطرح فرود باید آورد و درصورت
عدم آن باستصلاح همه سپه داران و سرداران فوج
قابو دریافته وجای یورش مناسب دیده که مردمان

فالح

ضایع نشوند یورش ساخته قلعه را مفتوح
در بجا هم سواری خاص تیار است عنقریب جلوه افروز
انضلع خواهد شد بهر طرح راست و دروغ زمانه
سازی نموده قلعه گیان را فرود باید آورد چرا که
در یورش مردمان ضایع خواهند شد و بدر کشتی
در انجی آدمان هلاک میشوند و در خاطر مبارک ما
بعد ایام بارش کار سنگین نمودن ست لهذا بهر
طور محصوران را فرود باید آورد و بهمه کار سرکار
اتفاق همدیگر باید نمود

۹ منه نقیر الدخان میر معصوم صه

۱۰ منه محمد امیر عیسی خان انفصال معاملات ان متهای
وکلای دنگت گیری که بر مبلغ ده هزار هون نموده
حواله شاهو کرفتند خوب شد بعد وصول زر مذکور
اسامیهای مذکور را حواله وکلای دنگت گیری نمایند
و بمقدمه نوشت خواند آن کس را ابراهیم علیخان

تقرر یافته حال هم معرفت خانمکور انفصال دهند
روانه نمودن بکنفر کوفتکر و یکنفر مهرکن بحضور بهتر شد
کوفتکر اگر دیگر بهم رسد نرسد مهرکن هرقدر که بهم
رسند و اگر خطا نرشت هم کنده نکرده باشد درین
درست خواهد شد بهم آورده روانه حضور نمایند نوشته
بودند که ابراهیم علیخان سعه سر جعفر روانه حضور نشوند
و منصدیان بعد تنقیح حساب روانه حضور خواهند کرد
معلوم شد باید که خانمکور را نیز در انجا داشته بعد
فیصله حساب انجا معه متصدیان روانه حضور نمایند
نوشته بودند که از تعلقات کربه دو دو عامل را معه
سرسته داران طلب نموده حساب مجمل انها دریافته
زر باقی را مجلکه نویسنده روانه تعلقات نمایند
و برای دریافت خام وصول توقف یکماه مینمود لهذا
تحصیل زر منظور داشته عمال را رخصت میدهد و
بعد ازان حساب خام وصول و بقی های خورد و بهم